

9 مئة وثمانون وثمانون

آثار نماز دکتر ابو الفضل ساجدی

با همکاری غلام حیدر کوشا

نام کتاب: آثار نماز
نویسنده: دکتر ابوالفضل ساجدی
ویراستار: هادی عجمی
طرح جلد: محمد حسین مویدی
صفحه آرا: رضا فریدی
کاری از: مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز
انتشاراتی ستاد اقامه نماز
ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۲
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۱۳-۳
چاپ و صحافی:
قیمت:
مراکز پخش:
۱- تهران / میدان فلسطین / انتشارات ستاد اقامه نماز
۱۱۸۹۶۶۶۶۶-۱۱۹۰۰۰۵۹
۲- دفاتر ستاد اقامه نماز سراسر کشور



ستاد اقامه نماز
مرکز تخصصی نماز



فصل دوم: آثار عبادی - معنوی ۵۳

- ۱. نماز، نردبان قرب ۵۵
- ۲. ایمان افزایشی ۵۹
- ۳. خشوع ۶۱
- ۴. شیطان ستیزی ۶۳
- ۵. کسب مقام‌های معنوی ۶۵
- ۵.۱. مقام شفاعت ۶۶
- ۵.۲. مقام خوف ۶۸
- ۵.۳. مقام اخلاص و رضا ۷۰
- پرسشنامه ۷۲

فصل سوم: آثار عاطفی - روانی ۷۳

- ۱. کاهش اضطراب ۷۵
- ۲. بالا بردن سطح تحمل و رهایی از غم و اندوه ۸۲
- پرسشنامه ۸۵

فصل چهارم: آثار اخلاقی - رفتاری ۸۶

- ۱. نماز تمرین ادب عبودیت و مبارزه با نفس ۸۶
- ۲. نماز سبب ابهت یافتن خدا در دل ۸۹
- ۳. پیشگیری از گناه ۹۲
- ۴. تمرین چشم گفتن به خداوند ۹۴
- ۵. درمان و پاکسازی گناه ۹۵
- ۶. درمان حرص و طمع ۹۸
- ۷. تربیت روحیه حق‌شناسی ۹۹
- ۸. تقویت روحیه شکرگزاری ۱۰۰
- ۹. درمان کبر و غرور ۱۰۱



فهرست مطالب

- پیشگفتار ۹
- چند نکته ضروری ۱۳
- بخش اول: آثار فردی نماز ۱۷
- مقدمه ۱۸
- فصل اول: آثار شناختی - اندیشه‌ای ۲۰
- ۱. آثار اعتقادی ۲۰
- ۲. آثار عقلی و علمی ۳۶
- ۲.۱. نماز سبب پیوند عقل و قلب ۳۶
- ۲.۲. گشودن ابواب حکمت و معرفت ۴۰
- ۲.۳. ارتقای توان تمرکز علمی ۴۱
- ۲.۴. تقویت انگیزه حرکت در مسیر پیشرفت علمی و عقلی جامعه ۴۲
- ۲.۵. تقویت اراده برای پیشرفت عقلی و علمی ۴۳
- ۲.۶. گزینش مناسب رشته‌های علمی ۴۴
- ۲.۷. پالایش انگیزه تولید علم ۴۶
- ۲.۸. جهت‌دهی الهی به مسیر کاربرد محصولات علمی ۴۶
- ۲.۹. حل مشکلات علمی ۴۷
- ۲.۱۰. تقویت روحیه جمع‌گرایی و بهره‌وری علمی از جمع ۴۹
- ۲.۱۱. جلوگیری از غرور علمی ۵۰
- ۲.۱۲. جلوگیری از آفات عقل‌زدگی و علم‌زدگی ۵۰
- ۲.۱۳. اثر بخشی به دانش‌های عقل عملی ۵۱
- پرسشنامه ۵۲



پرشننامه ۱۰۳

فصل پنجم: آثار زیستی - بهداشتی ۱۰۴

پرشننامه ۱۰۶

بخش دوم: آثار اجتماعی نماز ۱۰۷

فصل اول: نماز و خانواده ۱۱۲

۱. برنامه‌ریزی و تدبیر منزل ۱۱۲

۲. تنظیم روابط خویشاوندی ۱۱۸

۳. حفظ هویت دینی ۱۲۰

پرشننامه ۱۲۲

فصل دوم: نماز و جامعه ۱۲۳

۱. کاهش جرائم و کج‌روی و تقویت کنترل اجتماعی ۱۲۳

۱.۱. مکانیسم حیا ۱۲۶

۱.۲. مکانیسم تعدیل ۱۲۸

۱.۳. مکانیسم معرفت و هدایت بخشی ۱۳۱

۱.۴. یادآوری تعهدات اخلاقی ۱۳۳

۲. تألیف قلوب و ایجاد همدلی و برادری ۱۳۵

۳. بستر یافتن دوستان شایسته ۱۳۶

۴. تسهیل روابط اجتماعی ۱۳۹

۵. هنجارمندی و اهتمام به قراردادهای اجتماعی ۱۴۱

۶. توجه به حقوق دیگران ۱۴۳

پرشننامه ۱۴۶

فصل سوم: نماز و فرهنگ ۱۴۷

۱. تثبیت نظام معنایی توحیدی ۱۴۷



۲. فرهنگ‌پذیری حجاب ۱۵۰

۳. تبلیغ جهانی فرهنگ اسلامی ۱۵۵

پرشننامه ۱۵۸

فصل چهارم: نماز و سیاست ۱۵۹

۱. وحدت و همدلی ۱۵۹

۲. تعمیق بصیرت سیاسی ۱۶۴

۲.۱. نماز و غفلت‌زدایی ۱۶۵

۲.۲. نماز و شناخت موقعیت ۱۶۸

۲.۳. نماز و شناخت دشمن ۱۶۹

۲.۴. نماز و شناخت حق ۱۷۱

۳. ایجاد اقتدار و تحول در معادلات سیاسی ۱۷۲

پرشننامه ۱۷۵

فصل پنجم: نماز و اقتصاد ۱۷۶

۱. فعال‌سازی روحیه تعاون و همیاری ۱۷۶

۲. بهبود رابطه کارگر و کارفرما ۱۷۹

۳. نزول برکات الهی ۱۸۲

۴. تحکیم برابری و رفع اختلاف طبقاتی ۱۸۴

پرشننامه ۱۸۷

فصل ششم: اثر فراگیر نماز ۱۸۸

ستون و شاخص دینداری ۱۸۸

نماز بخوان تا آدم شوی! ۱۸۹

پرشننامه ۱۹۲

کتابنامه ۱۹۳



تربیتی تأثیرات نماز، روشن کند که چگونه این عبادت پر رمز و راز، چنین آثار دنیوی و اخروی^۱ را به ارمغان می‌آورد و سعادت دنیا و عقبای نمازگزار را تأمین می‌کند. گرچه شمردن آثار نماز،

پیشگفتار

نماز از جهات مختلفی در نفس انسان تغییرات نسبتاً پایداری به‌جای می‌گذارد. این تأثیرگذاری تنها در بخشی از زندگی انسان نیست؛ بلکه نماز در ساحات گوناگون دنیوی و فراتر از آن در مراحل مختلف حیات اخروی اثرات شگرفی در پی دارد.

نماز از دو سازوکار تربیتی مستقیم و غیرمستقیم برخوردار است. بیدارسازی فطرت الهی و اعطای حیات ابدی به او، اثر مستقیم نماز برای تربیت نفوس بشری است که با انجام نماز حاصل می‌شود. از طرفی سازوکار غیرمستقیم تأثیر نماز، از راه مطالعه آثار نماز و کسب آگاهی در مورد عواقب ترک و برکات تقیّد به نماز به دست می‌آید. مخاطب "أقیموا الصلوة"، با آگاهی یافتن از اثرات شگرف نماز در سرنوشت خود، به انجام آن راغب و از ترک آن هراسان و با قرار گرفتن در زمره نمازگزاران، از تربیت مستقیم آن بهره‌مند می‌شود.

این تحقیق، تنها در صدد انذار و تبشیر از راه شمردن برکات انجام و عواقب ترک و نماز نیست؛ بلکه می‌خواهد با تحلیل

۱. از پیغمبر ﷺ درباره نماز پرسش شد، ایشان فرمودند: "الصلوة من شرائع الدین و فیها مَرَضَةُ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ وَ هِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لِلْمَصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ إِيْمَانٌ وَ نُورٌ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَتٌ فِي الرِّزْقِ وَ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ وَ كَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ سِلَاحٌ عَلَى الْكَافِرِ وَ إِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ وَ قَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَ زَادٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ أَنْسٌ فِي قَبْرِهِ وَ فِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ وَ جَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ تَكُونُ صَلَاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمُحَشِّرِ تَاجاً عَلَى رَأْسِهِ وَ نُوراً عَلَى وَجْهِهِ وَ لِبَاساً عَلَى بَدَنِهِ وَ سِتْراً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ حُجَّةً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَ نَجَاةً لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ وَ جَوَازاً عَلَى الصِّرَاطِ وَ مِفْتَاحاً لِلْجَنَّةِ وَ مُهُوراً لِحُورِ الْعَيْنِ وَ مَمْنَأً لِلْجَنَّةِ بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ؛ نماز از راه‌های بندگی در دین است و رضای پروردگار عز و جل در آن است و آن راه و رسم انبیا است و نمازگزار را دوستی فرشتگان و هدایت و ایمان و روشنائی شناسائی حق و برکت در روزی و آسایش تن و ناخوشی شیطان و اسلحه علیه کافر و مستجاب شدن دعا و پذیرش اعمال نصیب می‌شود و توشه مؤمن در دنیا و آخرت و شفیع میان او و فرشته مرگ و آرام دلش در گور و بستر زیر پهلوش و پاسخ منکر و نکیر نماز است و در روز رستاخیز نماز بنده تاجی است بر سر او و نوری است بر روی او و جامه‌ای است بر تن او و پرده‌ای است میان او و آتش و حجتی است میان او و پروردگار جل جلاله و باعث رهایی تن او است از دوزخ و سبب گذشتن او است از پل صراط و کلید بهشت است و کابین حوریان بهشتی است و بهای بهشت است بنده به وسیله نماز به بالاترین درجه میرسد زیرا نماز یاد کردن خدا است به پاکي و یگانگی و سپاس و بزرگداشت و آقائی و پاکیزگی و گفتگو با خدا و دعا نمودن است (شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۲۲).



انگیزه خوبی برای تقویت تقید نمازگزاران و داروی مؤثری برای درمان بی‌نمازی به شمار می‌رود، ولی تبیین سازوکار ترتب این آثار و پاسخ به این سؤال که چگونه نماز، این آثار عظیم را به بار می‌آورد، موضوعی است که کمتر به آن پرداخته شده است. نتایج این تحقیق، انگیزه بیشتری به اولیا، مرتبان و سیاست‌گزاران فرهنگی و تربیتی می‌دهد تا در جهت تربیت و فرهنگ‌سازی مادی و معنوی، از این موهبت الهی بهره‌برند و دریابند که انجام کامل نماز، با آداب و شرایط آن، بهترین شیوه تربیت و فرهنگ‌سازی در همهٔ ساحت‌های فردی و اجتماعی است.

ابعاد زندگی انسان در دو ساحت کلان فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. ساحت فردی مربوط به جنبه‌های شخصی، خصوصی و انفرادی زندگی افراد و ساحت اجتماعی مربوط به ارتباط افراد با دیگران و ساختارهای اجتماعی است. آثار نماز در تحقیق حاضر به تناسب دو ساحت زندگی انسان، در دو بخش آثار فردی و آثار اجتماعی بحث می‌شود. در بخش فردی، آثار نماز در پنج بعد اساسی زندگی شخصی بررسی می‌گردد؛ بعد شناختی - اندیشه‌ای، بعد عبادی - معنوی، بعدی عاطفی - روانی، بعد اخلاقی - رفتاری و بعد زیستی - بهداشتی. در بخش اجتماعی، آثار نماز در چهار حوزه کلان اجتماعی بررسی می‌شود؛ جامعه، فرهنگ، سیاست و اقتصاد.



تأثیر وسیع نماز در تربیت همه‌جانبهٔ انسان، حکم می‌کند که متولیان فرهنگی و کارگزاران حکومتی، که دغدغه اصلاح جامعه و احیای ارزش‌ها را دارند، بیش از پیش به ترویج فرهنگ نماز و اقامهٔ آن در زیرمجموعه‌های مدیریتی خود همت گمارند.

در انجام این تحقیق جستجوی نسبتاً کاملی در تمام آیات و روایات مربوط به آثار نماز انجام پذیرفته و آنها از دو زاویه روانشناختی و جامعه‌شناختی نیز بررسی شده‌اند. پژوهش حاضر محصول همکاری جمعی از محققان با نظارت اینجانب است. در انجام مراحل مقدمات تحقیق، شامل فیش‌برداری و بررسی دلالی مستندات، حجج اسلام والمسلمین اسدالله کریمی، حامد ساجدی، حسین خطیبی و غلام‌حیدر کوشا نقش مؤثری ایفا نموده‌اند. عمدهٔ بخش فردی را اینجانب و عمدهٔ بخش اجتماعی را حجت‌الاسلام کوشا نگاشته‌اند.

در پایان از مسئولان مرکز تخصصی نماز که مقدمات نشر را فراهم ساخته‌اند سپاسگزاری می‌کنم و پیشاپیش نکته-سنجی‌های نقادانه فرهیختگان و اندیشمندان را ارج می‌نهم.



چند نکته ضروری

قبل از بررسی آثار نماز بیان چند نکته ضروری می‌نماید. یک. آنچه باید هدف اصلی نمازگزار باشد، انجام وظیفه است. برکات عظیم اخروی و دنیوی در گرو نمازی است که شرایط آن رعایت شود. یکی از شرایط صحت نماز، نیت اطاعت فرمان الهی است؛ بنابراین باید توجه داشت که قصد اصلی نمازگزار نباید نیل به آثار آن، همچون آرامش روان و رفع اضطراب باشد؛ هرچند نماز با شرایط خود این نتایج را حاصل می‌کند. دو. بهره‌مندی از تأثیرات نماز، در گرو ترکیب جسم و روح آن است. به هر میزان که آداب و شرایط نماز بیشتر رعایت و به معانی و حکمت‌های آن بیشتر توجه شود، روح نماز تقویت شده، از فیض حضور الهی بهره بیشتری نصیب نمازگزار می‌گردد. به بیانی دیگر هر اندازه شرایط آن بیشتر رعایت شود آثار مترتب بر آن افزایش می‌یابد و اگر فرد به حداقل آن اکتفا کند آثار آن نیز به حداقل می‌رسد. بنابراین چنانچه آثار بیان شده، در نمازگزاری تحقق نیابد، نشان از آن دارد که نماز او شرایط لازم را ندارد. در



بخش اجتماعی نیز چنین است. پس به هر میزان که جامعه ما از آثار اجتماعی نماز به دور است، نشان دهنده این است که نماز در جامعه چنانچه باید اقامه نگردیده است.

سه. آثار مترتب بر نماز یا ترک آن درجات متعددی دارد و نوع آثار اخروی از دنیوی مهمتر و عظیمتر است. با توجه به آنچه آیات و روایات در باب مقایسه دنیا و آخرت بیان کرده‌اند، روشن می‌شود که لذتها و رنج‌های اخروی بسیار شدیدتر و پایدارتر از نوع دنیوی آن است. در میان لذات نیز لذت حاصل از رضوان الهی بسی برتر از سایر لذات بهشتی است. لذا انسان عاقل و حسابگر به انواع و درجات آثار توجه کامل دارد. او گوهر گرانبها را ارزان نمی‌فروشد؛ بلکه در مقام کسب بالاترین قیمت آن است.

چهار. امروزه راهکارهای فراوانی برای کسب آرامش پیشنهاد می‌شود؛ از طرفی عرفان‌های کاذب نیز ادعای فراهم آوری آرامش انسان دارند. بنابراین باید در نظر داشت که:

اولاً: به همه آثار دنیوی و اخروی فعل و ترک نماز توجه داشت و آن را به تقلید اشتباه از عرفان‌های کاذب، تنها در یک اثر خاص دنیوی محدود نساخت.

ثانیاً: در باب نماز باید به طولی بودن آثار جسمی و روانی، مادی و معنوی و دنیوی و اخروی توجه داشت. یعنی درجاتی بر



خواندن نماز و درکاتی بر نخواندن آن مترتب است که نمازگزار از انواع آنها بهره می‌برد. کمترین درجه آن آرامش روانی نمازگزار و زندگی پر تشویش تارک نماز در دنیاست.

ثالثاً؛ انسان عاقل شادی و لذت یا آرامش را به هر قیمتی نمی‌پذیرد و به تبعات آن نیز می‌اندیشد. مواد مخدر و قرص‌های شادی‌زا نیز شادی موقت به دنبال دارند؛ اما به چه بهایی؟ هر گناهی همچون دزدی، غیبت، استهزا، دروغ، زنا، قتل و جنایت، لذت‌های موقتی را برای انجام دهنده آن به دنبال دارد؛ اما عقل هرگز انجام آنها را توصیه نمی‌کند؛ بلکه به شدت از آنها نهی می‌کند. دین آمده است تا دایره معرفت ما را نسبت به انواع عوامل رنج و لذت در دنیا و آخرت توسعه دهد و مکمل عقل ما باشد. انسان ظرفیت‌های عظیمی دارد و با رفتارهای اختیاری خود در حال تحول است. چه بسیار اعمالی که می‌تواند به رنج‌های طاقت فرسایی در دنیا و آخرت منجر شود و ما از آنها بی‌خبر یا غافلیم. از طرفی چه بسا رفتارهایی که می‌تواند به لذات پایدار و عمیقی منتهی شود که ما تجربه نکرده‌ایم و درک مناسبی از آنها نداریم. انسان عاقل انواع منابع معرفتی و به ویژه وحی را مد نظر قرار می‌دهد تا ظرفیت‌های خود را به خوبی بشناسد، راهکارهای شکوفایی آنها را کشف کند و محکم و استوار در این مسیر گام بردارد.



مقدمه

نماز، استوانه دین و معیار پذیرش عبادت‌ها و اعمال مذهبی است. نماز اگر با رعایت شرایط انجام شود، آثار و برکات فراوانی در سطوح مختلف زندگی اجتماعی دارد. ساحت‌های زندگی در یک نگاه کلی به دو بخش قابل تقسیم است. بخش فردی و بخش اجتماعی. بخش فردی به جنبه‌هایی از زندگی انسانی مربوط است که به ارتباط فرد با خودش و یا خداوند باز می‌گردد. بر همین اساس آثار فردی نماز در پنج خرده ساحت، اندیشه‌ای - شناختی، عبادی - معنوی، عاطفی - روانی، اخلاقی - رفتاری و زیستی - بهداشتی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در بخش شناختی به کارکردهایی خواهیم پرداخت که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، باورها، شناخت، معرفت، ابعاد عقلی و علمی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ساحت عبادی - معنوی تأثیرات نماز بر امور عبادی و معنوی بازکاوی خواهد شد. در بحث آثار عاطفی - روانی، کارکردهای روانشناختی و انگیزشی - عاطفی نماز بحث خواهد شد. بحث اخلاق هم ناظر تأثیر نماز بر

بخش اول

آثار فردی نماز



- ✓ آثار شناختی اندیشه‌ای
- ✓ آثار عبادی - معنوی
- ✓ آثار عاطفی - روانی
- ✓ آثار اخلاقی - رفتاری
- ✓ آثار زیستی - بهداشتی



تثبیت صفات و ملکات حسنه اخلاقی و نفی صفات و ملکات رذیله انسانی است. در نهایت، نقش نماز در سلامت جسم بحث می‌شود و بررسی خواهیم کرد که نماز چه فوایدی نسبت به بهبود وضعیت جسمانی و بهداشتی زندگی خواهد داشت. شایسته یادآوری است که مبنای بحث، شواهد قرآنی و روایی است و اگر چنانچه به تناسب سرفصل، بحث‌های دیگر نظیر شواهد علمی - تجربی و نیز پاره داستان‌های مؤید آورده شده است، به منظور روشنی و توضیح بحث می‌باشد.



فصل اول:

آثار شناختی - اندیشه‌ای

منظور از نقش شناختی - اندیشه‌ای، بیان آثار معرفتی آن و تبیین جایگاه ویژه آن در معرفت‌بخشی و ارتقای ظرفیت‌های ادراکی و بینشی است. جنبه‌های شناختی زندگی انسان به باورها، اندیشه‌ها و دانش‌های انسان باز می‌گردد. انسان‌ها باوری دارند، در مورد مسائل به تأمل می‌نشینند و علومی را برای اداره زندگی می‌آموزند. از این رو آثار شناختی نماز در همین سه جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش عقلانی، نقش نماز در تأملات نظری انسان بحث می‌شود. به همین منوال در بخش - های اعتقادی و علمی جایگاه نماز در باورهای انسان نسبت به نظام هستی و ارزشی و همچنین نقش نماز در دانش‌های مفید زندگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. آثار اعتقادی

منظور از نقش اعتقادی نماز، بیان تأثیراتی است که نماز بر باورها و بینش‌های اعتقادی نمازگزار می‌گذارد. ادله نقلی



متعددی وجود دارد که نماز بینش و اعتقاد انسان را تصحیح می‌کند. در روایتی از نبی گرامی اسلام ﷺ نماز، سرچشمه هدایت و معرفت معرفی شده است.^۱ هدایت هم به معنای راهنمایی به کار می‌رود و هم به معنای راهبری و رساندن به مقصد که نماز هر دو نقش هدایتی را در بر دارد. نماز، راهنما است؛ یعنی می‌تواند هدایتگر انسان و ارائه دهنده راه سعادت به او باشد. اسرار نهفته در این عبادت، در بردارنده منشور هدایت و به منزله قطب‌نمایی است که در طول شبانه‌روز در اقیانوس طوفانی و پرخطر فرهنگ و تربیت، سمت خدا را به انسان نشان می‌دهد. از سویی نماز راهبری نیز می‌کند. تأثیرات تربیتی نماز در ابعاد و ساحت‌های مختلف انسان که در طی این نوشتار می‌آید، گویای نقش رسانندگی نماز است.

تصحیح و تقویت اعتقادات

نقش نماز در تربیت اعتقادی، به تصحیح اعتقادات منحصر نمی‌شود؛ بلکه نماز علاوه بر تصحیح، در تثبیت و تقویت اعتقادات و عمق‌افزایی به تصدیق قلبی انسان نیز نقش کلیدی

۱. از پیغمبر ﷺ درباره نماز پرسش شد. ایشان فرمود: "لِلْمُصَلِّي... هُدًى و ايمان و نورالمعرفه"؛ برای نمازگزار است هدایت و ایمان و نور شناخت (شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۲).



ایفا می‌کند. نماز ایمان را افزایش می‌دهد و هر اندازه نمازگزار در این مسیر پیش رود، انوار معرفت الهی را در قلب خود بیشتر می‌یابد.

عبادات به صورت کلی و نماز به صورت خاص، فهم یا علم را به باور تبدیل می‌کند و اگر استمرار یابد انسان را به یقین می‌رساند؛ آیه ۹۸ و ۹۹ سوره حجر^۱ به همین موضوع اشاره دارد. در آیه تصریح شده است که تسبیح خداوند، سجده و کرنش در مقابل خداوند را موجب می‌شود و عبادت خداوند یقین و باور دینی را به دنبال می‌آورد. در زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام می‌خوانیم که آنها به دلیل عبادت خدا به چنین مقامی نائل شده‌اند. در زیارت امین الله که زیارتنامه‌ای معتبر است و می‌تواند برای هر یک از معصومان علیهم‌السلام خوانده شود چنین آمده است: "وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ"؛ خدا را مخلصانه عبادت کردی تا آنجا که به یقین رسیدی. این فقره در زیارت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم آمده است. البته یقین درجاتی دارد و تا پایان عمر قابل ارتقا است؛ بنابراین عبادت خداوند نردبان تکامل است و تا انتها ضرورت دارد. البته نفس انسان تا در زندان بدن گرفتار است به دلیل محدودیت‌های خود نمی‌تواند به درجات بالای یقین دست

۱. فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۹۸) وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹).



یابد.^۱ بنابراین نماز در شکل‌گیری باورهای مذهبی و یقین معرفتی و همچنین در یک نگاه کلی، تحکیم نظام معنایی دینی و توحیدی نقش مهمی دارد.

باور یا عقیده از آگاهی سطحی و اولیه بسیار عمیق‌تر است و تأثیری جدی در رفتار دارد. انسان‌ها، غالباً در عمل، تابع باورهای خود هستند، نه تابع دانش یا فهم خود. به همین دلیل بسیاری از آموزه‌ها و دستورالعمل‌هایی را که می‌دانیم و به ارزش آن اعتراف داریم عمل نمی‌کنیم. این امر اختصاص به امور اخلاقی و معنوی ندارد. در امور جسمی هم همین‌گونه است. مثلاً می‌دانیم که نرمش صبحگاهی در هوای آزاد برای سلامت بدن مفید است؛ اما چه بسا به آن عمل نکنیم.

راه‌های متعددی برای تبدیل فهم به باور وجود دارد که به دو راه آن اشاره می‌کنیم:

۱. مشاهده و لمس آثار مثبت عمل به آنچه می‌دانیم. برای مثال، به بچه می‌گوییم که آب جوش خطرناک است و او را می‌سوزاند. او هم این را می‌فهمد در عین حال باز می‌خواهد به آن دست بزند. اما اگر یکبار آب جوش به دستش رسید، فهم او

۱. احتمالاً وجه اینکه در برخی تفاسیر یقین در آیه به معنی مرگ تلقی شده همین نکته باشد.



به باور تبدیل می‌شود؛ چون اثر آن را لمس کرده است.

۲. تکرار و تلقین درونی. برای مثال می‌دانیم که مرده زنده نمی‌شود؛ اما از مرده می‌ترسیم و حاضر نیستیم شب در کنار او بخوابیم یا بنشینیم؛ اما اگر به خود تلقین کنیم که او مرده است و حتی اگر حیوانات هم به او حمله کنند و او را بدرند، حرکتی نمی‌کند؛ این تلقین‌ها سبب می‌شود که ترس در انسان زائل شود.

بدین ترتیب هر دانشی با مشاهده و لمس آثار آن، یا از راه تلقین و تکرار با توجه، به باور تبدیل می‌شود.

باورهای دنیوی و مادی ما به هر دو راه در حال تقویت هستند. فهم ما نسبت به اموری همچون ارزش مادی پول، لذت ارتباط با جنس مخالف، لذت شهرت و قدرت، به هر دو راه، به سرعت تبدیل به باور می‌شود. از یک سو آثار عملی اینها را خود لمس می‌کنیم یا در دیگران می‌بینیم. از سوی دیگر اینها را بسیار به خود تلقین می‌کنیم و اگر هم به اینها نرسیده‌ایم، تخیلشان می‌کنیم. زندگی مادی و اتصال مستمر با امور محسوس مادی سبب می‌شود باورهای مادی در ما تقویت شود؛ بدین روی چشم دل ما یکسره توجه به مادیات داشته و دلبسته به آن می‌شود. می‌توان گفت خداوند انسان را به‌گونه‌ای خلق کرده که باورهای مادی به سادگی برای او حاصل می‌شود؛ به



همین علت، امتحان او در این است که ارزش‌های متعالی را نیز بفهمد و برای تبدیل آنها به باور تلاش کند.

با توجه به دو روش بیان شده، فهم ما نسبت به وجود خدا و قیامت به یکی از این دو راه می‌تواند به باور تبدیل شود: یک: درک لذت ارتباط با خدا؛ یا مشاهده آثار عبادت در زندگی. دو: تکرار و تلقین واقعیات ناپیدا به نفس از راه توجه به عبارات و اذکار در نماز و مقید بودن به استمرار ادای این فریضه.

راه اول ممکن است به‌سختی حاصل شود و همه از نماز لذت نبرند؛ اما راه دوم بیشتر قابل وصول، کنترل و برنامه‌ریزی است. البته اگر راه دوم را هم پیمودیم به تدریج به راه اول نیز نزدیک می‌شویم؛ یعنی لذت ارتباط معنوی با خدا هم حاصل می‌شود. به هر حال به دلیل اینکه راه دوم بیشتر مدیریت‌پذیر است در این باب توضیحات بیشتری را ضمن مثال عرض می‌کنم تا نقش تلقینی تقید به نماز در حفظ و تقویت اعتقادات و احساس حضور خدا روشن شود.

فرض کنید شخصیت برجسته‌ای چند روزی مهمان منزلی است که یک کودک ده ساله نابینا نیز در آنجا زندگی می‌کند. در ابتدای ورود این مهمان، به کودک گفته می‌شود که حواست باشد در حضور چنین فردی هستی؛ ادب را رعایت کن! ابتدا او توجه دارد و رعایت می‌کند و اما پس از مدتی به دلیل نابینایی و



بازیگوشی و در نتیجه حواس پرتی، حرکات نامناسبی انجام می‌دهد. نماز همان یادآوری گهگاهی به این کودک است که گرچه تو این مرد عظیم را نمی‌بینی؛ اما مواظب باش حضور او را فراموش نکنی!

از آنجا که خدا امری مادی و قابل مشاهده با چشم تن نیست، نیاز به راهکاری برای عدم غفلت از خدا داریم. کلمات و اذکار نماز تلقین‌کننده واقعیات برتر فراموش شده است. انسان همیشه در معرض نسیان و غفلت است و نمازهای پنج‌گانه زندگی برای بیداری او از این خواب است. تا بخواهد خواب او عمیق شود، وقت نماز بعدی فرا می‌رسد. وجوب نماز در اوقات متعدد و توزیع آن در ساعات مختلف روز به این دلیل است که از غرق شدن انسان در ارزش‌های حیوانی جلوگیری کند؛ نیز به او یاد دهد که چگونه از همین لذات مادی هم استفاده دو جانبه داشته باشد. از آن لذات بهره‌مند شود و در عین حال آنها را مقدمه‌تعالی معنوی خود قرار دهد. نماز به ما کمک می‌کند که گرد و غبار مادیگرایی و توجه به عالم ناسوت را کنار زنیم، چشم دل را به برترین واقعیت متعالی باز کنیم و دل به خدا سپاریم.

اذکار و حرکات نماز به‌گونه‌ای تنظیم شده که اگر انسان کمی توجه به معانی داشته باشد و متواضعانه آن را انجام دهد، انسان را در برابر تندبادهای غرائز و آمال درونی و محرک‌های فراوان



بیرونی محافظت می‌کند. نماز هرچند کم توجه، برای انسانی که در چنین شرایطی زندگی می‌کند، اگر به ارتقای اعتقادات هم نیانجامد درجه‌ای از باور به خدا را در او حفظ می‌کند و از زوال آن باز می‌دارد. استمرار نماز در اوقات خود و توجه به خدا و جهان غیب، تکرار اذکار و تلقین آنها به نفس به میزانی که با توجه قلبی همراه باشد به تدریج جایگاه خدا در قلب را ارتقا می‌بخشد و موجب افزایش ایمان می‌شود.^۱

یکی از ثمرات تلقین یاد خدا در نماز، شکوفاسازی توانایی‌های انسان در پیوند به اقیانوس بیکران الهی است. مناسب است ابتدا به نقش تلقین در شکوفایی توانایی‌های جسمی یا علمی توجه کنیم تا اثر تلقین در شکوفایی باورهای دینی و معنوی آشکار شود.

جوانی که توانایی‌های جسمی یا علمی دارد؛ اما به دلیل برخی شکست‌ها در ورزش یا روند تحصیلی و کاری، به یأس گراییده و استعدادهای خود را نادیده می‌گیرد، تلقین به او کمک می‌کند که واقعیات فراموش‌شدهٔ نفسانی خود را در نظر آورد و بر اساس

۱. "أما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم و إذا تليت عليهم آياته زادتهم إيماناً؛ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هاشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند (انفال: ۲).



آن خود را به حرکت درآورد. خود را باور کند. خودباوری شرط لازم فعلیت بخشی به استعدادهای خویش است. همان‌گونه که تلقین توانایی‌ها به خودباوری می‌انجامد، تلقین وجود خدا در نماز نیز می‌تواند انسان را به خداباوری برساند. اگر نمازگزار بارها و با توجه بگوید "الله اکبر" (خداوند عظیم‌ترین موجود است)، جایگاه خدا در قلب ارتقا می‌یابد و به تدریج بزرگی او در انسان تثبیت می‌شود. تکرار "لا اله الا الله" و "سبحان الله" نفس را آمادۀ حیات موخدانه می‌کند. ادای نماز موجب تکرار و تلقین وجود و عظمت خدا و جایگاه انسان در هستی و وظایف او می‌شود؛ می‌تواند درجه‌ای از باور به خدا و حضور او در همه جا را در انسان ایجاد کند و انسان را از فراموشی کامل خدا باز دارد. اگر نمازگزار به معانی اذکار نماز و عظمت محضر خداوند توجه کند، حقیقت توحید و اصول اعتقادی را درک کرده، به هدف خلقت و کمال عبودیت نایل می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، چنانچه ادای نماز به تقویت اعتقادات و ایمان منجر می‌شود از طرفی ترک نماز به تضعیف تدریجی ایمان نیز منتهی می‌گردد.

نماز مدرسهٔ خودشناسی و خداشناسی است. شناخت جایگاه صحیح خدا و انسان در جهان و باور به آنها در این مدرسه حاصل می‌شود. نماز اعتقادات انسان شناختی ما را اصلاح می‌کند و ما را به خودشناسی می‌رساند؛ ما را متوجه نعمت‌های



الهی می‌کند (الحمد لله رب العالمین)، نیاز مطلق ما به عبادت خدا و استعانت و کسب هدایت از او را آشکار می‌سازد (ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم) و وابستگی تام ما به خدا را یادآور می‌شود (بحول الله و قوته اقوم و اقعده).

اصلاح باورهای انسان‌شناختی، ما را به معرفت نفس که برترین نوع دانش است منتهی می‌سازد. به فرموده مولای مومنان علی علیه السلام: "نال الفوز الأكبر من ظفر بمعرفة النفس!"^۱ آنکه خود را شناخت به بزرگ‌ترین توفیق دست یافت.

خودشناسی نیز ما را به خداشناسی رهنمون می‌کند؛ چرا که این دو ملازم یکدیگرند. "مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ"^۲؛ آنکه خود را شناخت خدا را شناخته است! اگر خود را به درستی شناختیم، مخلوق بودن خود را در می‌یابیم و فهم مخلوق بودن نیز ملازم پذیرش وجود خالق است. اگر قطره بودن خود و دریا بودن خدا را دریابیم نیاز اتصال قطره به دریا را نیز درمی‌یابیم. اگر جایگاه خدا را خالق هستی و معبود دریابیم، به عبد بودن خود نیز پی می‌بریم و بالاترین کمال را در عبد شایسته بودن می‌یابیم. چرا که عبودیت، قطره را به اقیانوس بیکران الهی متصل می‌کند و

۱. عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۲.

۲. "هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است" (همان، ص ۵۸).



فرار از عبودیت، فرار قطره از دریاست. قطره به سادگی خشک و نابود و ناپدید می‌شود؛ اما اگر به دریا ملحق شد جاودانه می‌گردد.

نماز و یاد خدا عبادتی است که حداقلی برای آن تعیین شده؛ اما حداکثری معین نشده ندارد؛ زیرا مسیر کمال بی‌انتهاست. مترتی به میزان شوق و استعداد خود می‌تواند از این روش برای تقویت باور و تثبیت ایمان بهره گیرد.^۱

نماز نه تنها در دنیا به تثبیت عقاید کمک می‌کند، اثر تثبیتی نماز بر عقاید موجب استواری آنها در هنگام شداید و جلوگیری از تزلزل اعتقادی در فشارهای زندگی دنیوی و اخروی نیز می‌شود.^۲ هر مسافرتی توشه‌ای ویژه خود می‌طلبد؛^۳ نماز توشه

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله: "الصلاة خير موضوع فمن شاء استقلو من شاء استكثر"؛ نماز بهترین چیزی است که مقرر شده است. هر که بخواهد اندک به جای آورد و هر که بخواهد افزون نماید. (سیدمهدی، حجازی، درالأخبار، ص ۵۷۶).

البته جای تذکر دارد که مراد از "فان شاء استقل" حداقل در مستحبات است وگرنه واجبات قابل تقلیل نیست.

۲. امام صادق: "ملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ علي الصلاة و يلقنه شهادة ان الا اله الا الله و ان محمدا رسول الله في تلك الحالة العظيمة"؛ فرشته مرگ، شیطان را از کسی که بر نماز محافظت داشته، می‌راند و او در آن شرایط سخت و دشوار به نمازگار شهادت بر توحید و نبوت را تلقین و تفهیم می‌کند (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۹).

۳. امام باقر علیه السلام فرمودند: قَامَ أَبُو ذَرٍّ رضی الله عنه عِنْدَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ أَنَا جُنْدَبُ بْنُ سَكْنٍ فَأَكْتَفَيْتُهُ



سیر اخروی، سلوک معنوی و سفر إلى الله است.^۱

همان گونه که ادای نماز، تأثیرات مثبت اعتقادی را به همراه دارد، ترک نماز نیز مقدمات دوری از خداوند و اولیای الهی را به دنبال می‌آورد.^۲ به جای آوردن نماز، از مهم‌ترین شاخص‌های رفتاری مؤمن به شمار می‌رود؛^۳ بنابراین تارک نماز تفاوت عملی

→

النَّاسُ فَقَالَ "لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَرَادَ سَفَرًا لَاتَّخَذَ فِيهِ مِنَ الزَّادِ مَا يُضْلِحُهُ فَسَفَرُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَمَا تُرِيدُونَ فِيهِ مَا يُضْلِحُكُمْ؟!". فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ أَرَشِدُنَا فَقَالَ "صُمْ يَوْمًا شَدِيدَ الْحَرِّ لِلنُّشُورِ وَ حُجَّ حَجَّةَ لِعَطَائِمِ الْأُمُورِ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لِيُخَشِّتَهُ الثُّبُورُ".
اباذر رحمه الله در مقابل خانه کعبه به پا ایستاد و گفت: مردم من جندب بن سکن هستم. اطرافش را گرفتند. گفت: اگر شما سفری در پیش داشته باشید هر چه زاد و توشه لازم باشد تهیه می‌کنید. برای سفر قیامت نمی‌خواهید زاد و توشه بردارید یک نفر از میان جمعیت گفت: ما را راهنمایی کن. گفت: روز گرم روزه بدار برای روز قیامت و حج انجام ده برای کارهای مهم و دو رکعت نماز در دل شب بخوان برای وحشت قبر (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴۴).

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله: "الصلاة... زاد المؤمن من الدنيا للأخرة"; هر کس نماز را عمدا ترک کند از ذمه خدا و رسول و امامشان بی‌زاری جسته است (حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۷۷).

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله: "مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله"; هر کس نماز را عمدا ترک کند از پیمان و امان خدا و رسول بی‌زاری جسته است (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۴).

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله: "خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي الصَّلَاةِ، وَ بِهَا يَتَّبَعُ الْكَافِرُ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ الْمُخْلِصُ مِنَ الْمُنَافِقِ"; خیر دنیا و آخرت در نماز است. به سبب این است که مؤمن از کافر و

←



خود با کافر را از میان برداشته است.^۱ وجود ریشه‌هایی از کفر نظری، زمینه ارتکاب این گناه بزرگ را فراهم می‌آورد.

این نکته در روایتی از امام صادق علیه السلام به خوبی بیان شده است. "از ایشان سوال شد که چرا به زنا کار، کافر نمی‌گویند؛ اما تارک نماز را کافر می‌شمارند. حضرت در جواب فرمودند: زیرا کسی که مرتکب زنا یا گناه مشابه دیگری می‌شود، آن گناه را به علت غلبه شهوت انجام می‌دهد؛ ولی تارک نماز، نماز را ترک نمی‌کند مگر به علت کوچک شمردن و بی‌اهمیتی به نماز. زنا کار اگر به زنا روی می‌آورد به علت لذتی است که از او می‌برد. او قصد لذت بردن را دارد؛ ولی کسی که تارک نماز باشد قصد لذت را ندارد. در نتیجه علت کار آن چیزی جز کوچک شمردن نماز و خدا نیست و کوچک شمردن خدا و نماز موجب کفر انسان است!"^۲

→

مخلص از منافق شناخته می‌شود (تاج الدین، جامع الأخبار، ص ۷۳).

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله: "مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَ الْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ"; فاصله‌ای بین کفر و بندگی،

جز ترک نماز نیست (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۱).

۲. عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ سَأِلَ مَا بَالُ الرَّائِي لَا تُسَمِّيهِ كَافِرًا وَ تَارِكُ الصَّلَاةِ قَدْ تُسَمِّيهِ كَافِرًا وَ مَا الْحُجَّةُ فِي ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ الرَّائِيَّ وَ مَا أَشْبَهَهُ إِذَا يَفْعَلُ ذَلِكَ لِمَكَانِ الشُّهُوةِ وَ إِنَّهَا تَغْلِبُهُ وَ تَارِكُ الصَّلَاةِ لَا يَتْرُكُهَا إِلَّا اسْتِخْفَافًا بِهَا وَ ذَلِكَ أَنَّكَ لَا تَجِدُ الرَّائِيَّ يَأْتِي الْمَرْأَةَ إِلَّا وَ هُوَ مُسْتَلِدٌ لِإِثْمَانِهِ إِثْمَانًا قَاصِدًا إِلَيْهَا وَ كُلُّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ

←



بدین ترتیب می‌توان گفت کسی که نماز نمی‌خواند اعتقاداتش نسبت به خدا از زناکار سست‌تر است. زناکار ممکن است به خدا اعتقاد داشته باشد؛ اما غلبه شهوت مانع عمل به دستور خدا گردد؛ ولی تارک نماز چنان بی‌ایمان یا مبتلا به ضعف ایمان است که حتی بدون اینکه چنین مانعی در پیش داشته باشد، دستور خدا را زیر پا می‌نهد. بنابراین، ترک نماز شاخصی برای وجود بیماری‌های اعتقادی و نشان‌دهنده نیاز تارک نماز به درمان شناختی است؛ زیرا در میان بیماری‌های روحی و امراض نفسانی، کمتر مرضی همچون ترک نماز اثرگذاری منفی در سعادت انسان دارد.^۱ توجه به عواقب ترک نماز در دنیا و آخرت

→

قَاصِدًا إِلَيْهَا فَلَيْسَ يَكُونُ فَصْدُهُ لِرِزْقِهَا اللَّذَّةُ فَإِذَا انْتَفَتِ اللَّذَّةُ وَقَعَ الْإِسْتِخْفَافُ وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْتِخْفَافُ وَقَعَ الْكُفْرُ (شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۸۶).

۱. چنانچه در روایت آمده باطل کننده دیگر اعمال انسان است: "عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ". قَالَ: تَرَكَ الصَّلَاةَ الَّذِي أَقْرَبَ بِهِ. قُلْتُ: فَمَا مَوْضِعُ تَرَكَ الْعَمَلِ حِينَ يَدْعُهُ أَجْمَعٌ. قَالَ: مِنْهُ الَّذِي يَدْعُ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا لَا مِنْ سُكْرٍ وَلَا مِنْ عِلَّةٍ". عبیدبن زرارہ می‌گوید: در مورد آیه: "کسی که بعد از ایمان کافر شود عملش نابود می‌شود"، از امام صادق عليه السلام سؤال کردم منظور چیست؟ حضرت عليه السلام فرمودند: ترک نمازی که با اسلام به وجوب آن اقرار کرده است. گفتم: پس تکلیف کسی که همه واجبات را ترک کند چه می‌شود؟ حضرت فرمود: کسی هم که بدون علت و بدون اینکه مست باشد نماز



اثرات جبران ناپذیری که بر جسم و روح انسان می‌گذارد،^۱ نقش

→

را عمدا ترک می‌کند از همین قبیل است (گویا همه اعمال واجب را ترک کرده است). (المحاسن برقی، احمد بن محمد برقی، ج ۱، ص ۷۹۰).
۱. حضرت فاطمه عليها السلام، از پدر بزرگوارشان پرسیدند: ای پدر جان! سرای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه عليها السلام، هر کس - چه مرد و چه زن - نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌فاید: شش گرفتاری در سرای دنیا، و سه گرفتاری هنگام مرگ، و سه گرفتاری در قبرش، و سه گرفتاری در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.
مصیبت‌هایی که در دنیا بدان مبتلا می‌گردد: ۱. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد؛ ۲. خداوند، خیر و برکت را از روزی‌اش برمی‌دارد؛ ۳. خداوند عزوجل نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید؛ ۴. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود؛ ۵. دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد؛ ۶. هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.

و مصائبی که هنگام مرگ به او می‌رسد: ۱. با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد؛ ۲. گرسنه می‌میرد؛ ۳. تشنه جان می‌سپارد، به‌گونه‌ای که اگر آب تمام رود خانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.
مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد: ۱. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند؛ ۲. خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند؛ ۳. قبرش تاریک می‌شود.

مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود: ۱. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را به رو بر زمین بکشد؛ ۲. سخت از او حساب می‌کشند؛ ۳. خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده، ←



بسیزایی در درمان این بیماری مهلك دارد.

تأثیر نماز و مناسک یومیه بر تحکیم باورها در مشاهدات و مطالعات میدانی نیز تأیید شده است. کلیوفرد گیرتز، جامعه‌شناسی معاصر است که به سبب مطالعه فراوان و زمانبر درباره اسلام، در میان جامعه‌شناسان به شهرت رسیده است. او بعد از مطالعات و مشاهدات فروانی که درباره اسلام انجام داد به این نتیجه رسید که مناسک باورها را تقویت می‌کند. گیرتز اسلام را در غربی‌ترین نقطه اروپا یعنی مراکش و نیز در شرقی‌ترین نقطه آسیا یعنی جزایر مالی و جاوه مالزی مطالعه کرد و مدت‌ها برای مشاهد دقیق در بین مردم زندگی کرد و نهایتاً به این دسته‌بندی رسید که:

"مکانیسم ایجاد کننده ایمان، مناسک است. باور دینی در جریان مناسک ایجاد می‌شود.... مناسک هم مفهوم کلی دینی را صورتبندی می‌کند و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌کند که پذیرش و حتی الزام به پذیرش این مفهوم دینی را توجیه می‌کند."^۱

→

از بدی‌ها پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۲).

۱ ملکم همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ص ۲۷۰.



بدین ترتیب مناسک دینی نقشی بسزا در تقویت ایمان و باور دینی دارد و پشتوانه مناسبی برای پذیرش باورهای دینی است.

۲. آثار عقلی و علمی

ساحت عقلی ناظر به توانایی‌های کلی انسان در عرصه شناخت است. اما بعد علمی، به یک معنا، ناظر به دانش‌های مصطلح اعم از علوم تجربی (مانند فیزیک، شیمی، ریاضی، پزشکی، مهندسی، نجوم) و انسانی (مانند الهیات، فلسفه، تاریخ، زبان، روانشناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، حقوق) است. عقل و علم مساوی نیستند؛ اما با هم پیوند دارند. رشد علمی می‌تواند زیرمجموعه رشد عقلی به معنای عام کلمه قرار گیرد. به دلیل پیوند میان این دو، آثار هر دو را با هم بیان می‌کنیم.

سؤال اساسی این است که: آیا اقامه نماز با رشد و شکوفایی ساحت شناختی و معرفتی انسان رابطه‌ای دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است؛ چرا که نماز می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم در رشد عقلی فرد و جامعه و نیز بهبود وضعیت علمی آنها به یکی از طرق زیر مؤثر باشد. در ادامه به تبیین این پاسخ می‌پردازیم.

۲.۱. نماز سبب پیوند عقل و قلب

مصادیقی که رشد عقلانی در الگوی رایج جهانی به دنبال آن است، تنها با تربیت افکار هماهنگ است؛ ولی آنچه قرآن کریم



در پی آن است، توسعه توان عقل و پیوند زدن آن با قلب الهی است. این هدف با صرف تربیت فکری محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند بینایی،^۱ بیداری و حیات الهی قلب است.^۲ قلب انسان ورای حیات مادی دارای حیات و ممت است. ممکن است کسی حیات گیاهی و حیوانی داشته باشد؛ ولی به جهت دلمردگی، فاقد حیات انسانی باشد. تعالی انسان در گرو حیات قلبی اوست و این حیات در گرو استجابات و پاسخگویی به دعوت الهی است.^۳

بیناسازی و حیات بخشی قلب، رسالت تربیت عاطفی، اخلاقی و عبادی است. از آن پس است که عقل با قلب سلیم پیوند خورده، تربیت عقلانی به معنای مورد نظر الگوی اسلامی، محقق می‌شود. بنابراین، تربیت عقلانی، مستلزم تربیت هماهنگ افکار، عواطف، معنویات و رفتارهای اخلاقی است. از این رو، به رغم استقلال ساحت تربیت عقلانی از تربیت معنوی و اخلاقی، وجود هماهنگی میان این دو ساحت، شرط اساسی

۱. قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ بگو: این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم (یوسف: ۱۰۸).
 ۲. یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! (انفال: ۲۴).

۳. همان.



تحقق عقلانیت مورد نظر اسلام است. بدون وجود این شرط، آنچه پدیدار می‌شود، تربیت فکری و ذهنی محض است نه عقلانی الهی. توجه به این شرط، نقش تعیین‌کننده در تفکیک الگوی اسلامی تربیت عقلانی از الگوی غیراسلامی خواهد داشت.

بدون پرداختن به تربیت عقل عملی، تربیت عقل نظری^۱ بی‌ثمر است؛ از این رو یکی از مبانی مهم الگوی اسلامی تربیت عقلانی، درهم تنیدگی پرورش ابعاد مادی و معنوی و جسمانی و روحانی است.^۲ رفع و دفع موانع تربیت عقلانی، محتاج تربیت عبادی و اخلاقی است. تربیت عبادی علاوه بر مانع‌زدایی و زمینه‌سازی برای تربیت عقلانی، موجب شکوفایی ارزش‌های عقلی شده، تأثیر مستقیم در خردپروری دارند. بر این اساس نماز به منزله قلّه عبادت و معنویت، نقش بسزایی در بالندگی عقل خواهد داشت. نماز، موجب بیداری قلب و در نتیجه، بازشدن

۱. کار عقل نظری قضاوت درباره واقعیت‌ها است که فلان شی اینطور است و یا آنطور؟ آیا فلان معنا حقیقت دارد یا ندارد؟ عقل عملی همان است که مفهوم خوبی و بدی و حسن و قبح و باید و نباید و امر و نهی و امثال اینها را خلق می‌کند (مرتضی، مطهری، ده گفتار، ص ۴۶).

۲. "مخالفة الهوي شفاء العقل؛ مخالفت با هوای نفس، موجب شفاى عقل است (عبد الواحد، تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۹۷۹۱).



افق‌های جدید به روی عقل و بهره‌وری از همه ظرفیت‌های شناختی انسان است. از جمله ثمرات پیوند عقل و قلب، پیدایش انسان متفکر متعهد و متعبد است. اسلام، تفکر بدون تعهد و تعبد را کافی نمی‌داند. تعبد در الگوی اسلامی تربیت عقلانی، جایگاه ویژه‌ای دارد و این امر در سایه اتصال عقل و قلب حاصل می‌شود.

نماز بارزترین مصداق یاد خداست^۱ و در روایات یاد خدا، عامل رشد فکر^۲ و عقل^۳ قلمداد شده است. روایات در بیانات مختلفی نقش ذکر در پرورش عقل را بیان نموده‌اند.^۴ این سخنان گهربار

۱. "و أقم الصلوة لذكري"; و نماز را برای یاد من به پادار (طه: ۱۴). "إن الصلوة تنهي عن الفحشاء و المنکر و لذکر الله أكبر"; (عنکبوت: ۴۵).

۲. پیامبر اکرم ﷺ: "دَوَامُ الذِّكْرِ يُبْرِئُ الْقَلْبَ وَ الْفِکْرَ"; دوام بر یاد خدا، قلب و فکر را روشن می‌کند. (عبد الواحد، تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۸۱۹).

۳. پیامبر اکرم ﷺ: "مَنْ كَثُرَ ذِكْرُهُ اسْتَنَارَ لُبُّهُ"; هر که بسیار باشد ذکر او نورانی گردد عقل او. مراد از "ذکر" یاد خداست؛ خواه به دل باشد یا به زبان. (همان، ص ۶۶۳)

پیامبر اکرم ﷺ: "من ذکر الله سبحانه أحيا الله قلبه و نور عقله لبه"; هر که یاد کند خدای سبحان را، زنده گرداند خدا دل او را و نورانی و روشن گرداند خرد و عقل او را. (همان، ص ۱۸۹).

۴. پیامبر اکرم ﷺ: "الذکر نور العقل و حياة النفوس و جلاء الصدور یاد خداوند سبب هدایت فکر و زنده شدن روان و پاک‌ی دل می‌گردد (همان، ص ۱۱۱). "من کثر ذکره استنار لبه"; هر که بسیار یاد خدا کند، عقلش روشن گردد (همان، ص ۶۶۳); الذکر يؤنس اللب و ينير القلب و يستنزل الرحمة؛ ذکر الهی آرام‌بخش جان، و روشنی



نشان می‌دهد که عقل با قلب پیوند دارد و رشد متعالی عقلی در سایه ذکر خداوند که امری قلبی است حاصل می‌شود. تثبیت حالت تذکر در قلب موجب روشنایی ذهن و قلب به نور حکمت می‌شود.

۲.۲. گشودن ابواب حکمت و معرفت

نماز و عبادت با اخلاص پیوند دارد.^۱ در سراسر نماز قصد قربت باید حفظ شود. اگر یک حرکت یا ذکر را برای غیر خدا انجام دهید نماز باطل می‌شود؛ بدین روی نماز تمرین اخلاص نیز هست. تقید به نماز و پیوند زدن آن با زندگی، اخلاص و رنگ الهی به حیات انسان می‌بخشد و استمرار در اخلاص، ابواب حکمت الهی را به روی انسان می‌گشاید.^۲

→

دهنده دل (همان، ص ۱۰۱). الذکر هداية العقول و تبصرة النفوس". (همان، ص ۷۵).

۱. عیسی بن عبدالله به امام صادق علیه السلام عرض کرد: "جعلت فداک ما العبادۃ؟ قال حسن النیة بالطاعة من الوجوه التي يطاع الله منها...."; فدایت شوم عبادت چیست؟ حضرت فرمودند: نیت پاک و خالص در اعمالی که اطاعت خداوند در آنهاست.

۲. "من أخلص لله أربعين صباحاً جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه"; کسی که چهل صبح کارهای خود را برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود (مصباح الشریعة، ترجمه مصطفوی، ص ۳۵۵).



۲.۳. ارتقای توان تمرکز علمی

از دیگر ارزش‌های عقلی که نماز آن را بارور می‌کند، توانایی تمرکز است. تمرکز، شرط لازم برای بسیاری از موفقیت‌های علمی و عقلی انسان به شمار می‌رود. اسلام توصیه‌های مؤکدی در باب حفظ حضور قلب در نماز، دارد.^۱ توجه در نماز مراتبی دارد. مرتبه نازلی از آن در نماز غالب مردم وجود دارد؛ اما مراتب بالاتر آن نصیب کسانی می‌شود که گام‌های جدی‌تری در این مسیر بر می‌دارند. اقامه‌کننده حقیقی نماز، تمرکز حواس را بارها در طول شبانه‌روز تمرین نموده، با مداومت بر نماز^۲ این ارزش عقلی را در خود، درونی می‌سازد. بدین ترتیب نماز، به میزان توجهی که در آن رعایت می‌شود می‌تواند توانایی تمرکز ذهنی را در انسان افزایش دهد. این امر به رشد عقلی و علمی او مدد می‌رساند.

۱. در حدیث شریف معراج خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: "یا أَحْمَدُ ﷺ؛ عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثَةِ عَبِيدٍ: عَبْدٌ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ يَعْلَمُ إِلَى مَنْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَ قُدَّامَ مَنْ هُوَ وَ هُوَ يَنْعَسُ"؛ ای محمد ﷺ؛ از سه دسته از بندگام در شگفتم، دسته اول، بنده‌ای که به نماز می‌ایستد و می‌داند دستان خود را به سمت چه کسی بلند کرده و در برابر چه کسی ایستاده، و در عین حال خواب آلوده است! (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۲).

۲. "الذین هم علی صلاتهم دائمون" (معارج: ۲۳).



۲.۴. تقویت انگیزه حرکت در مسیر پیشرفت علمی و عقلی جامعه

نماز با تقویت انگیزه‌های الهی در فرد و جامعه افراد را به تعقل بیشتر از یک‌سو و کسب دانش از سوی دیگر، تحریک می‌کند. این نقش انگیزشی می‌تواند گامی مؤثر در تولید علوم باشد. شکوفایی توانایی‌های عقلی و علمی نیازمند مشوق است. نمازگزار تعقل را عبادت می‌داند و کسب علم و دانش را ارج می‌نهد؛ زیرا آن را گامی برای خودشناسی و جهان‌شناسی و هر یک را قدمی به سوی خداشناسی می‌داند. به علاوه برای نمازگزار کسب علم برای پیشرفت جامعه اسلامی و رفع نیازهای آنگاه واجب و گاه مستحب است. به همین علت علم‌آموزی یک وظیفه شرعی و دینی می‌شود. وظیفه‌مداری در رشد علم می‌تواند مبارزه با موانع را تسهیل نماید؛ در شرایط سخت انسان را به حرکت وا دارد و فرد یا جامعه را به فتح قله‌های بلند علمی موفق سازد. هر اندازه اهداف بالاتری در پیشرفت علمی مد نظر باشد نیازمند بردباری بیشتری است. نمونه این فایده را می‌توان در گام‌های بلند علمی دانشمندان جوان ایران در کامل کردن چرخه هسته‌ای با حداقل امکانات و ابزارها مشاهده کرد. پس از اینکه محققین ایرانی از کمک‌های خارجی در طی این مسیر مأیوس شدند با پشتوانه معنوی و استمداد از توسلات و عبادات، به ویژه نماز توانستند این راه سخت را سپری نمودند. شاهد این



سخن اینکه تولید اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد توسط محققین ایرانی امری باور نکردنی بود؛ اما اشخاصی مانند شهید احمدی روشن به امداد الهی و پایداری توانستند در فاصله شش ماه به این هدف عظیم دست یابند.

اگر گفته شود که چگونه توانستند دانشمندان غربی بدون نماز و عبادت پیش از ما به این پیشرفت‌ها نائل شوند؛ در جواب می‌توان گفت: اولاً: آنها با کمک کشورهای مختلف و برخورداری از امکانات و ابزارهای فراوان این راه را طی می‌کنند. ثانیاً: آنها در زمان طولانی‌تری به این نتایج دست یافتند. ثالثاً: غربی‌ها هم بخش مهمی از پیشرفت‌های علمی خود را مدیون دانشمندان کشورهای اسلامی می‌دانند. به همین جهت از دانشجویان مستعد این کشورها بسیار استقبال و استفاده می‌کنند. شواهد فراوانی گویای برنامه‌های گسترده آنها برای جذب اذهان مستعد جوانان مسلمان است.

۲.۵. تقویت اراده برای پیشرفت عقلی و علمی

رشد عقلی، علم آموزی و پیشرفت‌های برجسته علمی با سستی، تنبلی، خوشگذرانی افراطی و شهوت‌پرستی قابل جمع نیست؛ بلکه نیازمند اراده‌ای قوی برای پیشرفت و مقاومت در برابر موانع است. نماز اراده حرکت در این مسیر را تقویت می‌کند و می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای طی سختی‌های مسیر رشد عقلی



و علمی فرد و جامعه باشد. تعقل و تفکر از سخت‌ترین کارهاست و هرگز با تنبلی قابل جمع نیست. تفکر صحیح به حل معضلات مهم علمی و اجتماعی و تولید نوآوری و نظریه می‌انجامد؛ اما سختی آن سبب می‌شود که همه انسان‌ها به سادگی در این عرصه موفق نشوند. نماز می‌تواند برداشتن گام‌های بلند و سخت عقلی و علمی را آسان کند.

۲.۶. گزینش مناسب رشته‌های علمی

نماز در گزینش رشته علمی، کنار نهادن برخی رشته‌ها یا اولویت دادن به برخی دیگر، مؤثر است. برای مثال نمازگزار واقعی روی نمی‌آورد به دانش‌هایی که به تولید دخانیات، مواد مخدر، مشروبات الکلی، سلاح‌های شیمیایی، کشتار جمعی و بمب اتم منجر می‌شود؛ هرچند برای او بهره‌های اقتصادی وافر داشته باشد؛ زیرا کسب این علوم ممنوع است، مگر در مواردی نادر و شرایط استثنایی. همان‌گونه که کسب دانش سحر و جادو جز برای خنثی‌سازی و باطل کردن سحر دیگران مجاز نیست، این دانش‌ها نیز محدودیت دارد. نمازگزار می‌داند که تولید و گسترش این دانش‌ها به ضرر جوامع انسانی است یا به کشتار بی‌گناهان می‌انجامد.

همچنین نماز می‌تواند بازدارنده انسان از کسب برخی دانش‌هایی باشد که به خودی خود مجاز هستند؛ اما فرایند کسب آنها



به خطرات مهم اخلاقی، ارزشی و زیر پا نهادن باورهای دینی منجر شود. همان‌گونه که اگر کسب دانش خطر قطعی جانی به دنبال داشته باشد، به دنبال آن رفتن عقلا و شرعا مجاز نیست، نمازگزار حقیقی خطرات قطعی اخلاقی و ارزشی اسلامی را نیز به خطرات جانی ملحق می‌کند و ممنوع می‌شمارد. مثلا نمازگزار اجتناب می‌کند از تحصیل در برخی کشورها یا برخی رشته‌ها که برای خود یا خانواده‌اش سبب فساد اخلاقی، تقویت دشمنان اسلام و ارتکاب محرمات می‌شود، یا باورهای دینی او را متزلزل سازد. البته گفتنی است که اقامه نماز سبب می‌شود که دانشجوی مؤمن در صورتی محیط کفر را برای تحصیل برگزیند که به توان حفظ ایمان خود در آن محیط اطمینان داشته باشد؛ البته یکی از ثمرات تقید به نماز با شرایط، بالا بردن توان عمل به آموزه‌های دینی حتی در محیط کفر است.^۱ دانش-جویان متعهد تحصیل کرده در غرب، همچون شهیدان چمران و بابایی، نمونه‌های تحقق این اثر هستند.

از طرفی برای نمازگزار کسب برخی دانش‌های مجاز نیز اولویت و حتی وجوب پیدا می‌کنند؛ آن دانش‌هایی که جامعه بیشتر به آن نیازمند است و نیروی کافی برای آن ندارد.

۱. این موضوع در فصل دوم مورد بحث قرار می‌گیرد.



۲.۷. پالایش انگیزه تولید علم

نماز به تدریج انگیزه فرد در کسب دانش عقلی و تجربی را پالایش می‌کند و ارتقا می‌بخشد: انسان با رفتارهای اختیاری خود هدفی را دنبال می‌کند. تعقل و تفکر از یکسو و کسب علم از سوی دیگر، انواعی از فعالیت‌های اختیاری هستند که اهداف متوسط و غایی را به دنبال دارد. ممکن است هدف نهایی در آنها برای افرادی فقط لذت و رفاه مادی، کسب شهرت و ثروت باشد؛ هرچند به بهای فراموشی یا قربانی شدن اهداف اخلاقی و معنوی.

پایبندی به نماز سبب می‌شود که انسان اهداف برتر تعقل و ورزشی، اندیشه طلبی و کسب دانش، خدمت به جامعه اسلامی و در نهایت، فعلیت بخشی به استعدادهای متعالی و کسب رضای الهی را برگزیند و از افراط در توجه به اهداف مادی و غرائز حیوانی جلوگیری کند.

۲.۸. جهت‌دهی الهی به مسیر کاربرد محصولات علمی

وقتی به برکت پایبندی به نماز، هدف انسان از تعقل، تفکر و کسب دانش، فراتر از اهداف مادی شد، مسیر استفاده از محصول تلاش‌های فکری و علمی نیز اصلاح، هدایت و کنترل می‌شود. علم، اعم از طبیعی و انسانی، ابزاری است که می‌تواند در جهت جهان‌بینی، اهداف، و امیال و اغراض مختلفی به کار



گرفته شود. علم، ابزاری است که برای انواع بهره‌وری‌ها قابلیت دارد. نماز می‌تواند تضمین‌کننده استفاده صحیح از ثمرات اندیشه‌ورزی باشد.

۹.۲. حل مشکلات علمی

نماز سبب پیوند با خدا است و این پیوند می‌تواند حلال مشکلات علمی باشد. از آنجا که خداوند منبع تمام علوم است و بلکه علم حقیقی فقط نزد خدا است^۱ اگر او اراده کند و ما را لایق ببیند، می‌تواند در مسیر رشد علمی نیز برکاتی را بر ما نازل فرماید. البته نباید فراموش کنیم که در این جهان مادی خداوند چنین اراده کرده است که هر کس هر اندازه در امور مادی تلاش کند، بهره آن را ببرد؛ اما او به اهل تقوی وعده عنایت افزون داده است.

بنابراین می‌توان گفت که نماز از مهم‌ترین راه‌های پیوند انسان به منبع تمام علوم است و همه علوم و فنون، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، توسط خدا آموزش داده می‌شوند.^۲ طبق وعده الهی از راه این پیوند ما می‌توانیم مشمول برکات ویژه،

۱. "إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ" (الملک: ۲۶ و الأحقاف: ۲۳).

۲. ر.ک. بقره: ۳۱ و ۳۹ و ۲۸۲؛ نساء: ۱۱۳؛ مائده: ۴؛ یونس: ۵؛ یوسف: ۶ و ۳۷ و ۱۰۱؛ نحل: ۸؛ انبیاء: ۷۹ و ۸۰؛ تمل: ۱۶.



هدایت و حل مشکلات حتی در علوم مادی شویم. این‌گونه است که نماز بر رشد ارزش‌های علمی، توسعه مرزهای دانش و پرورش روحیه ابداع، خلاقیت و نوآوری تأثیر می‌گذارد.

در احوال بوعلی سینا آمده است که هرگاه مشکلی علمی برای ایشان پیش می‌آمد که از حل آن درمانده می‌شد، وضو می‌گرفت، قصد مسجد جامع شهر را می‌کرد، در آنجا دو رکعت نماز می‌گذارد و از خداوند می‌خواست که به برکت نماز، او را یاری نموده، گره از معضل علمی‌اش بگشاید. از قول ابن سینا نقل شده که پس از ادای آن دو رکعت، مشکل علمی برایش آسان می‌شد و به آنچه می‌خواسته می‌رسید.^۱

فیلسوف شهیر، ملاصدرا، نیز گاهی که مطلبی بر وی مشکل می‌شد و در حل آن به بن‌بست می‌رسید، به حرم حضرت معصومه علیها السلام در شهر قم مشرف می‌شد، آن حضرت را زیارت می‌کرد و با دعا و نماز و زیارت، حل مشکل خویش را از خداوند درخواست می‌کرد. و از آن حرم بر این حکیم، افاضه فیض می‌شد.^۲

۱. کلام ابن‌خلکان در شرح حال ابن‌سینا، به نقل از: دیلمی، هزار و یک نکته درباره نماز، ص ۲۶۲.

۲. نعمت‌الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۱، ص ۲۰۱.



۱۰. ۲. تقویت روحیه جمع‌گرایی و بهره‌وری علمی از جمع

رشد علمی در سایه روحیه جمع‌گرایی و همکاری بهتر حاصل می‌شود. یکی از آثار نماز به ویژه نماز جماعت، تقویت این روحیه و بهره‌گیری از جمع و بهره‌دهی به آن است. یکی از برکاتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای حضور در مسجد ذکر فرموده - اند بهره‌گیری علمی است. حضرت هشت فایده در این رابطه برشمرده‌اند که یکی از آنها دانش تازه است.^۱ تعبیر حضرت (علیه السلام) "علم مستطرف" است. با توجه به معانی مختلفی که برای لغت "استطراف" بیان شده^۲، علم مستطرف به یکی از وجوه زیر قابل برگرداندن است:

- علمی که برای او تازگی داشته باشد؛
- علمی که مورد استفاده او بشود و برایش مفید باشد؛
- علمی که آن را گزینش کند و بپسندد.

۱. "مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ آصَابَ إِخْدَى الثَّمَانِ؛ آخَا مُسْتَفَادَا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدِي، أَوْ يَتَرَكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً؛ کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشت‌گانه نصیب او می‌شود: ۱- برادری مفید در راه خدا، ۲- دانشی-نو، ۳- دلیلی محکم، ۴- جمله‌ای که او را از زشتی بازدارد، ۵- رحمتی مورد انتظار، ۶- مواعظی که او را از فساد و گناه باز دارد، ۷- گناهی را از روی ترس ترک می‌کند. ۸- حیا (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۰).

۲. ر. ک. فرهنگ فارسی معین واژه "استطراف".



علم در این روایت، به هر کدام از معانی بالا که باشد، کسب دانش از آثار انس با مسجد و تقید به اقامه نماز به جماعت خواهد بود.

۱۱. ۲. جلوگیری از غرور علمی

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که ممکن است دام‌گیر علما و دانشمندان شود، غرور علمی است. قرآن کریم قارون را به غرور علمی توصیف می‌کند. وقتی حضرت موسی (علیه السلام) قارون را به علت سرکشی‌هایش نصیحت کرد او در جواب گفت "إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي؛" من ثروت خود را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام! یعنی با تکیه به علم و هوش و ذکاوت خودم چنین ثروتی را به دست آورده‌ام؛ به کسی مربوط نیست که دخالت کند!

علم اگر در کنار نماز و تقوی باشد از آفات دانش بدون تقوی نیز مصون است؛ از ضخیم شدن پرده‌های غرور و خودپرستی می‌کاهد؛ دانش عقلی و تجربی را با معرفت درونی به خدا پیوند می‌زند.

۱۲. ۲. جلوگیری از آفات عقل‌زدگی و علم‌زدگی

نماز در رشد معنوی مؤثر است. ارتقای معنوی از عقل‌گرایی افراطی و علم‌زدگی جلوگیری می‌کند. منظور از افراط در تکیه به عقل، علم و ابزارهای معرفت بشری، مطلق دانستن آنها و



غفلت از محدودیت‌های آنها است. ابزارهای معرفت بشری به رغم توانایی‌های فراوان؛ اما محدودیت‌هایی هم در شناخت انسان و جهان، و رابطه دنیا و آخرت دارد. بی‌توجهی به ظرفیت شناختی انسان می‌تواند به گستاخی وی و حتی انکار نیاز به وحی بیانجامد. تقید به نماز و توجه به معانی اذکار آن، انسان را از این خطر باز می‌دارد.

۱۳. ۲. اثر بخشی به دانش‌های عقل عملی

یکی از برکات نماز، فعال‌سازی دانش‌های عقل عملی است. عقل عملی توصیه‌های فراوانی به بشر دارد. تمام توصیه‌های اخلاقی در رابطه انسان با خدا، خود و دیگران مورد تأیید عقل است. عقل به ارزش ارتباط با خدا و ضرورت پیروی از او اعتراف دارد. عقل بر رعایت حقوق خانواده، همسر، فرزندان، همسایگان، زمامداران، نیازمندان و دیگران تأکید دارد. به رغم این توصیه‌ها، چون عقل قدرت اجرایی ندارد، بسیاری از آموزه‌های آن، بی‌اثر و بدون عمل می‌ماند. رشد معنوی و نماز پشتوانه عملی مناسبی برای پیروی از توصیه‌های عقل به شمار می‌رود. نماز اراده ما را در عمل به این آموزه‌ها تقویت می‌کند؛ فطرت خفته ما را بیدار و وجدان ما را هشیار می‌سازد؛ تا به ارزش‌های اخلاقی که مورد تأیید عقل نیز هستند توجه کنیم و در پایبندی به آنها بکوشیم.



پرسشنامه

۱. منظور از نقش شناختی - اندیشه‌ای نماز را بیان فرمایید.
۲. تفاوت الگوی رایج جهانی، با الگوی قرآنی در رشد عقلانی در چیست؟ مقداری توضیح دهید.
۳. اثر کلی نماز در جهت دهی، انگیزه‌سازی و استفاده از حرکت-های علمی چیست؟
۴. دو آفت علم که نماز از آن جلوگیری می‌کند چیست؟



فصل دوم: آثار عبادی - معنوی

منظور از آثار معنوی عبادی نماز، آثاری است که سبب تحکیم روحیه پرستش و تعمیق ارتباط انسان با خداوند می‌گردد. هر پیامد نماز که این رابطه را پدید آورد مورد نظر ما قرار خواهد گرفت. در بحث عبادی - معنوی ما در پی آنیم که بدانیم نماز چه کارکردهایی نسبت به تعمیق ارتباط افراد با خداوند و ایجاد روحیه معنوی در آنها دارد.

نماز از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عبادت‌ها است؛ تا آنجا که استوانه دین معرفی شده است.^۱ همین خصوصیت ایجاب می‌کند که نماز نقش پر رنگ‌تری در نزدیک کردن افراد به خداوند داشته باشد. ما در ابتدا نکته‌ای را درباره نحوه بیان کردن آثار معنوی نماز بیان می‌کنیم، سپس به آثار عبادی - معنوی نماز که از آیات و روایات استفاده می‌شود، خواهیم پرداخت.

۱. رسول خدا ﷺ: "الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ" (شیخ صدوق، الأمالی، النص، ص ۵۲۹).



نماز را با لذت معنوی گره نزنید

نماز را چنین به فرزندان خود معرفی نکنید که "نماز عشق بازی با خداست". نه تنها کودک و نوجوان؛ بلکه جوان و بزرگسال هم به سادگی از نماز لذت نمی‌برد. ما نباید نماز را با لذت معنوی گره بزنیم و فقط در نماز به فکر چنین لذتی باشیم. اصل در نماز، تبعیت خداوند و تمرین ادب عبودیت است؛ گرچه به تناسب کیفیت انجام آن، می‌تواند برکات فراوانی به دنبال داشته باشد که از جمله آنها لذت‌های معنوی است. اگر تنها هدف نماز، لذت معنوی بود، به ما امر می‌شد، هر وقت حال داشتید نماز بخوانید! از طرفی می‌دانیم که حال هم گاهی هست و گاهی نیست؛ به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام): "إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا".^۱

اگر به جوان بی‌نماز گفتید، نماز عشق بازی با خداست؛ ممکن است بگوید: من راه‌های دیگری برای عشق بازی دارم. با این روش چندان موفق نمی‌شوید که فرزند خود را به نماز تشویق کنید. وقتی این‌گونه نماز را معرفی کردید، نوجوان شما به نماز

۱. امیرمؤمنان (علیه السلام): "إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوهَا عَلَى التَّوَافُلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَاغِ"; دل‌ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید، و آنگاه که پشت کرده بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۱۸، ص ۵۳۰).



می‌ایستند و نه تنها لذتی نمی‌برد؛ بلکه چه بسا خسته و رنجیده شود! اگر نماز را با کیفیت بالا و لذات عالی معنوی معرفی کردید؛ جوان شما اگر اعتقاد به نماز هم در ابتدا داشته باشد، به تدریج از خود و نمازهایش ناامید می‌شود و چه بسا آن را ترک کند! اگر هم از ابتدا اعتقاد چندانی نداشته باشد، به دلیل اینکه خود را دور از این درجات می‌بیند؛ از آن صرف نظر می‌کند!

اولین و مهمترین اثر معنوی نماز، تمرین ادبِ عبودیت و مبارزه با نفس است! تفصیل این سخن در فصل چهارم (آثار اخلاقی - رفتاری) خواهد آمد. از دیگر برکات ویژه نماز، نزدیک شدن به خداوند (قرب الهی) است که در اینجا به بیان آن می‌پردازیم.

۱. نماز، نردبان قرب

از جمله ثمرات برجسته نماز، نیل به قرب الهی است. در ابتدا لازم است بدانیم منظور از نزدیک شدن به خدا چیست. آیا قرب مکانی و زمانی مراد است؟ روشن است که چنین نیست. خداوند در محل خاصی ننشسته که ما به آنجا نزدیک شویم؛ زیرا او آفریننده زمان و مکان و محیط بر همه زمان‌ها و مکان‌هاست. خدا با هیچ موجودی نسبت زمانی و مکانی ندارد: "هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ"؛^۱ اوست اول و آخر و ظاهر و باطن. "وَهُوَ

۱. حدید: ۳.



مَعَكُمْ أَيَّنَمَا كُنْتُمْ..."^۱ هر جا باشید او با شماست! "وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ..."^۲ مشرق و مغرب از آن خداست، و به هر سو رو کنید خدا آنجاست.

دو نوع قرب در مورد خدا معنا دارد: یک. قرب غیر اختیاری و تکوینی همه موجودات؛ دو. قرب اختیاری انسان به معنای اول همه موجودات تکوینا به او نزدیک هستند؛ چون او خالق جهانیان است؛ بر آنها احاطه دارد و همه به اراده او وابسته‌اند. چنانچه به سخن قرآن: "أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ"^۳ آگاه باشید که خداوند به هر چیز احاطه دارد! بر همین اساس در آیه دیگری می‌خوانیم که او از رگ گردن به شما نزدیک‌تر است: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ"^۴ ما انسان را آفریدیم و از وسوسه‌های نفسانی او هم آگاهیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم!

نوع دوم قربی است که حاصل رفتار اختیاری انسان است. هر کس در این مسیر تلاش بیشتری داشته باشد قرب فزون‌تری برای وی حاصل می‌شود. منظور از قرب الهی که از راه نماز

۱. همان.

۲. بقره: ۱۱۵.

۳. فصلت: ۵۴.

۴. ق: ۱۶.



حاصل می‌شود، نوع دوم است. این نوع نزدیکی همان قرب معنوی به خداوند است؛ چون خداوند موجودی مجرد است نه مادی. بنابراین نوع تقرب به او هم نه تقرب مادی، بلکه تقرب ماورای مادی یا معنوی است که با دل انسان پیوند دارد. بدین روی منظور از قرب الهی، اتصال معنوی به خداوند است.

لوازم قرب الهی

نماز بهترین وسیله کسب قرب الهی است. هر اندازه نماز با توجه بیشتری باشد، قرب حاصل شده از آن فزون‌تر است. نزدیک شدن انسان به خدا و اتصال قلبی به او، برکاتی دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد:

الف. معرفت قلبی به نیازمندی خود و بی‌نیازی خدا

شناخت‌های انسان به دو دسته قابل تقسیم است: شناخت غیرمستقیم یا با واسطه (علم حصولی) و شناخت مستقیم یا بی-واسطه (علم حضوری). شناخت‌های ما از امور مادی جهان از نوع اول است. ما نسبت به ماه و خورشید و آسمان و ستارگان علم داریم؛ به این معنا که تصویری از آنها در ذهن یا نفس ما موجود است؛ اما خود این موجودات خارج از ما هستند. این نوع دانش، علم حصولی یا باواسطه نام دارند. اما برخی شناخت‌ها بی‌واسطه‌اند؛ مانند شناخت ما نسبت به خود و حالات خود؛ مانند ترس و غم و شادی خود. ما با شهود درونی از خود آگاه می-



شویم، نه از راه مفاهیم ذهنی. اما آگاهی ما نسبت به رنگ، شکل و سایر ویژگی‌های بدنی‌مان، چنین نیست. آنها را از راه دیدن و لمس کردن و تصور ذهنی می‌شناسیم و لذا از اعضای درون بدن خود خبری نداریم چون آنها را نمی‌بینیم. شما وقتی می‌گویید "من خسته یا گرسنه‌ام" درک شما نسبت به "من" از راه حواس ظاهری نیست؛ بلکه با علم حضوری است. گاهی به جای این واژه، از واژه "معرفت قلبی" استفاده می‌شود. در اینجا هم منظور از قلب، عضو صنوبری داخل سینه نیست؛ بلکه منظور همان نفس انسانی است.

یکی از لوازم قرب معنوی به خدا یا اتصال معنوی به او تقویت شناخت قلبی ما نسبت به اوست. به‌طور طبیعی وقتی کسی به چیزی نزدیک یا متصل می‌شود، او را بهتر می‌شناسد؛ لذا نزدیکی به خدا سبب معرفت بیشتر خدا می‌شود. بالاترین قرب به بالاترین درجه معرفت حضوری یا قلبی خدا منتهی می‌شود و وقتی خدا به درستی شناخته شود عظمت او و وابستگی تام ما به او شناخته می‌شود. در چنین حالی است که انسان بالاترین کمال را در عالی‌ترین سطح عبودیت و بندگی خدا می‌یابد و رضای او را بر هر چیز ترجیح می‌دهد و بدین‌رو به اوج توکل، تفویض و رضا می‌رسد و خود را در او فانی می‌سازد.



ب. تشابه اختیاری صفات انسان با خداوند

از لوازم قرب الهی این است که انسان به صفات الهی نزدیک‌تر می‌شود و از صفات حیوانی فاصله می‌گیرد. البته بی‌تردید انسان هرگز نمی‌تواند صفات کمالی خدا را در سطح وجودی او کسب کند؛ زیرا او ماندنی ندارد "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ"؛ بلکه منظور این است که انسان مرتبه بسیار نازلی از صفات غیر انحصاری خدا را می‌تواند کسب کند. برخی صفات مانند علم، قدرت، و اراده استقلال‌ی خداوند، برای انسان قابل وصول نیستند؛ اما در سایه عبودیت می‌توان به درجه‌ای از قدرت، بخشش، رحمت و اراده غیراستقلال‌ی و وابسته به خدا دست یافت. بدین ترتیب منظور از نزدیک شده به خدا، قرب وجودی به اوست؛ یعنی وجود ما به گونه‌ای شود که درجه بسیار نازلی از صفات الهی که اختصاص به خدا ندارد، در ما راسخ شوند.

۲. ایمان افزایی

از مهم‌ترین کارکردهای نماز، ایمان‌افزایی و ترفیع درجات، ایمان^۲ است. ایمان را می‌توان دارای دو بعد درونی و بیرونی

۱. هیچ چیز مانند او نیست. (شوری: ۴۲).

۲. رسول خدا ﷺ: "بِالصَّلَاةِ يَتَلَقَّ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ؛ بنده به وسیله نماز به بالاترین



دانست. حقیقت ایمان، ارتباط قلبی و مبتنی بر معرفت، با خالق جهان است و اثر بیرونی و ظاهری آن عمل بر اساس آن ارتباط است.^۱ قلب، منبع معارف و عواطف و موطن اصلی ایمان است.^۲ در بعد درونی و قلبی ایمان است که مؤمن به فطرت توحیدی خویش باز می‌گردد؛ به ربوبیت الهی و عبودیت خویش اقرار می‌کند؛ آرامش قلبی می‌یابد؛ عبادت غیرخدا را کنار می‌زند؛ به مقام اخلاص و توکل دست می‌یابد؛ امور خود را به خدا وامی‌گذارد و در برابر قضای او راضی و تسلیم محض می‌گردد. مرکز تغییر و تحول انسان قلب او است. در قلب است که نور حق تابیده، دل به یاد خدا زنده می‌شود.

→

درجه می‌رسد؛ زیرا نماز یاد کردن خدا است به پای و یگانگی و سپاس و بزرگداشت و آقائی و پاکیزگی و گفتگو با خدا و دعا نمودن است (شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۲۲).

۱. گرچه عمل جزئی از ایمان نیست؛ اما همان ارتباط شناختی و عاطفی کافی است تا خود انگیزه عمل گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: "الایمان لایکون الا بعلم و العمل منه و لا یثبت الا بعمال"؛ ایمان جز به عمل نیست، و عمل بخشی از آن است. و ایمان جز به عمل ثابت نمی‌شود (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۸).
 ۲. "قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم" بگو: "شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم؛ اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است. (حجرات: ۱۴).



۳. خشوع

از آثار نماز، کبر ستیزی و خاشع‌سازی انسان است. به همین جهت نماز می‌تواند یکی از موانع مهم قرب الهی و محبت ربوبی را زائل سازد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خداوند به حضرت موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد که ای موسی! آیا می‌دانی که چرا تو را برای هم‌کلامی خود برگزیدم و تو ملقب به کلیم‌الله شدی؟ موسی علیه السلام عرض کرد: نه؛ راز این مطلب را نمی‌دانم. خداوند فرمود، ای موسی! من بندگانم را بررسی کردم، در میان آنان هیچ‌کس را به اندازه تو در برابر خود متواضع و فروتن نیافتم. ای موسی! هرگاه نماز می‌گزاری، گونه‌ات را روی خاک می‌نهی و چهره‌ات را بر زمین می‌گذاری.^۱ به این ترتیب، درمی‌یابیم که عالی‌ترین مرحله عبادت، کوچک شدن بیشتر در برابر خداست و فرو ریختن کبر و غرور است. افزایش خشوع به افزایش رقت قلب در نماز و لذت بردن از مناجات و درک محضر ربوبی می‌انجامد. همین امر انسان را تشنه مناجات بیشتر با خدا و تقید به نوافل در دل شب می‌سازد. از این رو، یکی از

۱. "أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَا مُوسَى أَتَدْرِي لِمَ اصْطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلْبُتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِبَطْنٍ فَلَمَّ أَحَدًا أَذَلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَصَعْتَ حَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ؛ (کلبینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۳).



ویژگی‌های بارز یاران خاص^۲ ائمه علیهم السلام مناجات‌های شبانه بوده است.^۱ این روایت در علمای ربانی نیز به چشم می‌خورد.^۲ نماز مراحل و درجات متعددی دارد؛ همچون مرحله صحت که جنبه ظاهری و ملکی نماز است و مرحله قبول که درجه باطنی و ملکوتی نماز است. بر اساس تأکیدات اهل بیت علیهم السلام همچون سفارش امام صادق علیه السلام به ابوحمزه ثمالی، تنها نمازی به درجه قبول رسیده، دارای روح و حیات می‌شود که صاحبش دارای قلبی مهربان و روحی زنده و بیدار باشد.^۳

۱. همچون عبادت‌ها و مناجات‌های شبانه اویس قرنی، از اصحاب سرِ امیرالمؤمنین علیه السلام. (ر.ک. رحیم، کارگر، بهترین پناهگاه، ص ۱۱۸).

۲. یکی از نزدیکان مرحوم شفتی علیه السلام می‌گوید: روزی همراه ایشان به سوی روستایی می‌رفتیم. در بین راه، شب فرا رسید و پس از قدری طی مسافت، برای استراحت و خوابیدن توقف کردیم. چون آن مرحوم گمان کرد که من به خواب رفته‌ام. برخاست و وضو ساخت و به نماز شب ایستاد و من از نزدیک شاهد بودم که شانه‌هایش از شدت گریه حرکت می‌کرد و بندهای بدنش می‌لرزید و دندان‌هایش به هم می‌خورد و برای آنکه کلمات نماز را به‌طور صحیح و بی‌حرکت ادا کند، گاهی کلمه‌ای را چند بار تکرار می‌کرد. (تنکابنی، محمد بن سلیمان، قصص العلماء، ص ۲۲۲). همچنین گفته‌اند مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی علیه السلام، صاحب کتاب ارزشمند کفایه الاصول، در نماز حال عجیبی داشت. به‌ویژه در حال سجده و هنگامی که در برابر معبود سر بر خاک می‌نهاد، سوز و گداز داشت و اشک و آه و گریه و ناله‌های او از دیده می‌شد که شنونده را واقعا متقلب می‌کرد (کفائی، عبدالحسین، مرگی در نور، ص ۳۹۴).

۳. ابوحمزه ثمالی می‌گوید: حضرت علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که نماز می‌خواند. پس ردای آن حضرت از شانه‌اش افتاد و آن را سر جای خود مرتب نکرد تا نماز تمام شد. ←



۴. شیطان ستیزی

از مهم‌ترین موانعی که ما را از رفتار صحیح باز می‌دارد، شیطان است. براساس تصریح قرآن کریم شیطان در محضر خداوند قسم یاد کرده است که از فریفتن و گمراه کردن انسان‌ها دست بر نمی‌دارد.^۱ شیطان برای عملی کردن اهداف خود، از زیبا جلوه دادن تمایلات و خواسته‌های نفسانی استفاده می‌کند.^۲

نماز یکی از اعمالی است که مانع اهداف شیطان می‌شود؛ زیرا، نماز سبب و حشت و فرار شیطان از نمازگزاران می‌شود.^۳



بعد از نماز، از حضرت پرسیدم که چرا نسبت به افتادن عباتان در نماز بی‌توجه بودید؟ امام علیه السلام فرمودند: وای بر تو! آیا می‌دانی در محضر که بودم؟ همانا از بنده، نماز پذیرفته نشود، مگر آنکه آن توجه کرده باشد و خود را در محضر خدا ببیند. من گفتم: پس ما هلاک شدیم و نمازهایمان باطل است. حضرت فرمودند: خداوند نقصان نمازهایتان را با نافله‌ها جبران می‌کند (روح‌الله، خمینی رحمته الله علیه، سر الصلاة، ص ۵۲).

۱. "قَالَ رَبِّ مَا أَغْوَيْتَنِي لِأَزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ" (حجر: ۳۹)؛ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص ۸۲).

۲. "زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ". (الأنفال: ۴۸؛ النحل: ۶۳؛ النمل: ۲۴؛ العنكبوت: ۳۸)

۳. پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله: "لايزال الشيطان ذعرا من المؤمن ما حافظ علي الصلوات الخمس لوقتهن. فاذا ضيعهن تجرا عليه فادخله في العظامم"؛ شیطان تا زمانی که مؤمن نماز پنجگانه را در وقت خودش به پا می‌دارد، هراس دارد و اگر نماز خود را ضایع کند (در وقتش به جا آورده ندهد) شیطان جرأت بر آنها پیدا می‌کند؛ پس آنها را در گناه‌ها کبیره وارد می‌کند (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۸).



نماز سپری است در برابر تازیانه‌های شیطان و محافظی است در برابر وسوسه‌های شیطانی.^۱ انسان با نماز به مخالفت شیطان می‌خیزد و به فرموده امام عصر علیه السلام نماز موجب خواری و ذلت شیطان می‌شود.^۲ شیطان به نمازگزاران و رحمت‌های بی‌پایانی که با لطف خداوند شامل حال نمازگزار می‌شود، حسادت می‌ورزد؛ رحمت‌هایی که گاهی خود نمازگزار از آن غافل است؛ در حالی که اگر نمازگزار به آن رحمت خاص الهی توجه می‌داشت دست از نماز نمی‌کشید و سر از سجده بر نمی‌داشت.^۳

۱. امیر مومنان علیه السلام: "الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ"؛ یعنی نماز حصاری است در برابر تازیانه‌های شیطان (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۱۷۵).

۲. حضرت صاحب الزمان علیه السلام در نامه‌ای به محمدابن عثمان عمری رضی الله عنه فرمودند: "فَمَا أَرْغَمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ يَتَمَيَّءُ مِثْلَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَ أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ"؛ چیزی همچون نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ پس نماز به پادار و بینی شیطان را به خاک به مال (شیطان را به ذلت و خواری بکش) (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص: ۱۸۳).

۳. "إِذَا قَامَ الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ شَرُّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا خَيْرُ الْأُمُورِ. مَا كَانَ لِلَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ رِضًا مَنْ عَبَدَ الدُّنْيَا وَ آثَرَهَا عَلَى الْآخِرَةِ اسْتَوْخَمَ الْعَاقِبَةَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ مَا انْقَتَلَ وَ لَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ"؛ هرگاه کسی به نماز می‌ایستد ابلیس در برابرش ظاهر می‌شود و از اینکه نمازگزار را غریق رحمت الهی می‌بیند حسد می‌ورزد.... اگر نمازگزار می‌دانست که چه اندازه رحمت خدا او را در بر گرفته است دست از نماز نمی‌کشید و خوش نداشت که سر از سجده بردارد (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۱۲۲).



به همین جهت شیطان می‌کوشد تا با ابزارهای گوناگونی مانند شراب و قمار بین انسان‌ها دشمنی اندازد و از این راه آنها را از ذکر الهی باز دارد و از رحمت‌های بی‌منت‌های الهی محروم سازد.^۱

۵. کسب مقام‌های معنوی

فلسفه خلقت انس و جن، بندگی خدا^۲ و از این رهگذر رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی است. یکی از مهم‌ترین عبادت‌هایی که قرب الهی و سعادت انسان را سبب می‌شود نماز است. امیرالمومنین علیه السلام مقام معنوی نمازگزاران این‌گونه توصیف نموده است:

"فرشتگان نمازگزاران را در میان گرفته، و آرامش بر آنها می‌بارند. درهای آسمان به رویشان گشوده و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده‌اند. مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می‌نگرد؛ از تلاش آنها خشنود و منزلت آنها را می‌ستاید؛ دست به دعا برداشته، و امرزش الهی می‌طلبند."^۳

۱. "إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ. وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ" (مائدة: ۵).

۲. "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (ذاریات: ۵۶).

۳. امیرالمومنین علیه السلام: "قَدْ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَتَرَكَّتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةَ وَفِيحَتْ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَعَدَّتْ لَهُمْ مَقَاعِدُ الْكِرَامَاتِ فِي مَقْعَدِ اطَّلَعُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِيهِ قَرِيحِي" ←



نماز درجات معنوی زیادی را برای انسان به ارمغان می‌آورد که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود

۱. ۵. مقام شفاعت

یکی از مقام‌های معنوی که جز افراد خاص و برگزیده الهی به آن دست نمی‌یابد، مقام شفاعت است. از جمله آثار مهم نماز این است که انسان را به مقام شفاعت می‌رساند. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در مورد مقام نمازگزاران و جایگاه رفیع آنان در قیامت یادآور شده‌اند:

"خداوند به سه گروه وعده داد بدون حساب وارد بهشت شوند و هر یک از این گروه‌ها (روز قیامت) می‌توانند هشتاد هزار نفر [تعداد زیادی] را شفاعت کنند. سه گروه مزبور عبارتند از: مؤذن، امام جماعت و کسی که وضو بگیرد، سپس داخل مسجد شود و نماز را به جماعت بجا آورد."^۱

مقام شفاعت از مقامات والای معنوی است که هرکس



سَعِيهِمْ وَ حَمِدَ مَقَامَهُمْ يَتَسَمَّوْنَ بِدُعَائِهِ رَوْحَ التَّجَاوُزِ" (سید رضی، نهج البلاغه، ص ۳۴۳).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: "إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ بَعْرِ حِسَابٍ وَ يَشْفَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي ثَمَانِينَ أَلْفًا. الْمُؤَدَّنُ وَ الْإِمَامُ وَ رَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي فِي الْجَمَاعَةِ" (حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۸۸).



صلاحیت برخوردار شدنش را ندارد؛ بنا بر دلالت آیات قرآن، نمازگزاران از این مقام برخوردارند.^۱ مقام شفاعت نه تنها برای افراد عادی که برای پیامبران نیز بزرگ و با عظمت است؛ چنانچه شفاعت از شئون مقام محمود حضرت رسول ﷺ دانسته شده است.^۲

نماز اکسیری است برای رفعت و بلندی انسان. انسان با نماز نه تنها خود را از عذاب الهی و کیف‌های اخروی می‌رهاند که دیگران را نیز می‌تواند با شفاعت خود نجات بخشد و راه ورود به بهشت را برای شفاعت‌شدگان هموار سازد. این موهبت بزرگ را نماز موجب می‌گردد!

۱. در آیه ۸۷ سوره مبارکه مریم ﷺ: "لَا يَلْبِغُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا"; مالکیت شفاعت از تمام انسان‌ها به‌جز کسانی که در نزد خداوند عهدی دارند، نفی شده است. تفسیر نمونه حدیثی از پیامبر نقل نموده است که حضرت در تفسیر آیه فوق، مصداق "من اتخذ عند الرحمن عهدا" را افرادی ذکر کرده است که بر حفظ نماز در پنج وقت روز تلاش می‌کند. بنا براین نمازگزاران تنها کسانی هستند که در نزد خداوند حق مالکیت شفاعت از دیگران را دارند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳ ص ۱۳۶).

۲. "عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا مُقْبِلًا عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَ هُوَ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ "وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا" فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ رَبِّي (عَزَّ وَ جَلَّ) مَلَكَتِي الشَّفَاعَةَ فِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ مِنْ أُمَّتِي وَ حَظَّرَ ذَلِكَ عَمَّنْ نَاصَبَكَ وَ نَاصَبَ وُلْدِكَ مِنْ بَعْدِكَ" (شيخ طوسی، الأمالی، ص ۴۵۵).



۲. ۵. مقام خوف

یکی از مقامات معنوی این است که انسان به مرحله‌ای از شناخت و معنویت برسد که خدا را ناظر مطلق دیده و در همه حال از او خوف و خشیت داشته باشد. صفت خوف و خشیت نشانه کمال معنوی و از خصوصیات برجسته‌ای انبیا، اولیا و اوصیا بوده است. در سیره معصومان ﷺ مکرر بیان شده که ایشان هنگام نماز، به شدت از خوف خدای متعال متأثر می‌شدند.

رسول خدا ﷺ هرگاه به نماز می‌ایستاد، رنگ چهره مبارکش به سبب ترس از پروردگار دگرگون می‌شد.^۱

حضر امیرالمومنین ﷺ نه تنها هنگام نماز که در حال وضو گرفتن می‌لرزید و هنگامی که در محراب عبادت می‌ایستاد، ریش بر اندامش می‌افتاد و از بیم عظمت پروردگار، اشک چشمانش بر محاسن شریفش جاری می‌شد. سجده‌های او طولانی و سجده‌گاهش همیشه از اشک چشم مرطوب بود. او در محراب عبادت به شدت گریان بود.^۲ حضرت هنگام نماز، رنگ رخسارش تغییر می‌کرد و بدن مبارکش به لرزه می‌افتاد و می‌-

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۸.

۲. عزیزی، عباس، نماز و عبادت امام علی ﷺ، ص ۱۶.



فرمود: "وقت ادای امانتی است که خداوند آن را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نموده؛ ولی آنها از قبول آن خودداری کردند و انسان آن را قبول کرد. حال آنکه من ضعیف هستم و نمی‌دانم خوب می‌توانم آن امانت را ادا کنم یا خیر."^۱

امام حسن علیه السلام هنگام نماز لرزه بر اندامش می‌افتاد و همچون مارگزیده مضطرب و پریشان می‌شد و به خود می‌پیچید.^۲ امام-الساجدین علی بن الحسین علیه السلام نیز وقتی به نماز می‌ایستاد، رنگ چهره‌اش دگرگون می‌شد و حالش در پیشگاه خداوند مانند حال بندگان ذلیل بود. اعضای بدنش می‌لرزید و نمازش مانند کسی بود که گویی آخرین نماز را می‌خواند.^۳

امام حسین علیه السلام وقتی وضو می‌گرفت رنگش پریده و پاهایش می‌لرزید. وقتی علت این کار را پرسیدند فرمود: سزاوار است برای کسی که در مقابل خدای با جبروت ایستاده رنگش زرد شود و پاهایش بلرزد.^۴

۱. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۸). و نمونه‌های دیگری که در حوالی همین صفحه از کتاب شریف بحارالانوار است.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸.

۳. قمی، عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵.

۴. كان الحسين بن علي عليه السلام اذا توضأ تغير لونه و ارتعدت مفاصله فقليل له في ذلك، فقال: حق لمن وقف بين يدي الملك الجبار ان يصفر لونه و ترتعد مفاصله؛ (تاج الدين، جامع الأخبار، ص ۷۶).



در شأن امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز آمده است که آن حضرات هنگام نماز رنگ چهره مبارکشانشان تغییر می‌کرد و طوری مناجات می‌کردند که گویی کسی را می‌بینند و با او نجوا می‌کنند.^۱ شواهدی که از سیره معصومان علیهم السلام آورده شد، بیانگر این حقیقت است که ارتباطی میان خوف الهی و نماز وجود دارد؛ زیرا اغلب روایاتی که در باب نماز و مناجات حضرات آمده است، از خوف، خشیت و تغییر حالات روحی و جسمی آن بزرگواران حکایت دارد. این امر نشان می‌دهد که جایی که انسان را به مقام خوف و خشیت الهی نزدیک می‌سازد، نماز است. تبلور خداوند در نماز بیش از اوقات دیگر است؛ به همین جهت افراد عادی اگر در نماز شرایط نماز را به صورت کامل رعایت کنند به این مقام عظیم دست خواهد یافت.

۳.۵. مقام اخلاص و رضا

بالاترین مقام معنوی این است که انسان به جایی برسد که همه رفتار، کردار و نیاتش برای رضایت خداوند باشد. "قرب الی الله" غایت رفتارهای دینی افراد به شمار می‌رود. به همین علت، تمام اعمال دینی مشروط به نیت و قصد قربت است. بدون قصد قربت نه تنها اعمال دینی منعقد نمی‌شود که نیت غیر الهی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۸.



سبب بطلان نماز می‌شود.^۱ بنابراین، نماز عجین با اخلاص است و همان‌گونه که امام باقر علیه السلام بیان فرموده‌اند، "نماز مرکز اخلاص و فراهم کننده قرب الهی است".^۲

نماز انسان را به مقام "رضای الهی" می‌رساند. از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نماز پرسیده شد، ایشان در پاسخ فرمودند: "نماز از سنت‌های مذهبی است و سبب رضایت پروردگار عالم می‌گردد".^۳ در حدیثی دیگر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: خداوند از سه گروه خشنود است. کسانی که نماز شب می‌خوانند، کسانی که در نماز به صف جماعت می‌ایستند و کسانی که در مقابل دشمن صف آرایی می‌کنند.^۴

۱. اگر کلمه‌ای بگوید که یک حرف دارد چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد مثل (ق) که در زبان عرب به معنای این است که "نگهداری کن" چنانچه معنی آن را بدانند و قصد آن را نماید نمازش باطل می‌شود (توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، مسئله ۱۱۳۲).
۲. فِيمَا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَابِرَ الْجُعْفِيِّ: "الصَّلَاةُ بَيْتُ الْإِحْلَاصِ"; نماز خانه اخلاص است (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳) و
۳. ضمرة بن حبيب گوید: از پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره نماز پرسش شد، حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: "الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرَضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ"; نماز از راه‌های بندگی در دین است و رضای پروردگار عزوجل در آن است و آن راه و رسم انبیا است شیخ صدوق، الخصال، جلد ۲، ص ۵۲۲).
۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله: "ثَلَاثَةٌ يَرْضَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ، الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّي، وَ الْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ، وَ الْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ"; (علی، مشکینی، تحریر المواعظ العديده، ص ۲۳۸).



پرسشنامه

۱. آسیب اساسی بیان آثار نماز و دعوت جوانان به نماز چیست؟
۲. ایمان‌افزایی نماز را توضیح دهید.
۳. ریشه دشمنی شیطان با نماز چیست؟
۴. نماز می‌تواند انسان را به چه مقامات معنوی برساند؟



فصل سوم: آثار عاطفی - روانی

در این بخش از تأثیر نماز در صفات و حالات راسخ و غیرراسخ رذیله یا حسنه مانند محبت و عشق، کینه و نفرت، خشم و غضب، بیم و امید، یأس و اضطراب، شادی و نشاط، غم و مانند آن، سخن به میان می‌آید. نماز با شکوفا نمودن ارزش‌های عاطفی و تعدیل امیال نفسانی و جهت‌دهی به انگیزه‌های درونی، انسان را به مقامات بلند معنوی می‌رساند.

برای تعدیل عواطف و تربیت انسان کافی است که در مبادی ذهنی و قلبی او تصرف شود. تغییر برداشت و خواست یا نگرش و گرایش انسان در جهت اهداف مطلوب اسلامی و جهت‌دهی سلیق و علایق او در جهات الهی دو نتیجه مهم در پی دارد: اولاً موجب شناخت متعلقات مفید و مضر می‌شود. ثانیاً سبب تعلق امیال به متعلقات مفید، تنفر طبع از متعلقات مضر و جهت‌گیری صحیح واکنش‌های عصبی، بدنی و رفتاری



خواهد بود.^۱

تربیت عاطفی نماز، به ارتباط انسان با منبع عاطفه و رحمت لایزال الهی برمی‌گردد. هنگامی که نمازگزار متوجه نماز می‌شود، خدای مهربان به او نظر لطف فرموده،^۲ او را مورد رحمت و مغفرت بی‌کران خود قرار می‌دهد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در سفارش‌های خویش به ابوذر رضی الله عنه می‌فرماید:

"انسان با ایمان هرگاه به نماز می‌ایستد، رحمت پروردگار عالم تا عرش او را احاطه نموده، فرشته‌ای بر او گماشته می‌شود که ندا می‌کند: فرزند آدم! اگر می‌دانستی در نماز چه نصیب تو می‌شود و با چه کسی سخن می‌گویی، هرگز از آن باز نمی‌ایستادی!"^۳

۱. از تفاوت‌های اساسی الگوی اسلامی و غیراسلامی تربیت عاطفی، تفاوت آنها در تعیین متعلقات مطلوب عواطف از یک‌سو و هدیفی که در هدایت عواطف به سمت متعلقات مطلوب دنبال می‌شود، از سوی دیگر و شناخت و بینشی که زیربنای تشخیص مطلوبیت را تشکیل می‌دهد، از سوی سوم است.

۲. رسول خدا ﷺ: "اذا قام العبد المومن في صلاته نظر الله عزوجل اليه؛" چون بنده مؤمن در نماز خویش بایستد، خداوند به او می‌نگرد (به او توجه خواص دارد) (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۱).

۳. یا أَبَادَرُ مَا مُؤْمِنٌ يَقُومُ مُصَلِّياً إِلَّا تَنَاطَرَ عَلَيْهِ الْبُرُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرْشِ وَ وُكِّلَ بِهِ مَلَكٌ يَتْلُو بِأُذُنِ آدَمَ لَوْ تَعَلَّمَ مَا لَكَ فِي الصَّلَاةِ وَ مَنْ تَنَاجَى مَا انْفَقَتْ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، باب ۴، صص ۷۶ - ۷۸، ح ۳). همچنین علامه مجلسی نقل می‌فرماید: برای نمازگزار سه چیز است؛ چون به نماز ایستد، خوبی‌ها از اطراف آسمان بر سرش فرود آید و ملائکه از

←



با استفاده از شواهد و قرائن به دست می‌آید که نماز کارویژه‌هایی حیاتی در زمینه ابعاد عاطفی و انگیزشی زندگی انسان به همراه دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱. کاهش اضطراب

اضطراب، افسردگی و نبود آرامش روحی و روانی، گمشده زندگی مدرن امروز است. انسان‌ها به علت مشکلات زندگی و رفتاری‌های محیطی اضطرابی مداوم را تجربه می‌کنند. در این میان، نماز نقش بسیار ارزشمندی در کاهش استرس‌ها و اضطراب‌ها دارد. نماز باعث تمدد اعصاب و آرامش روانی در نمازگزاران می‌گردد. نمازگزارانی که در زندگی ناملائماتی تجربه می‌کنند، با اتکای به عبادت معنوی نماز و با توجه به خداوند متعال، فشارهای روانی را پشت سر می‌گذارد. می‌توان گفت این تأثیر مهم نماز در درمان اضطراب، از جهاتی همانند تأثیر روش روان درمانی برخی درمانگران رفتارگرایی معاصر در درمان اضطراب بیماران روانی است که از راه درمان از راه آرامسازی یا

→

زمین تا فراز آسمان‌ها پر می‌شوند و ملکی فریاد می‌کند: ای نمازگزار اگر بدانی که با چه کسی مناجات می‌کنی هرگز غفلت نخواهی کرد (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۰).



درمان از راه کاهش حساسیت انفعالی انجام می‌گیرد.^۱ روان درمانگرانی مانند "ژوزف و لپه" از روشی پیروی می‌کنند که به "منع متقابل" معروف است و نام "درمان از راه آرامسازی (حساسیت‌زدایی)" یا "درمان از راه کاهش حساسیت انفعالی" بدان اطلاق می‌شود. در این روش درمانگر می‌کوشد میان موارد اضطراب‌انگیز و واکنش مخالف اضطراب یعنی همان حالت تمدد اعصاب رابطه ایجاد کند. می‌بینیم که وجه تشابه میان روش روان‌درمانی که روان‌درمانگران رفتارگر استفاده می‌کنند و اثر درمانی منتج از نماز، بسیار مشهود است.

نمازگزار پس از نماز، به ذکر دعا و تسبیح می‌پردازد و این خود به تداوم حالت تمدد اعصاب و آرامش روانی کمک می‌کند. انسان در دعا با خدای خود به مناجات می‌پردازد و از مشکلاتی که او را در زندگی مضطرب و ناراحت ساخته است، به درگاهش پناه می‌برد. با بازگو کردن مشکلات اضطراب‌انگیز در چنین حالتی از آرامش روانی، منجر به رهایی از اضطراب از راه ایجاد ارتباط شرطی جدید میان مشکلات و حالت تمدد اعصاب و آرامش روانی می‌شود. بدین ترتیب مشکلات به تدریج قدرت اضطراب‌زایی خود را از دست می‌دهد و با حالت تمدد اعصاب و

۱. ریدرز دایجست، معجزه‌های دعا و نیایش، ص ۶.



آرامش روانی که حالتی مخالف اضطراب است به صورت رابطه‌ای شرطی شده، پیوند می‌یابد.^۱

در آیات و روایات خصوصیت اضطراب‌زدایی نماز، مورد توجه قرار گرفته است. در آیه ۲۷۷ سوره بقره تأکید شده است که نمازگزاران از خوف و حزن بری هستند.^۲ خوف به معنای ترس و واهمه از آینده است و حزن به معنای ناراحتی‌های گذشته است.^۳ بنابراین نماز هم انسان را در برابر ناملائمات گذشته و هم آینده بیمه می‌کند. نماز، با ارزش‌ترین ذکر خداوند است. ذکر خداوند در هر حال سبب آرامش، طمأنینه و آسایش روحی و روانی می‌گردد.^۴

علاوه بر مسائلی که ذکر شد، بیان مشکلات و مسائل پس از نماز موجب آرامش روانی می‌شود. این فرصت مغتنم، فقط در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که به اقامه نماز می‌پردازند. به‌طور کلی تحقیقات متعدد روان‌شناسان نشان می‌دهد که حالت روانی

۱. نقش نماز در روان‌درمانی، مجله تربیت، دی ۱۳۷۵، شماره ۱۱۴، ص ۲۳.

۲. "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند (بقره: ۲۷۷).

۳. شیخ طبری، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴. الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸).



انسان با آشکار کردن مشکلات در حضور یک دوست صمیمی یا درمانگر رو به بهبود می‌رود. حال تصور کنید که همین انسان اگر مشکلات خود را با خدا بازگو کند و پس از نماز به مناجات با پروردگار و دعا مشغول شود و از درگاه او طلب یاری کند، حالت روانی او تا چه اندازه بهبود پیدا می‌کند. ملاحظه می‌شود که همان نتیجه‌ای که در یک روان‌درمانی مؤثر و موفق حاصل می‌شود، از نماز نیز به‌دست می‌آید، زیرا آن احساس امنیت و رهایی از اضطراب را که نماز در انسان ایجاد می‌کند، موجب آزاد شدن نیروی روانی او می‌شود که این آزادی ضامن ایجاد سلامت روان است. نیرویی که قبلاً در زنجیرهای اضطراب، نگرانی و افسردگی، مقید و زندانی بود.^۱

تأثیر نماز در کاهش اضطراب و افسردگی در مطالعات و تحقیقات روانشناختی تأیید شده است. دکتر توماس هایس لوپ در این باره توضیح می‌دهد:

"مهم‌ترین مطلبی که در من در طول چندین سال تجربه و آزمایش به دست آورده‌ام این است که بهترین وسیله برای درمان بی‌خوابی، نماز و نیایش است. با این قید که من پزشکم و این سخن را می‌گویم که نماز بهترین وسیله‌ای

۱. نقش نماز در روان‌درمانی، مجله تربیت، دی ۱۳۷۵، شماره ۱۱۴، ص ۲۳.



است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده است، که زمینه بی‌خوابی را بر طرف می‌گرداند. به عبارت دقیق‌تر مهم‌ترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان نماز است.^۱

تحقیقاتی که در ایران به انجام رسیده است نیز گویای نقش بی‌بدیل نماز در سلامت روان انسان است. موسوی و همکاران (۱۳۸۰) پژوهشی با هدف تعیین رابطه نحوه به‌پاداری نماز با اختلال افسردگی اساسی بر روی صد بیمار مراجعه کننده به درمانگاه بیمارستان خورشید (۱۳۷۵) اصفهان انجام دادند. بدین ترتیب پرسشنامه‌ای در مورد نحوه برپاداری نماز را بر روی بیماران (به عنوان گروه آزمودنی) و همزمان صد نفر از افراد غیر بیمار (به عنوان گروه گواه) تکمیل کردند. تحلیل داده‌ها توسط آزمون t و X2 صورت گرفت نتایج نشان داد که رابطه معناداری^۲ بین نحوه به‌پاداری نماز و افسردگی و عدم افسردگی وجود دارد.^۳

جلیوند و آزه‌ای (۱۳۷۸) پژوهشی با هدف بررسی رابطه

۱. دیل، کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۴۹.

۲. معناداری رابطه میان دو پدیده در تحلیل‌های آماری به معنای رابطه علی و معلولی و تأثیر و تأثر میان دو پدیده است.

۳. دبیر خانه ستاد مرکزی اقامه نماز، فصلنامه نیایش، شماره ۵، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۳۵.



پایبندی عملی به تقیدات مذهبی (نماز) و اضطراب دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ انجام دادند. در این پژوهش ۵۰۱ دانش آموز دختر و پسر از مناطق نوزده‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران با پرسشنامه اضطراب کتل و پرسش نامه سنجش میزان پایبندی عملی به تقیدات دینی (نماز) آزمون شدند. نتایج نشان داد که بین نماز و اضطراب رابطه منفی و معنادار وجود دارد.^۱

رادفر و عروجی (۱۳۸۰) در پژوهشی با هدف نقش پایبندی عملی به نماز در میزان شیوع اضطراب انجام دادند. در این پژوهش چهارصد دختر دانش آموز از نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهر قم به‌وسیله پرسشنامه اضطراب کتل و فرم سوالاتی که جهت ارزیابی پایبندی عملی به نماز طراحی شده بود، آزمون شدند. نتایج نشان داد که افرادی که نمره نماز بالاتری دارند (توجه و پایبندی بیشتری نسبت به اقامه نماز دارند) از اضطراب کمتری برخوردارند.^۲

دکتر "آکیروماتسوموتو" مدیر کانون تعلیماتی مطالعات و تحقیقات مربوط به خاورمیانه در دانشگاه دولتی ژاپن که چند

۱. دبیر خانه ستاد مرکزی اقامه نماز، فصلنامه نیایش، شماره ۵ بهار ۱۳۸۰، ص ۱۳۵.

۲. فصلنامه نیایش، شماره ۵ بهار ۱۳۸۰، ص ۱۳۵.



سال پیش به اسلام گرویده است، تأثیر نماز را در تسکین روح و آرامش نفس در نامه‌ای به یکی از دوستان مسلمان خود چنین به تصویر می‌کشد.

"گاهی آن دفترچه نماز را که شما برای من لطف نمودید نگاه می‌کنم و مطابق توضیحات آن با خود نماز را اقامه می‌کنم. فهمیدم که نماز خواندن برای تسکین روح خود تأثیری خوب دارد. مثلاً روزی که در محل کار خود با مسائل ناراحت‌کننده مواجه می‌شوم به خانه بر می‌گردم و نماز می‌خوانم تا نفس خود را آرام بسازم...."^۱

یکی از علل نقش نماز در آرامش روان بسترسازی برای تکیه به موجود برتر است. احساس اتکالی به چنین موجودی آرامش‌آفرین است. انسان به‌رغم توانایی‌هایی که دارد موجودی است ضعیف که به‌سادگی به یأس و ناامیدی می‌گراید. تکیه به قدرت مطلق، او را از یأس باز می‌دارد و آرامش را برایش به ارمغان می‌آورد.

تمام شواهد مذکور نشان از این دارد که نماز می‌تواند اضطراب، نا آرامی، تشنجهای عصبی، اختلالات روانی را کاهش داده و آسایش روانی، طمانینه، عزت نفس و سلامت روانی را به دنبال آورد.

۱. علی، شجاعی، سلامت روان در پرتو نماز، ص ۶۳.



۲. بالا بردن سطح تحمل و رهایی از غم و اندوه

زندگی انسان پیوسته آماج مشکلات، گرفتاری‌ها و درماندگی‌ها است. این مشکلات، در زندگی مدرن فراوان‌تر، پیچیده‌تر و آزاردهنده‌تر شده است. متخصصین راه‌های بسیاری را پیشنهاد می‌کنند به‌منظور اینکه ظرفیت انسان را در مقابل مشکلات و گرفتاری‌ها بالا رود. یکی از دسترس پذیرترین راه‌ها برای جوامع دینی، مناسک و اعمال عبادی و معنوی است. کلیفورد گیرتز جامعه‌شناس، اسلام‌پژوه و نظریه‌پرداز فرهنگ بعد از مطالعات و مشاهدات فراوانی که در مراکش و اندونزی روی مسلمانان انجام داد، به این نتیجه رهنمون شد که دین، تبیین‌های نهایی درباره جهان را برعهده دارد. یعنی؛ دین تلاش می‌کند که یک معنای نهایی و یک هدف نظم‌دهنده بزرگ برای جهان معرفی کند.^۱ از نظر گیرتز این عملکرد دین توجیه روانشناختی دارد و به علاقمندی انسان به سامانمندی جهان باز می‌گردد. از یک طرف انسان علاقه دارد جهان را دارای نظم ببیند و از سوی دیگر رویدادهای شگفت آور و نابهنجاری وجود دارد که با وسایل طبیعی قابل تبیین نیستند. رخدادهایی چون مرگ، خواب و خیال، بلاهای طبیعی، رنج و شرور و توفیق شروران و رنجش نیکان از این جمله‌اند. دین سعی می‌کند

۱. پالس، دانیل، هفت نظریه در باب دین، ص ۳۴۵.



تجربه‌های تلخ زندگی و رخداد‌های نابهنجار را که به بی‌سروسامانی جهان دامن می‌زند، معنادار و توجیه پذیر سازد.^۱ برداشت فوق از دین و باورهای دینی و اعمال و رفتار مذهبی برداشت درست و مطابق شواهد دینی است. در سوره بقره مؤمنین مأمور شده‌اند که هنگام مشکلات و گرفتاری‌ها به نماز پناه ببرند؛ "وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ"^۲. پایین درجه معنای آیه این است که هنگام گرفتاری‌ها نماز بخوانید. گویا نمازگزاران در آسان‌سازی و رفع مشکلات نقش دارد. مقارنت نماز و صبر در آیه نشان می‌دهد که برای کاهش آسیب‌هایی که مشکلات بر افراد تحمیل می‌کند باید آستانه تحمل افراد بالا برده شود. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: "هرگاه غمی از غم‌های عالم دامنگیرتان شد وضو بگیرید و به مسجد بروید دو رکعت نماز بخوانید و دعا کنید"^۳. روایات دیگری نیز وارد شده است که در آن به نقش نماز در رفع غم و گرفتاری‌ها اشاره شده است.^۴

۱. ر.ک. همیلتون، ملکم، جامعه شناسی دین، ص ۲۶۷ - ۲۶۹.

۲. بقره: ۴۵.

۳. عن الصادق (علیه السلام): "ما يمنع احدكم اذا دخل عليه غم من غموم الدنيا ان يتوضا، ثم يدخل المسجد فيركع ركعتين، يدعو الله فيها" (وسائل الشیعه ج ۵، ص ۲۶۴).

۴. از جمله روایات ذیل که دلالت می‌کند بر اینکه میان غم و ناراحتی‌ها و نماز رابطه معکوس برقرار است: "صلاة اللیل... تذهب بالهم" (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲).



"نورمن وینسنت گریسی" به نیکویی یادآوری کرده است: "دعا و نماز، بزرگ‌ترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواری‌های زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی، شناخته شده است. گفتگو با خدا، باید عادت همیشگی انسان شود؛ نه اینکه چون درماندگی به نهایت رسید، رو به خدا کنیم. نخستین قاعده دعا و نیایش، آن است که ضمیر ما را آرام می‌کند و قلب دردناک ما را شفا می‌بخشد و در کاری که در پیش داریم بصیرت و روشنی فراهم می‌آورد.^۱ بنابراین نماز و نیایش، عامل سازنده‌ای است که مقاومت و ایستادگی انسان را در تشیب و فرازهای زندگی، حفظ می‌کند و نمازگزار را در هر خیر و شری و در هر اقبال و ادباری حفظ می‌کند. ساده‌ترین تحلیل این مدعا این است که نمازگزار در مشکلات به خداوند اتکا می‌کند و او را در گرفتاری‌ها خود سهیم می‌شمارد؛ در حالی که انسان محروم از نماز و دعا هنگام بروز مشکلات، خود را تنها می‌بیند. لذا، در دعا نوعی رابطه عاطفی بین انسان و خداوند برقرار می‌شود که این خود عاملی برای برونریزی عاطفی در فرد می‌شود.^۲

۱. علی، شجاعی، سلامت روان در پرتو نماز، ص ۶۲.

۲. راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز، ص ۱۹۱.



پرسشنامه

۱. راه تعدیل عواطف انسان چیست؟
۲. دو جهتی که نماز موجب کاهش اضطراب می‌شود را بیان فرمایید.
۳. رابطه نماز با بالا رفتن سطح تحمل را توضیح دهید.



فصل چهارم: آثار اخلاقی - رفتاری

روایات، آثار اخلاقی و رفتاری فراوانی برای نماز بیان داشته‌اند^۱ که در صورت توجه نمازگزار به حقیقت نماز و جریان آن در رفتار خود، می‌تواند در او محقق شود. در ادامه به نه اثر در این ساحت خواهیم پرداخت.

۱. نماز تمرین ادب عبودیت و مبارزه با نفس

خداوند نماز را برای تمرین ادب عبودیت قرار داده است. وجوب نماز تابع حال شما نیست. اگر حال هم نداشته باشید باید انجام دهید. حداقلی از نماز که واجب تلقی می‌شود، تابع حال ما نیست، هرچند بیشتر از آن، یعنی نمازهای مستحبی را می‌توانید تابع آمادگی روحی انجام دهید. اینکه اول صبح بیدار شوید و

۱. از جمله روایات: امام رضا علیه السلام فرمودند: «عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فِي اللَّيْلِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَوْصَى بِهَا عَلِيًّا فَقَالَ فِي وَصِيَّتِهِ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ قَالَهَا ثَلَاثًا وَ صَلَاةِ اللَّيْلِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ بَهَاءِ الْوَجْهِ وَ تَحْسُنُ الْخُلُقَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۶۲).



وضو بگیرید چه بسا برای نفس خوشایند نباشد. اینکه کار را ظهر رها کنید و به جای استراحت به نماز بایستید، شاید خوشتان نیاید؛ اما این تمرین لازم است تا توان عبودیت در ما تقویت شود. بنابراین یکی از کارکردهای مهم نماز تمرین ادب، خشوع و اطاعت در پیشگاه خداوند است.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: "بهترین چیزی که پدرها برای فرزندان‌شان به ارث می‌گذارند، ادب است."^۱ بی‌ادبی کاری عقلا ناپسند است که انسان را از انسانیت خارج می‌کند. در روایات بر ضرورت توجه به ادب در تربیت فرزند تأکید شده است. رعایت ادب در برابر سایر انسان‌ها، به‌ویژه والدین، اساتید، سالخورگان یا سایر کسانی که حقوقی بر ما دارند، و در مرتبه بالاتری از علم و تقوی هستند، امری لازم و عقل پسند است. بالاترین سطح ادب باید نسبت به کامل‌ترین موجود در هستی رعایت شود. نماز تمرین ادب عبودیت در برابر خالق و قادر مطلق است. بدین روی نماز انسان را آماده تبعیت از خدا در غیر نماز نیز می‌کند. اینکه گفته شده است که به قصد قربت و نحو خاصی دست و صورت را در وضو بشویید، با لباسی تمیز رو به قبله بایستید و هنگام نماز به چپ و راست ننگیرید، با کسی سخن نگویند و

۱. قال علی علیه السلام: "لا میراث کالأدب" (سید رضی، نهج البلاغه، ص ۴۱۵).



مؤدبانه بایستید، همه حکایت از نوعی مؤدب شدن و مؤدب بودن در پیشگاه الهی دارد.

ممکن است کسی بگوید: من به‌جای اینکه وضو بگیرم، به حمام می‌روم و تمام بدن را بدون نیت غسل واجب، شستشو می‌دهم و به نماز می‌ایستم؛ مگر این کفایت نمی‌کند؟ امام رضا علیه السلام در پاسخ به این سؤال و ضمن بیان آثار فواید وضو چنین می‌فرمایند:

"اگر کسی بگوید: برای چه مأمورند که برای عبادت وضو بگیرند و عبادتشان را با آن شروع کنند؟ در جواب گویند: برای اینکه هنگامی که بنده در برابر خدای خود بر پا می‌ایستد، نظیف باشد. از آلودگی معاصی و گناهان به سبب آن وضو پاک و طاهر گشته باشد و در وقت مناجات با پروردگار خود مطیع او باشد. از هر پلیدی و نجاستی بری و پاک و پاکیزه به درگاه خداوند بایستد. به‌علاوه که وضو ساختن خود آدمی را از کسالت و چرت‌زدن باز می‌دارد و دل را روشن و قلب را تمیز و خالص می‌گرداند برای رفتن به پیشگاه ایزد جبار و سلطان حق و پرده‌پوش بندگان".^۱

۱. امام رضا علیه السلام: "إِنَّمَا أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَ بُدِيَ بِهِ لِأَنَّ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْعَبَّارِ عِنْدَ مُتَاجَرَتِهِ إِذَا هُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ تَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَسِ وَ النَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ ←"



البته ناگفته نماند که رعایت ادب و خضوع در پیشگاه خدا، اگر با معرفت انجام شود، لذت بخش است. چرا که انسان فطرتاً در برابر چنین عظمتی خاشع و مؤدب می شود و اگر بی ادبی کند برای او رنج آور است. اگر هم انسان معرفت لازم را نداشته باشد، نماز او مقدمه مؤدب شدن است؛ هرچند رعایت ادب برایش لذت بخش نباشد. بنابراین نماز، تربیت ادب بندگی است. ادب که حاصل شد عشق به خدا هم می آید.

۲. نماز سبب ابهت یافتن خدا در دل

تقویت ادب الهی سبب می شود که ابهت خدا در دلت بنشیند. نسبت به هر کسی ادب را رعایت کنید به تدریج ابهت او برایت حاصل می شود. به تدریج این احساس ابهت و عظمت خدا در حالات مختلف همراه فرد می شود. ابهت پیدا کردن خدا در دل سبب آمادگی برای "چشم گفتن" در برابر خدا و پیروی جدی از دستورات او می شود. از دیگر آثار این احساس عظمت الهی، احساس شرم از خدا هنگام خطا و گناه است. تقویت این احساس شرم منجر به تقویت نفس لوامه برای جلوگیری از

→

مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النُّعَاسِ وَ تَزَكِيَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ (شیخ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۶۷).



خطاست. آزاد گذاشتن میدان برای نفس اماره، پشیمانی های زیادی به دنبال دارد. انسان در امتحان های الهی تحت تأثیر اوامر نفسانی دچار لغزش می شود. بخشی از امتحانات الهی در شرایط سختی زیاد یا رفاه فراوان است. اگر ابزار، امکانات و قدرت مانند ثروت، علم، موقعیت و جایگاه اجتماعی، در اختیار فرد باشد و او از قدرت کنترل لازم یا حیای الهی برخوردار نباشد، به سادگی خطا می کند و از طغیان نفس در امان نمی ماند. نماز آموزگار و یادآور خوبی ها به نفس است.

چرا در ارتش های جهان دستورات خاصی را باید همه رعایت کنند؛ اداب نظامی گری را بیاموزند و تمرین کنند؛ اما در سایر مراکز و مناصب و شغل ها چنین دستوراتی الزام نشده است؟ علت این است که در ارتش اهدافی سخت تر از سایر مشاغل مطرح است. تحقق این اهداف در گرو تبعیت سریع و به موقع از فرمانده است. یک سرباز ارتشی باید در برابر مقامات ارشد خود پای بر زمین بکوبد و دستان را به سرعت به احترام بلند کند، تا با رعایت این نظم آهنین ابهت فرمانده در دل سربازان جاگیر شود تا سخت ترین فرمان ها را به سرعت اجرا کنند؛ هرچند سبب به خطر انداختن جان خود یا دیگری باشد؛ تقید به رعایت این قوانین نظامی سبب می شود که ابهت فرماندگی فراموش نشود در نتیجه در زمان لازم سربازان و افراد درجه پایین تر به سرعت



دستورات نیروهای ارشد خود را اجرا کنند و به اهداف نظامی لازم دست یابند.

حال سؤال این است که عظمت و ابهت پیدا کردن خدا در دل مهمتر است، یا یک فرمانده در ارتش؟ تفاوت مقام ارشد ارتشی با درجات پایین‌تر تفاوتی قراردادی است، نه حقیقی به همین دلیل با یک کودتا یا دستور جدید، معادلات عوض می‌شود. همچنین این تفاوت، امری موقتی است؛ اما تفاوت درجه میان ما و خدا، حقیقی، دائمی و بی‌نهایت است. از طرفی ما شدیداً نیازمند ایجاد عظمت الهی در دل خود هستیم.

بدین ترتیب تقید به نماز می‌تواند به تدریج ابهت خدا را در دل ما جای دهد و ما را به چنین هدف مقدس و کارسازی نزدیک کند. بدین روی نزدیکی ما به خدا نباید سبب شود جایگاه او را فراموش کنیم.

از طرفی اذکار نماز هم در تحقق این عظمت نقش دارند. نماز با "الله اکبر" آغاز می‌شود. با گفتن این ذکر باید چنان به عظمت خدا توجه کرد که از غیر او غافل شویم! این ذکر بارها در نماز تکرار می‌شود. "الله اکبر" برتری عظمت خدا بر هر چه در عالم است را به ما می‌نمایاند و "سبحان الله"، "سبحان ربی العظیم و بحمده" و "سبحان ربی الاعلی و بحمده" ناتوانی ما در فهم عظمت خدا را آشکار می‌سازد. زیبایی نماز به این است که با تکبیر



شروع و پایان می‌یابد.^۱

۳. پیشگیری از گناه

ریشه گرفتاری‌ها و بلاهای ما گناهان ماست؛ چنانچه در فقرات متعدد دعای کمیل^۲، این امر تأکید شده است. ما در این دعا از خدا می‌خواهیم که گناهان بلاآفرین ما را ببخشد. نماز می‌تواند بخش عمده‌ای از بلاها و مشکلات ما را برطرف کند؛ زیرا نماز از گناه جلوگیری می‌کند از طرفی گناه، بلاآفرین و مشکل‌ساز است.

چگونه نماز چنین اثری در پی دارد؟ پاسخ آنکه چنانکه بیان شد نماز تمرین ادب عبودیت و مبارزه با نفس است و این امر در مبارزه با گناه مؤثر است. به‌علاوه نماز سبب ابهت یافتن خدا در دل می‌شود. این احساس ابهت الهی، برکاتی دارد از جمله آنکه

۱. امیرالمومنین علیه السلام: "فإذا سلمت رفعت یدیک وکبرت ثلاثاً"؛ پس زمانی که سلام (نماز را) دادی دو دستت را بالا ببر و سه مرتبه تکبیر بگو (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۰).

۲. "اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزَّلُ النَّقْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ"؛ خدایا بخش آن گناهانی را که بر من کیفر عذاب نازل می‌کند. خدایا بخش آن گناهانی را که در نعمت را به روی من می‌بندد. خدایا بخش آن گناهانی را که مانع قبول دعاهايم می‌شود. خدایا بخش آن گناهانی را که بر من بلا می‌فرستد. خدایا بخش آن گناهانی را که باعث قطع امیدم از تو می‌شود.



انسان را از گناه باز می‌دارد؛ بنابراین کسی که می‌گوید "نمی‌توانم برای خدا، گناه را ترک کنم" نشان از آن دارد که خدا در دلش عظیم نیست و عظمت خدا را آن‌گونه که باید درک نکرده است! گاهی از برخی افراد که نماز نمی‌خوانند سؤال می‌شود که چرا نماز نمی‌خوانید، در جواب می‌گویند: وقتی نماز می‌خوانم از برخی اعمالی که انجام می‌دهم عذاب وجدان می‌گیرم، برای همین نماز نمی‌خوانم تا راحت بتوانم کارهایم (گناهانم) را انجام دهم! هرچند این حرف، برداشت اشتباه آنها را نشان می‌دهد؛ اما گویای این است که نماز حداقلی این افراد نیز نهی‌کننده از گناه و بدی است. هرچند به این نهی توجه نمی‌کنند و یا این نهی را خاموش می‌کنند.

نماز به تدریج بر احساس ابهت خدا در دل می‌افزاید و به-تناسب آن از گناه جلوگیری می‌کند. ادامه این احساس، سبب می‌شود که از میزان مکروه هم بکاهد و در انجام مستحبات هم کوشا باشد. در روایتی آمده است که به پیامبر ﷺ گفتند: فلان شخص روزها نماز می‌خواند و شب‌ها دزدی می‌کند. پیامبر فرمود: "قطعاً نمازش او را از این کار باز خواهد داشت."^۱

۱. عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ قَبِيلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِالنَّهَارِ وَ يَسْرِقُ بِاللَّيْلِ فَقَالَ ﷺ: "إِنَّ صَلَاتَهُ لَتَرُدُّعَهُ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸).



همچنین در جای دیگری به حضرت گفتند: فلان جوان از انصار که با آن حضرت نماز می‌گزارد، مرتکب فواحش نیز می‌شود. ایشان در جواب فرمود: "روزی نمازش او را از این عمل باز خواهد داشت" سخنان پیامبر ﷺ دلیلی است بر این مطلب است که اثرات شگرف گناه‌ستیزی نماز، به تدریج آشکار می‌شود. از طرفی نیز اگر نماز ما را از گناه باز نمی‌دارد باید نماز خود را بهبود بخشیم!

با توجه به اینکه گناه بلاآفرین و نماز مانع گناه است، اگر رفتاری در زندگی ما فراوان است یک راهکار احتمالی مهم، اصلاح نماز است. باید نماز خود را بازنگری کنیم.

احساس ابهت الهی در دل نه تنها ما را از گناه باز می‌دارد؛ بلکه سبب تقویت توجه ما در نماز می‌شود. هر اندازه عظمت و ابهت خدا، بیشتر در قلب ما جاگیر شود، هنگام سخن گفتن و مناجات با او، توجه بیشتری خواهیم داشت!

۴. تمرین چشم گفتن به خداوند

ما عادت کرده‌ایم به نفس خود "چشم" بگوییم و از او تبعیت

۱. رُوِيَ أَنَّ قَتِيْبًا مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَرْتَكِبُ الْفَوَاحِشَ، فَوَصَفَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: "إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَا" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸).



محض کنیم! هرچند خواسته‌هایش با عقل ناسازگار باشد. در برابر این عادت، نماز نوعی تمرین چشم گفتن به برترین موجود عالم است. ما نیاز به تمرین چشم گفتن به غیر نفس داریم، تا بتوانیم از چشم گفتن‌های کورکورانه به نفس، خود را حفظ کنیم. از طرفی می‌دانیم که شایسته نیست پیرو محض کسی بود، مگر خدا و فرستادگان او. هرچند قبول بی‌چون و چرای فرامین خالق هستی و کامل‌ترین موجود، کاری عقل‌پسند است؛ اما برای نفس ما خوشایند نیست. در سایه این تبعیت از خدا است که ما نفس را ادب می‌کنیم و قدرت مبارزه با نفس در ما تقویت می‌شود. بدین روی ایستادگی اراده‌ ما در برابر خواهش‌های نفسانی تقویت می‌شود.

۵. درمان و پاکسازی گناه

نماز علاوه بر پیشگیری از گناهان پیشه‌رو، گناهان پیشین را نیز می‌زداید. مداومت بر نماز و رعایت آداب و شرایط آن موجب آمرزش گناهان،^۱ پالایش انگیزه‌ها، و انس با خدا^۱ می‌گردد.

۱. رسول خدا ﷺ: "مَنْ آتَى الْجَمَاعَةَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا، اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ؛ هر کس فقط از روی ایمان و عمل خالص برای خدا در نماز جماعت شرکت کند، خداوند مهربان گناهان او را می‌آمرزد، مانند کسی که تازه به تکلیف رسیده و اکنون می‌خواهد اعمال و تکالیف
←



امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

" کسی که نماز را به‌جا آورد، در حالی که حق آن را بشناسد،
آمزش الهی شامل حال او خواهد شد." ^۲

حضرت علی (علیه السلام) در نقلی از پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: ایشان نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه فرمودند که بر در خانه شخصی باشد

→

خود را شروع کند (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۵۹).
احمَدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يُعَلِّمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ. هر کس دو رکعت نماز به‌جا آورد و بداند که چه می‌گوید، نمازش را در حالی به پایان می‌برد که در میان او و خداوند بزرگ هیچ گناهی نماند که آمرزیده نشده باشد. (شیخ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۷)
رسول خدا ﷺ: "فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ تَوَجَّهْتَ وَ قَرَأْتَ أُمَّ الْكِتَابِ وَ مَا تَسْرَى لَكَ مِنَ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَأَتَمَمْتَ رُكُوعَهَا وَ سَجَدَهَا وَ تَشَهَّدْتَ وَ سَلَّمْتَ غُفِرَ لَكَ كُلُّ ذَنْبٍ فِيهَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى الصَّلَاةِ الْمُؤَخَّرَةِ؛ و هنگامی که به نماز برخاستی و حضور پیدا کردی و سوره حمد و یا یکی از سوره‌های دیگر را به‌حسب توانت، خواندی، رکوع کردی و رکوعت را تمام نمودی و به سجده رفتی و تشهد خواندی و سلام نماز را دادی، خداوند تمام گناهانی را که بین دو نماز انجام دادی می‌بخشد. و این هم ثواب تو در نمازت (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۳).
۱. رسول خدا ﷺ: "هی... مُنَاجَاةَ الْخَبِيبِ لِلْخَبِيبِ؛ نماز مناجات دوست با دوست است (تاج الدین، جامع الأخبار، ص ۷۳).
۲. رسول خدا ﷺ: "مَنْ آتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ" (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ص ۱۱۷).



و او روزی پنج نوبت خود را در آن شستشو دهد. یقیناً چیزی از آلودگی بر بدن آن شخص باقی نخواهد ماند.^۱

بنابر فرمایش امام صادق (علیه السلام) هر کس دو رکعت نماز بگزارد در حالی که بداند چه می گوید، از نماز که فارغ شد، خدا هر گناهی را که میان او و خودش بوده می بخشد.^۲ تشبیهی زیبا از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده که:

"ابوعثمان نقل می کند که من با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودم، او شاخه خشکی را گرفت و تکان داد تا تمام برگ هایش فرو ریخت. سپس رو به من کرد و گفت: سؤال نکردی چرا این کار را کردم! گفتم: بگو منظورت چه بود؟ گفت: این همان کاری بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام داد، هنگامی که خدمتش زیر درختی نشسته بودم. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) این سؤال را از من کرد و گفت: سلمان نمی پرسی چرا چنین کردم؟ من عرض کردم بفرمائید چرا؟ فرمود: "إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا تَوَضَّأَ فَحَسَنَ الْوَضُوءَ

۱. "و انها لتحت الذنوب حت الورق، و تطلقها اطلاق الربق، و شبهها رسول الله (صلی الله علیه و آله) بالحمة تكون علي باب الرجل، فهو يغتسل منها في اليوم و الليلة خمس مرات، فما عسي ان يبقی عليه من الدرن (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹).
۲. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): "أَنَّ الصَّلَاةَ إِذَا كَفَّارَةٌ مَا بَيْنَهُمَا مَا اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ؛ نمازی تا نمازی كفاره ما بین آنهاست مادام که اجتناب کرده شود کبائر (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۱۹).



ثم صلی الصلوات الخمس تحات خطایه كما تحات هذا الورق ثم قرء هذه الآية و أقم الصلاة...^۱؛ هنگامی که مسلمان وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد، سپس نمازهای پنج گانه را اقامه نماید، گناهان او فرو می ریزد؛ همان گونه که برگهای این شاخه فرو ریخت. سپس این آیه را تلاوت فرمود: "نماز را در دو طرف روز و اوایل شب برپا دار، زیرا نیکی ها، گناهان را برطرف می سازند."^۲

۶. درمان حرص و طمع

حرص و طمع یکی از صفات بسیار ناپسند اخلاقی است. حرص حیا را نابود می کند^۳ و مروت را از بین می برد.^۴ هر چه حرص در انسان فزونی یابد، شقاوت انسان بیشتر^۵ و ارزشش کمتر می شود.^۶ کثرت حرص ملازم کاهش یقین است^۷ و نهایتاً، زمینه ساز نابودی انسان است.^۸ رذالت حرص تا آنجا است که در

۱. هود: ۱۱۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۶۸.

۳. "لَا حَيَاءَ لِحَرِيصٍ" (عبدالواحد تمیمی در آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۹۵).

۴. "الْحَرِصُ يُزِي بِالْمَرْوَةِ" (همان، ص ۲۹۵).

۵. "مَنْ كَثُرَ حِرْصُهُ كَثُرَ شَقَاؤُهُ" (همان، ص ۲۹۵).

۶. "مَنْ كَثُرَ حِرْصُهُ ذَلَّ قَدْرُهُ" (همان، ص ۲۹۵).

۷. "مَنْ كَثُرَ حِرْصُهُ قَلَّ يَقِينُهُ" (همان، ص ۲۹۵).

۸. "رُبَّ حَرِيصٍ قَتَلَهُ حِرْصُهُ" (همان، ص ۳۹۴).



روایات خاستگاه بسیاری از عیوب، گزری‌ها و کج‌رفتاری‌ها معرفی شده است.^۱

نماز می‌تواند انسان را از آفت‌های این صفت ناپسند اخلاقی در امان نگه دارد. براساس آیات ۱۹ - ۲۵ سوره معارج، نمازگزار حقیقی هنگام خیر کوتاهی نمی‌کند و به مال دنیا دل‌بسته نیست. او از مال و دارایی برای کمک به فقیران و مستمندان و بینوایان استفاده می‌کند.^۲ مفهوم آیات فوق این است که میان نماز و نداشتن تعلق چندانی به دنیا و کمک و خیر رسانی ارتباط معنا دار وجود دارد. اینکه در آیات فوق، تعاون و همکاری صفت نمازگزار ذکر شده است، حاکی از این است که نماز در ایجاد، رشد و تثبیت روحیه همکاری و همیاری و نیز در رفع حرص و طمع و علاقه به دنیا نقش دارد.

۷. تربیت روحیه حق‌شناسی

انسان عاقل، حق‌شناس است. عقل از ما می‌خواهد که صاحبان حق را بشناسیم. آنها را فراموش نکنیم و حقوق صاحبان حق را رعایت کنیم. نماز یادآور برترین حقدار هستی است. او که همه

۱. "الْحَرَضُ مُوقِعٌ فِي كَثِيرِ الْعُيُوبِ" (همان، ۲۹۵).

۲. "إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا* إِلَّا الْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ* لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ" (معارج: ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴ و ۲۵).



چیز ما از اوست. او که منشأ همه حقوق است. اگر حق او را شناختیم تکلیف خود را نیز خواهیم شناخت چرا که حق و تکلیف دو مفهوم پیوسته به هم هستند. هر جا سخن از حق است سخن از نوعی تکلیف هم هست. اگر استاد بر شاگرد حق دارد. شاگرد نسبت به او تکلیف دارد. اگر خدا منشأ همه حقوق است، پس او نیز منشأ همه تکالیف است. هر چه حقوق او بر ما بیشتر، تکلیف ما در برابر او سنگین‌تر است. هر اندازه درک ما از حق خدا فزون‌تر شود فهم ما از تکلیف نسبت به او باید افزونی یابد. نماز یادآور حقوق الهی بر ماست. اگر او خالق هستی و رب‌العالمین است پس باید او را سپاسگزار باشیم (أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ). اگر او رحمان و رحیم است (الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ)، اگر او نه تنها در این جهان بلکه در آخرت نیز مالک و قادر مطلق است (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)، پس باید به‌درستی از او پیروی کنیم و او را پشتوانه اصلی همه مدد‌ها بدانیم (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ).

۸. تقویت روحیه شکرگزاری

انسان عاقل شاکر است. عقل از ما می‌خواهد که از نعمت دهندگان شکرگزاری کنیم. ما در طول شبانه‌روز به دلیل توجه به واسطه‌ها و امور محسوس و مادی، در معرض غفلت شدید از منشأ اصلی نعمت‌ها هستیم. نماز ما را به منبع اولیه نعمت‌ها و



بلکه مهمترین و برترین عطا کننده‌ها متوجه می‌سازد و به شکرگزاری تشویق می‌کند.

۹. درمان کبر و غرور

تکبر، یکی از صفات رذیله اخلاقی است که مهم‌ترین مانع رسیدن به سعادت و عامل سقوط در دره شقاوت است. شیطان با همین رذیله از دستور خداوند سرکشی کرد؛ راه تَمَرَد در پیش گرفت و فرمان خداوند در امر به سجده بر حضرت آدم را انجام نداد.^۱ یکی از مهم‌ترین آثار تربیتی نماز، رام کردن نفس سرکش و از میان بردن روح غرور و خودبینی و تکبر در انسان است. نماز می‌تواند این سد راه تکامل را بشکند و طغیان آتشفشان غرور را فرو نشاند. کسی که آگاهانه در هر شبانه‌روز و در هر هفده رکعت دو بار پیشانی بر خاک گذارد به تدریج به ضعف خود پی می‌برد، و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند؛ بلکه صفری در برابر بی‌نهایت. از آنجا که کبر ریشه همه صفات ناپسند و موجب سقوط انسان و باعث تسلیم نشدن در برابر فرمان الهی است، پاکی از این صفت زشت، موجب رشد و

۱. "وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ" (بقره: ۳۴)؛ و " فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ" (ص: ۷۳ و ۷۴).



تکامل روح انسان است. در همین رابطه حضرت زهرا علیها السلام فرموده‌اند: دستور خداوند به انجام نماز برای پاک‌سازی از کبر و غرور است.^۱ امیر مومنان علیه السلام نیز میان ایمان و نماز مقایسه نموده، نقش ایمان را تطهیر باطنی و نقش نماز را پاک‌سازی از کبر و غرور ذکر نموده‌اند.^۲ حضرت ثامن الائمه علیه السلام نیز در باب ذکر فرموده‌اند:

"مداومت بر ذکر خداوند، سبب می‌شود که انسان روح سرکشی و طغیانگری بر او غلبه نکند. باعث نهایت خضوع و نهایت تواضع و دوری از کبر و غرور می‌گردد."^۳

غرور یعنی خودبزرگ‌بینی که منشأ آن، ندیدن عیوب خود و بزرگ‌تر از خود است. انسان کم‌سواد در بین بی‌سوادان احساس غرور دارد. اگر نماز با طمأنینه انجام شود و به معانی عبارات توجه شود هر دو عامل، غرور را رفع می‌کند. یعنی هم ما را متوجه عیوب خود می‌سازد و هم بزرگ‌ترین موجود را در دل ما حاضر می‌سازد.

۱. حضرت فاطمه علیها السلام: "[جعل الله] الصلوة تنزيها لكم عن الكبر" (محسن الامين حسييني عاملي، عيان الشيعة، جلد ۱، ص ۳۱۶).
 ۲. حضرت علي علیه السلام: "فَرَضَ اللهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهاً عَنِ الْكِبْرِ" (سيد رضی، نهج البلاغة، حکمت ۲۵۲، ص ۵۱۲).
 ۳. حر عاملي، وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴.



فصل پنجم: آثار زیستی - بهداشتی

نماز افزون بر آثار معنوی و ملکوتی، ثمرات بهداشتی نیز دارد.

بهداشت، سلامتی و طول عمر

نماز و مقدمات نماز نقش اساسی در بهداشت جسمانی دارد. نمازگزار طی چند مرتبه در روز وضو می‌گیرد و این نوع شستشو آثار بهداشتی به دنبال دارد. مضمضه و استنشاق که در وضو تأکید شده است، در سلامت مؤثر است. بر اساس نظر تومانیان^۱ آلودگی بینی به سردرد و کمی بینایی منجر می‌شود. برای دفع این مشکل بهترین شیوه شستشوی مداوم بینی با آب سرد است. استنشاق نمازگزار را از مبتلا شدن به امراضی چون سل و آسم و امراض ریوی و زکام، مصون داشته و تعادل عصبی حالت نشاط، تعادل و فرح ایجاد می‌نماید.^۱

امام رضا علیه السلام طول عمر را از جمله فوائد نماز شب بر می‌شمارد.^۲

۱. رحیم کارگر محمد یاری، نماز از دیدگاه دانشمندان دنیا، ص ۵۳ - ۵۴.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۵۸.



پرسشنامه

۱. نماز چگونه ادب عبودیت را به ارمقان می‌آورد؟
۲. اثرات ایهت یافتن خداوند در دل چیست؟
۳. دو اثر نماز در رابطه با گناهان گذشته و آینده را توضیح دهید.
۴. نماز چگونه کبر و غرور را درمان می‌کند؟



تأثیر نماز در مطالعات پزشکی - درمانی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. گروهی از ارتوپدها در کشورهای اسلامی اذعان نموده‌اند که بهبودی زخم‌های ناشی از عمل جراحی و شکستگی استخوان‌ها در افراد نمازگزار سریع‌تر از دیگران حاصل می‌شود. دکتر شفیق الذیات جراح مغز و اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بصره به بیماران خود ۴۸ ساعت پس از عمل جراحی دیسک کمر اجازه انجام نماز می‌دهد. او پس از مطالعه چهل بیمار ثابت کرده است که نتیجه آن بهتر از فیزیوتراپی معمولی بوده است.^۱

در هر صورت، اصل نماز برای ایجاد معنویت و رسیدن انسان‌ها به کمالات معنوی است؛ در عین حال برکات بهداشتی نیز دارد. آثار بهداشتی و درمانی نماز، غسل، وضو و تیمم نیازمند مطالعات دقیق پزشکی است. محققان این عرصه تأثیر اعمال، مقدمات و شرایط نماز را در سلامت جسم و روان تا حدودی مطالعه کرده و از این راه منابع عظیم قرآنی و روایی ناظر به نماز را تفسیر و تبیین نموده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت توصیه‌های تطهیری مقدماتی برای نماز نظیر تطهیر از نجاسات، یا انجام غسل و وضو و کیفیت پیشنهادی اسلام برای آنها می‌تواند آثار بهداشتی فراوانی در پی داشته باشد.

۱. م ترکمن. نماز و دانشجو، ص ۱۲۸.



پرسشنامه

نماز چگونه کارکرد تضمینی برای پاکیزگی و سلامت دارد؟



مقدمه

برخی نگاهشان این است که نماز تنها یک کنش فردی است که با انجام اعمال خاصی ارتباط انسان با خداوند را تحکیم می‌نماید؛ اما باید گفت که هرچند در بعد فردی نماز جای هیچ تردیدی نیست؛ ولی شواهد قرآنی و روایی حاکی از آن است که در دین اسلام نماز بیش از همه، یک رفتار جمعی و یا یک امر اجتماعی تلقی شده است. بهترین شاهد برای اینکه نماز یک امر اجتماعی است نه شخصی، تعبیر "اقامه" است. در آیات بسیاری برای امر به نماز یا توصیف عمل مناسکی مسلمانان از واژگان "أقام"، "یقیمون"، "یقیموا"، "أقاموا"، "مقیم" استفاده شده است. به اذعان مفسران و علمای لغت "اقامه نماز" به معنای صرف یک عمل جوارحی (خواندن نماز) نیست؛ بلکه به معنای "برپاکردن" و "برپا نگهداشتن" نماز است.^۱ برپایی نماز به این

۱. بر اساس قاعدة "تعرف الاشياء باضدادها"، هر چیزی را به وسیله ضد آن می‌توان شناخت "برای دستیابی به درکی روشن و شناختی متقن از این مفهوم، به تعریف "قعد" اشاره می‌شود که مقابل "قوم" است. وقتی شخصی را وادار به انجام کاری می‌کنند و او از روی بی‌میلی، سستی و کاهلی به انجام آن کار مشغول می‌شود، ←

بخش دوم

آثار اجتماعی نماز



- ✓ نماز و روابط خانوادگی
- ✓ نماز و جامعه
- ✓ نماز و فرهنگ
- ✓ نماز و سیاست
- ✓ نماز و اقتصاد



معنا است که موقعیت نماز به منزله یک نماد فرهنگی در جامعه اسلامی حفظ گردد.

مقام معظم رهبری در تفسیر "الذین يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون"^۲ می فرماید:

"و یقیمون الصلوة"؛ و نماز را بپا می دارند. یادداشتن نماز غیر از گزاردن نماز است. متأسفانه در بعضی از ترجمه‌ها مشاهده می‌شود می‌نویسند "و نماز می‌گزارند"؛ در حالی که نماز گزاردن در عربی می‌شود "یصلون" و "یقیمون الصلوة" یعنی نماز را بپا می‌دارند؛ پس "به‌پا داشتن نماز" چیزی بیش از گزاردن نماز است؛ که البته نماز گزاردن را هم شامل می‌شود؛ یعنی اگر شما بخواهید جزو "نماز بپادارندگان"

→

سبب بیگانگی از کار و کم اثر نمودن و برپا نشدن آن می‌گردد، در زبان عرب برای چنین شخصی تعبیر "قعد عن الامر" به‌کار می‌رود؛ اما وقتی فردی را برای کاری مأمور می‌کنند و آن نیز به بهترین شکل آن را انجام می‌دهد و رونق عمل او باعث گرمی حرفه می‌شود درباره او در عرب تعبیر "فلان اقام الامر" به‌کار می‌رود و این تعبیر یعنی آن شخص کار را پابرجا کرد و رونق داده است (محمدبن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ص ۴۸).

۱. مرحوم طبرسی در ذیل آیه سوم سوره مبارکه بقره اشاره می‌نماید که مراد از اقامه نماز حفظ نماز و استمرار بر آن است (ر.ک. شیخ طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۴).

۲. بقره: ۳.



باشید نمی‌توانید نماز گزاردن را ترک کنید. به‌پاداشتن نماز، یعنی در محیط و در جامعه این واجب و این حقیقت لطیف را به‌وجود آوردن و محیط را محیط نماز کردن و دیگری را به نماز دعوت کردن و نماز را با توجه ادا کردن، و مفاهیم نماز را در زندگی تحقق بخشیدن است. مفهوم اصلی نماز عبارت است از: خضوع انسان در مقابل پروردگار و عمل انسان به فرمان پروردگار. این آن عنصر اصلی نماز است که در حاشیه‌اش هم چیزهای دیگری وجود دارد.^۱

علاوه بر این، سیره پیامبر بر جماعت خواندن نماز^۲ و احادیثی که نماز را نماد و پرچم اسلام معرفی کرده،^۳ همچنین تعبیر "ایاک نعبد و ایاک نستعین" حاکی از این است که بنای اسلام در انجام نماز، جمعی بودن و جماعت خواندن است.^۴ بنابراین، تأکید

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه هشتم تفسیر سوره بقره،

<http://farsi.khamenei.ir>

۲. در سیره پیامبرگرامی اسلام ﷺ آمده است که حضرت ﷺ به شخصی- نابینا دستور دادند که ریسمانی به در منزل و دیوار مسجد ببندد و از طریق آن به مسجد بیاید و نماز را به جماعت بخوانند. این فرمایش پیامبر گویای اهمیت ویژه نماز در مسجد و با جماعت است.

۳. "الصَّلَاةُ عَلَمُ الْإِسْلَامِ وَ قَوَامُ الدِّينِ" (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۱۴۶).

۴. مرحوم طالقانی رحمته الله علیه در ذیل فراز "ایاک نعبد و ایاک نستعین"؛ ما - نه من - تو را عبادت می‌کنیم و ما از تو استعانت می‌طلبیم؛ اشاره می‌نماید که ضمیر جمع (متکلم مع الغیر) گویا برای نشان دادن این امر است که در برداشتن این موانع و جستن از

←



بر اقامه نمازهای واجب به جماعت، گویای این حقیقت است که نماز فقط یک نیایش فردی نیست؛ بلکه مناسکی است که در آن رفتار هماهنگ و نظام‌مند مسلمانان با آهنگ و سبک واحد و در جهت واحد انجام می‌پذیرد.



فصل اول:

نماز و خانواده

نماز در تربیت اسلامی خانواده و تحقق سبک زندگی اسلامی نقش شگرف و محوری دارد. در ادامه به بررسی سه اثر مهم اقامه نماز بر خانواده و اهل آن، خواهیم پرداخت.

۱. برنامه‌ریزی و تدبیر منزل

مدیریت و برنامه‌ریزی، نقش مهمی در سلامت زندگی خانوادگی دارد. مهم‌ترین عنصر در مدیریت و برنامه‌ریزی خانوادگی زمانبندی کارها و برنامه‌ها است. انجام کارهای منزل، عبادت، تفریح، مهمانی رفتن، دعوت کردن دیگران، نظافت و بهداشت هر کدام نیازمند زمان مخصوص به خود است. زمانبندی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت انسان‌ها و جوامع بشری است. برنامه‌ریزی‌های شخصی و اجتماعی بدون سنجیدن زمان و شناسایی اوقات مناسب هر کار، به ثمر نمی‌رسد. اگر زمان انجام هر کاری، مناسب آن باشد، آن کار با موفقیت روبه‌رو خواهد شد و اگر زودتر یا دیرتر از زمان خاص آن باشد، دیگر آن اثر و نتیجه

→

این بندها می‌بایست حرکت با نیروی اجتماع باشد؛ زیرا مجموع مرکب قدرت چند تن بیش از حاصل جمع قدرت فرد فرد همان چند تن است. یا بگو با تصاعد هندسی، مجموع نیروها بالا می‌رود؛ مانند قوانین جاذبه و حرکت و سرعت. افزایش مضاعف ثواب جماعت به حسب افزایش عدد افراد روی همین قاعده است، به همین جهت اصل تشریح نمازهای یومیه به جماعت بوده و فرادی رخصت است (ر.ک. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۳۲).



واقعی را نخواهد داشت. اسلام برای نیل انسان‌ها به رشد و تعالی و برخوردار شدن آنان از پیشرفتِ همیشگی مادی و معنوی اهمیت بسیاری برای مسئله وقت در عبادات قائل شده است. نظم در عبادت می‌تواند مشوق افراد به رعایت نظم و کسب مهارت وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی زمانمند باشد. طبق تعبیر قرآن "نماز وظیفه‌ای برنامه‌ریزی شده و زمانمند است".^۱ نماز به علت اینکه در زمان‌های خاصی انجام می‌شود و شرایط و ملاحظات خاصی را می‌طلبد، روحیه نظم را در انسان به وجود می‌آورد. همچنین این امکان را تقویت می‌کند که انسان در تمام شئون زندگی، نظم و انضباط را رعایت کند. نقش نماز در عادت‌وارگی نظم و انضباط بسیار حایز توجه است. خداوند از ما خواسته است که نماز را با تمام شرایط و اجزا در زمان و مکان خاصی و به شکلی ویژه انجام دهیم و از این راه هرچند کوتاه مدت، نظم و انضباط را با جان و دل لمس کنیم. به همین جهت پیامبر اسلام ﷺ بر هماهنگی و نظم صفوف نماز بسیار تأکید می‌ورزیدند؛ تا جایی که نظم صفوف را مکمل نماز می‌دانستند.^۲

۱. "فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا" (نساء: ۱۰۳).

۲. رسول خدا ﷺ: "سَوَّوْ صُفُوفَكُمْ فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ تَمَامُ الصَّلَاةِ"; صف‌های نماز جماعت را منظم کنید که منظم کردن صف‌ها، کامل کننده نماز است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۰).



نظم و ترتیب در نماز جماعت و هماهنگی نمازگزاران در قول و فعل [و ترتیب و توالی انجام مقدمات، شرایط و اعمال نماز] مقدمه نهادینه‌سازی نظمی است که نمازگزاران در زندگی بدان نیاز دارند و لازم است در طی زندگی با آن انس بگیرند. به تعبیر دیگر نماز یک فرایند جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی نظم و انضباط در زندگی است. افراد از راه مداومت و تکرار نظم یافته تکالیف، اولویت‌بندی و هماهنگی کارها به این مهارت زندگی دست می‌یابند که بتواند در سایر شئون زندگی نظم و انضباط را سرلوحه کارهای خود قرار دهد و از بی‌برنامه‌گی و بی‌نظمی در زندگی بپرهیزند.

بنابراین، از پیام‌های نماز، به ویژه انجام نماز یومیه در اول وقت، رعایت نظم در عبادت است. سایر موارد مانند نماز جمعه و نمازهای مخصوص اعیاد نیز هرکدام دارای زمان‌های از قبل تعیین شده هستند. رعایت نظم در عبادت تا حدودی مستلزم نظم دهی به سایر امور زندگی است. اگر قرار است که صبح و ظهر و شب در اول وقت نماز بخوانم پس کار کردن و غذا خوردن و استراحت نیز باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که با نظم اوقات نماز هماهنگ باشد. بی‌نظمی در خواب شب مستلزم از دست دادن نماز اول وقت صبح و حتی قضا شدن آن است. با تنظیم امور زندگی بر اساس اوقات نماز نظم بیشتری بر زندگی



حاکم خواهد گردید. چه زیبا است اگر برنامه‌های زندگی اعم از کارها، تغذیه، خواب و بیداری، نظافت، درس و کارهای فرزندان، رفت و آمدها و تفریح و اوقات فراغت - به جای اینکه با برنامه‌های تلویزیونی و یا عادت‌واره‌های روزمره تنظیم شود - با نماز هماهنگ گردد؛ تا از برکات نماز وقت بهره‌مند شویم. چه نیکوست که به اقتضای رعایت اوقات نماز، صبح‌هنگام، با انجام فریضه صبح برنامه خواب به پایان برسد و امور و کارهای مربوط به منزل و بیرون از منزل شروع شود. سپس با فرارسیدن نماز ظهر و عصر برنامه‌های کاری تعطیل و صرف ناهار و استراحت نیمروزی انجام شود. بعد آن شیفت دوم کاری شروع و هنگام نماز مغرب و عشا خاتمه یابد و بعد از خواندن نماز عشا برنامه‌ها را به پایان رسانده، زمان خواب قرار داده شود.

در فضای بروکراتیک امروزی سخن از برنامه‌ریزی کاری بر اساس نمازهای یومیه اندکی سخت و ناممکن جلوه می‌کند؛ اما در جامعه‌ای که قرار است "سبک زندگی اسلامی" در آن حاکم باشد شایسته است که کارخانه‌ها، مراکز تولیدی، مراکز فرهنگی و صدا و سیما برنامه‌های خود را با نماز هماهنگ کنند. دامنه زمانی نمازهای یومیه این امکان را به برنامه‌ریزان اجتماعی می‌دهد که در صورت همسوسازی برنامه‌ها با نماز اختلالی در بازدهی و فرایند کاری ایجاد نشود. البته این تنها یک توصیه



اخلاقی نیست؛ بلکه وظیفه مدیران در جامعه اسلامی است. در باب این رسالت، مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

"در همه اجتماعات با فرا رسیدن وقت نماز، نماز به پاداشته شود و اجتماعاتی که به علت انبوهی آن یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه زمانبندی آنها جوری تنظیم شود که با وقت نماز تصادف پیدا نکند.^۱ مردم، هر زمین پاکیزه و مناسبی را به هنگام درآمدن وقت نماز، مسجد به-شمار آورند و در آن به نماز بایستند.^۲ مراعات نشدن وقت نماز در وسائل مسافرت‌های دور دست... و هر کمبود دیگری از این قبیل، نقاط ضعفی است که باید همت‌های بلند بر زدودن آن برانگیخته شود و نشانه ایمان صاحبان تمکن یعنی "اقامه نماز"، در جامعه اسلامی ما روز به‌روز نمایان‌تر گردد."^۳

متأسفانه، امروزه یکی از آسیب‌های خانواده‌ها بی‌برنامه‌ای یا بدبرنامه‌ای است. والدین به دلیل سهل‌انگاری تا دیر وقت به تماشای برنامه‌های ورزشی و فیلم‌های و سریال‌های می‌نشینند

۱. پیام مقام معظم رهبری به ششمین اجلاس نماز ۱۳۷۵/۶/۳۱،

<http://farsi.khamenei>

۲. پیام مقام معظم رهبری به سومین اجلاس نماز ۱۳۷۲/۶/۱۶، همان.

۳. پیام مقام معظم رهبری به سومین اجلاس نماز ۱۳۹۲/۶/۱۱، همان.



و بعضاً فرزندان نیز همراهی می‌کنند. همین امر سبب می‌شود که نماز اول وقت صبح ترک شود و حتی به نماز دیر وقت و عجلانه هم نرسند. نیز، والدین نتوانند به موقع صبحانه صرف کنند. چه بسا پدر یا مادر و فرزندان بدون تغذیه مناسب و آرامش لازم، خانه را ترک کنند و به درس و کار بیرونی مشغول شوند. این امر علاوه بر آسیب‌های جسمانی آسیب‌های تربیتی زیادی نیز به همراه دارد. بسیاری از خانواده‌ها فاصله‌های تغذیه و استراحت‌های روزانه‌اشان بسیار ناهماهنگ است. فاصله صبحانه و ناهار به علت صبحانه دیر وقت به حداقل ممکن و فاصله ناهار و شام به علت فعالیت‌های دیر هنگام و تماشای برنامه‌های تلویزیون و تهیه دیر وقت شام به حداکثر ممکن می‌رسد. چیزی که در درازمدت زیان‌های جبران‌ناپذیر بر خانواده به‌جای خواهد گذاشت.

اما در خانواده نمازخوان، والدین و فرزندان تا دیر وقت به تماشای تلویزیون نمی‌نشینند و صبح تا نیمه‌های ظهر نمی‌خوابند و برنامه‌های تغذیه، خواب و بیداری و سایر امور، بر اساس نماز و به‌موقع انجام می‌شود.

غیر از نمازهای یومیه، نمازهای دیگر همچون جمعه و اعیاد نیز نقش مهمی در مدیریت زندگی دارد. تعطیلی فعالیت‌های



اقتصادی هنگام نماز جمعه^۱ توصیه به بهداشت و نظافت قبل از رفتن به نمازهای جمعه و عید^۲ و پوشیدن لباس‌های نو و دیدن بازدید در روزهای ذکر شده^۳ بر این مهم دلالت دارد که در سبک اسلامی زندگی، امور زندگی، بهداشت و نظافت، دید و بازدید و دیگر برنامه‌ها، با دستورات شرعی و امور عبادی هماهنگ می‌شوند.

۲. تنظیم روابط خویشاوندی

در دین اسلام از نماز برای تنظیم و بهبودی روابط خانوادگی و خویشاوندی نیز بهره برده شده است. هرچند خود نماز به لحاظ اینکه روحیه عطف و مهربانی را در انسان تقویت می‌کند، سبب بهبود برخورد با خویشاوندان و خانواده می‌گردد؛ اما گذشته از این، آیات و روایات، قبولی عبادات و نمازهای افراد را به

۱. در سوره جمعه خداوند به مؤمنین دستور داده است که هنگام نماز جمعه از داد و ستد و خرید و فروش و کارهای دنیوی دست کشند و به ذکر خداوند روی آورند. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ دَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ"; ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر است (جمعه: ۹).

۲. ر.ک. امام خمینی رحمته‌الله، توضیح المسائل، ذیل باب غسل‌های مستحب، ص ۱۴۴ - ۱۴۵ و همچنین ص ۱۴۴.

۳. ر.ک. شهید ثانی، التنبیهاث العلیه علی الوظایف الصلاة القلییه، ص ۱۸۳ - ۱۸۷.



بهبودی روابط با خویشاوندان مشروط نموده است. به تعبیر دیگر، خداوند، از یک عمل عبادی معنوی در جهت بهبود اوضاع اجتماعی استفاده کرده است. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است:

"کسی که زنی دارد و آن را اذیت و آزار می‌دهد، خداوند نمازها و دیگر رفتار حسنه‌اش را قبول نمی‌کند... و مردان نیز حکم زنان را دارند [یعنی؛ اگر زنی شوهرش را بیازارد نمازها و رفتار حسنه‌اش مورد قبول درگاه الهی نمی‌شود]"^۱

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام به همین اصل تأکید شده است که شرط قبولی نماز برخورد درست و اصلاح شده با والدین است. حضرت علیه السلام در این حدیث فرموده‌اند:

"هر کس به پدر و مادر خود که به وی ستم کرده‌اند با چشم بغض و کینه نگاه کند، نمازش در پیشگاه الهی مقبول واقع نمی‌شود."^۲

۱. "مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَتَهُ مِنْ عَمَلِهَا - حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ - وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ وَ عَلَيْهِ وَ آله - وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَ الْعَدَابِ - إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا". (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳ ص ۳۶۳)

۲. "مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظَرَ مَاقَاتٍ وَ هُمَا لَهُ ظَالِمَانِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ صَلَاةً". (حسن ابن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، جلد ۱، ص ۱۷۹)



از آنجا که نمازگزار در صدد است که زحماتی که روزی پنج مرتبه صورت می‌گیرد، در نزد خداوند قبول گردد؛ خداوند این انگیزه روانشناختی را ضمانت اجرایی برای بهبود روابط اجتماعی قرار داده است و از راه آن، بهبودی برخورد فرد با خانواده و والدین را تضمین نموده است. بنابراین، انسان مؤمن آگاه که در اندیشه قبولی نماز خود است و نمی‌خواهد زحمات عبادی‌اش زائل گردد روابط اجتماعی خود را نیز اصلاح نموده و بهبود می‌بخشد. بدین سان است که نماز می‌تواند روابط اجتماعی را ترمیم و تقویت کند.

۳. حفظ هویت دینی

اگر والدین خود اهل نماز نباشند یا به نمازگزاردن فرزندان بی‌توجه باشند، به‌سادگی هویت اسلامی در آن خانواده به تضعیف می‌گراید. در نقطه مقابل، نمازگزاردن اعضای خانواده به حفظ هویت دینی آنان حتی در شرایط سخت گناه‌آلود و در محیط کفر نیز کمک می‌کند. یکی از محققین مسیحی در جلسه‌ای در کانادا (در دانشگاه کونکوردیا در شهر مونترال) که نگارنده نیز حضور داشت، عمل به مناسک دینی در اسلام را پشتوانه حفظ ارزش‌ها و هویت دینی خانواده‌های مسلمان می‌دانست. او از اینکه مسیحیت این نقطه قوت را نداشت افسوس می‌خورد و در



باب مسلمانان مقید به عمل به مناسک دینی می‌گفت: اینها با عمل به این مناسک و عبادات توانسته‌اند هویت اسلامی خود و خانواده خویش را در محیط غیر اسلامی حفظ کنند.

پرسشنامه

۱. کلمه "اقامه" چگونه بیان‌کننده بعد اجتماعی نماز است؟
۲. نقش نماز در برنامه‌مند شدن زندگی نمازگزاران را به اختصار توضیح دهید.
۳. کارکرد نماز بر روابط خویشاوندی چیست؟
۴. کارکرد تقید والدین به نماز در خانواده چیست؟



فصل دوم: نماز و جامعه

به خلاف تصور برخی که نماز را امری فردی تلقی می‌کنند، این آموزه الهی برکات اجتماعی گسترده‌ای دارد که مورد غفلت است. چنانچه در مقدمه این بخش بیان شد، واژه "اقامه" به این جایگاه اجتماعی نماز اشاره دارد. فصل حاضر تبیین ابعاد این اثر را پی می‌گیرد.

۱. کاهش جرائم و کجروی و تقویت کنترل اجتماعی

جرم و کجروی به معنای "شکستن ضوابط و مقررات اجتماعی"^۱ و "ناهمنوایی رفتاری با مجموعه هنجارهای مورد قبول تعداد قابل توجهی از مردم جامعه"^۲ است که با مخالفت انتظارات جامعه، عادی نبودن، حساسیت آفرینی، ضد ارزش

۱. حمید عضدانلو، آشنایی با مفاهیم جامعه‌شناسی، ص ۶۳.

۲. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۲۹۴.



بودن، آسیب‌رسانی و واکنش آفرینی شناخته می‌شود.^۱ "کنترل اجتماعی" به مجموعه شیوه‌ها، تدابیر و وسائلی اطلاق می‌شود که یک جامعه یا یک گروه با استفاده از آن اعضای خود را به رعایت قواعد، هنجارها و آداب و شعائر پذیرفته شده خود وا می‌دارد.^۲ تدابیر مورد نظر در "کنترل اجتماعی" در قالب عوامل مادی و محسوس و یا نمادین و نامحسوس در اختیار جامعه قرار می‌گیرد تا برای هم‌نوایی افراد جامعه با اصول و مقررات اجتماعی مورد استفاده قرار بگیرد.^۳

یکی از اساسی‌ترین آثار اجتماعی نماز که در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته، کاهش جرائم و ایجاد مکانیسم کنترلی است. در آیه ۴۵ سوره مبارکه عنکبوت این امر به صراحت بیان شده است که نماز، افراد جامعه را از فحشا و منکرات باز می‌دارد.^۴ در سوره هود به صورت دیگری نقش کنترلی نماز به تصویر کشیده شده است. در این سوره نماز از حسنات برشمرده شده و نقش آن از بین بردن بدی‌ها و آثار آن ذکر شده است.

"أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ

۱. ر.ک. علی سلیمی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۶۹-۷۳.

۲. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۳۴۸.

۳. هدایت الله ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۴. "أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ" (عنکبوت: ۴۵).



ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّكِرِينَ^۱!

در دو طرف روز و اوایل شب نماز را برپا دارید. به درستی که حسنات، سیئات و بدرفتاری‌ها را از بین می‌برد و این پندی است برای پندگیرندگان.

بدین ترتیب نقش نماز در جلوگیری از خطاهای بعدی، می‌تواند با واسطه پذیرفته شود؛ زیرا از بین رفتن گناهان قبلی، قلب را آماده گرایشات معنوی و هدایت رفتار در مسیر خواست خدا و ترک خطاها می‌کند. در اینکه نماز سبب جلوگیری از فساد و منکرات و جرائم فردی و اجتماعی می‌شود، تمام مفسران و حدیث‌پژوهان اتفاق نظر دارند. علاوه بر شواهد دینی شواهد مطالعات علمی و تجربی نیز این مسئله را تأیید می‌کند.

بر اساس مطالعه ایوانز تی دیوید جامعه‌شناس و دین‌پژوه در تحقیقی با عنوان "رابطه مجدد دین و جرم"، حضور در مراسم مذهبی و انجام مناسک دینی کنترل کننده است.^۲ در این تحقیق و نیز تحقیق دیگری که رادنی استارک و سیمز بن بریج با عنوان "دین کج‌روی و کنترل اجتماعی" به انجام رسانیده است، این اصل کنترلی به دست آمده است که انجام اعمال

۱. هود: ۴۵.

۲. ایوانز تی دیوید، بررسی مجدد رابطه دین و جرم، ترجمه علی سلیمی، ص ۱۴۲-۱۷۸.



دینی و مناسک و آیین‌های مذهبی بازدارنده، کنترل کننده و هموناساز است.^۱ بحث اساسی‌تر این است که نماز به منزله یک آیین مذهبی با چه مکانیسمی در جامعه نقش کنترلی ایفا می‌کند و سبب صلاح و سلامت جامعه می‌شود؟

از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که نماز به چند صورت کاهش جرائم و کج‌روی را در جامعه به ارمغان می‌آورد:

۱.۱. مکاتیبم حیا

"حیا" به معنای دور نگهداشتن نفس از بدی‌ها^۲ و وادار نمودن خود به ترس از انجام کارهای زشت و دوری از مذمت و ملامت،^۳ از کارکردهای مهم نماز حساب شده است. امیرمؤمنان (علیه السلام) در اینباره می‌فرمایند: "کسی که به مسجد برود یکی از هشت اثر و فایده نصیب او می‌شود... [سپس حضرت یکی از فوائد مذکور را چنین بیان می‌فرماید.] او گناهی را از روی خشیت یا حیا ترک می‌کند."^۴

بر اساس این روایت شریف رفتن به مسجد که نوعاً برای

۱. رادنی استارک، ویلیام سیمز بن بریج، دین کج‌روی و کنترل اجتماعی، ص ۱۷۳.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۷۰.

۳. علامه حلی، الالفین، ص ۱۵۹.

۴. "من اِخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِخْدَى الثَّمَانِ... أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً" (شیخ

صدوق، الأمالی، ص ۳۸۹).



برپایی نماز جماعت و انجام امور مذهبی است، سبب می‌شود که افراد از گناه و منکرات بازداشته شوند. چگونگی تأثیر مسجد در ایجاد حیا با مراد و شناخته‌شدن افراد پیوند وثیق دارد.

به علت درهم تنیدگی جماعت، ارتباط با دیگران در مسجد و حیا است که در برخی روایات تأکید شده است که نماز جماعت و یا نماز در مسجد عامل کنترل می‌شود. این ارتباط سبب حیای مؤمنان از یکدیگر می‌شود و حیا خود عاملی بازدارنده از ارتکاب جرایم است.

روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که ایشان در تبیین آثار نماز جماعت، فرموده‌اند: "نماز جماعت، سبب اقرار به اسلام و مراقبت و کنترل و دوری از گناهان و معاصی می‌شود." ^۱ از طرفی در احادیثی دیگر تصریح شده است که "حیا بازدارنده از

۱. امام صادق علیه السلام: "فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ قِيْلَ لِأَنَّ... لِيَكُونَ الْمُتَأَفِّقُ وَ الْمُسْتَحْفِظُ مُؤَدِّيًّا لِمَا أَقَرَّ بِهِ يَظَاهِرُ الْإِسْلَامَ وَ الْمُرَاقَبَةَ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ الرَّجْرِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ"; اگر گفته شود که چرا نماز جماعت وضع شد، گفته می‌شود: زیرا... جریان‌ات منافق داخلی و همچنین مسلمانان سهل‌انگار و ضعیف‌الایمانی که نماز و احکام شرعی را سبک می‌شمارند با برپایی نمازهای جماعت، تکلیف و موضعشان مشخص شود و دیگر این‌گونه نباشد که عده‌ای ادعای اسلامیت کنند ولی در عمل، تعبدی به شعائر و مقدسات و فرائض دینی نداشته باشند... و نیروی بازدارنده‌ای در برابر بسیاری از معاصی (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۷۱).



رفتار قبیح است" ^۱ و "کسی که از حیای کمتری برخوردار است، از ورع [دوی از محرمات] کمتری برخوردار خواهد بود" ^۲؛ "ثمره حیا پاکدامنی است" ^۳ و "کسی که حیا ندارد هرآنچه که دلش بخواهد، ممکن است انجام دهد" ^۴.

از مجموع شواهد و کنار هم چیدن مدارک به دست می‌آید که نماز جماعت و آیین نمازگزاری سبب آشنایی افراد با یکدیگر و این امر سبب تقویت حیا است. حیا نیز باعث خودکنترلی می‌شود که از همین معبر جرائم اجتماعی، بزهکاری و منکرات کاهش می‌یابد. بنابراین نماز به منزله یک مکانیسم کنترل اجتماعی نقش ایفا می‌کند.

نماز - آشنایی - شکل‌گیری حیا - خود کنترلی - کاهش جرائم اجتماعی

۱.۲. مکانیسم تعدیل

انسان‌ها در رفتار، تحت تأثیر انگیزش‌ها، سلیقه‌ها، امیال درونی و همچنین مشوق‌های بیرونی هستند. انگیزش‌ها و گرایش‌ها به

۱. امیرالمومنین علیه السلام: "الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ" (غررالحکم، ص ۲۵۷).
 ۲. امیرالمومنین علیه السلام: "مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ" (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۹۹). "ورع" در تاج العروس به معنای دوری از محرمات ذکر شده است.
 ۳. امیرالمومنین علیه السلام: "فَمَرَّةٌ الْحَيَاءِ الْعِفَّةُ" (غررالحکم، ص ۲۵۷).
 ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: "إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَافْعَلْ مَا شِئْتَ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۶).



رفتار جهت بخشیده و افراد را به سمت رفتاری همسو با اهدافی مشخص سوق می‌دهند.^۱ به همین علت، معمولاً پیروی از امیال سبب شود که رفتار فرد با هنجارهای اجتماعی و مذهبی ناسازگار باشد. بدین روی در آیات قرآن مکرر یادآوری گردیده است که انسان‌ها زیانکار و طغیانگرند؛^۲ تمایلات نفسانی آنها را به رفتار کجروانه و نادرست وا می‌دارد؛^۳ آنها بدون توجه به قیامت ممکن است بخواهند در تمام عمر گناه کنند.^۴ از این رو برای صلاح و رستگاری انسان نیاز است عنصری، این گرایش و تعلقات را تعدیل کند.

نماز از عناصری است که در تعدیل و کنترل گرایش‌ها، سابق‌ها و کشش‌های نفسانی و شهوانی نقش دارد. در سوره مریم عَلَيْهَا بنی اسرائیل را از این جهت انسان‌های ناخلف از تبار انبیا می‌داند که نماز را ضایع می‌کنند و از شهوات پیروی می‌کنند.^۵ از این فراز به دست می‌آید که معمولاً، کسانی از شهوات خود پیروی می‌کنند که به نماز اهمیت نمی‌دهند و به

۱. ریتا. ال اتکسون و دیگران، زمینه روانشناسی هلیگارد، ص ۳۶۱ - ۳۶۲.

۲. "إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ" (عصر: ۲)؛ "كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ" (علق: ۶).

۳. "إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ" (یوسف: ۲۳)؛ "إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ" (بقره: ۱۶۹).

۴. "بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ" (قیامت: ۵).

۵. "فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا" (مریم: ۵۸).



تعبیر قرآن، نماز را ضایع و نابود می‌کنند. با قرینه مقابله می‌توانیم این قاعده را استخراج بکنیم که افرادی که نه تنها نماز را ضایع نمی‌کنند؛ بلکه به انجام و برپایی آن اقدام می‌کنند، به دنبال شهوات و خواسته‌های نفسانی نیستند. بنابراین، نماز می‌تواند خواسته، گرایش‌ها و تمایلات را تعدیل کند.

شهید مطهری نقش تعدیل‌کنندگی نماز را به‌گونه دیگری مطرح نموده است. ایشان اشاره می‌کند که مراسم برگزاری نماز، خود تمرینی برای کنترل امیال و خواسته‌ها و انضباط بخشی روحی و جسمی است؛ زیرا:

"در تمام مدت نماز، خوردن ولو یک ذره قند... ممنوع است؛ خندیدن، آن را خراب می‌کند؛ گریستن برای غیر خدا خرابش می‌کند؛ زیرا در حال نماز انسان باید بر تمایلات خود از قبیل خوردن و خوابیدن غلبه کند و بر احساسات خود از قبیل خندیدن و گریستن مسلط باشد و خود را نگه دارد... به چپ و راست متمایل شدن و نگاه کردن، نماز را باطل می‌کند. این یک حالت انضباط جسمی و روحی است"^۱

انضباط حاصل از نماز مقدمه‌ای برای تعدیل قوای آدمی است. موهبتی که انسان بر اثر اقامه نماز به دست می‌آورد این است

۱. مرتضی- مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۶۴۰.



که در اثر تمرین کنترل تمایلات، به خودکنترلی و خود انضباطی دست می‌یابد. خودکنترلی و خود انضباطی یکی از عوامل مهم تحقق کنترل درونی و کاهش دهنده جرائم و آسیب‌های اجتماعی است. هیرشی جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی و جرم‌شناسی، بعد از تحقیقات فراوان به این نتیجه رسیده است که افرادِ برخوردار از خودکنترلی ضعیف، بیشتر در معرض جرم و کج‌روی قرار دارند و خودکنترلی قوی احتمال درگیر شدن در جرم را به حداقل می‌رساند.^۱

با توجه به مباحث انجام شده، نماز سبب تعدیل غرایز و تمایلات می‌شود. تعدیل تمایلات و غرایز روحیه خودکنترلی را در افراد به وجود می‌آورد و خودکنترلی جرائم اجتماعی را به حداقل می‌رساند.

نماز - تعدیل تمایلات و غرایز - خودکنترلی - کاهش جرائم اجتماعی

۱.۳. مکاتیبم معرفت و هدایت بخشی

سومین راهبرد کنترلی نماز، تحکیم دانش و معرفت نمازگزاران است. در این راهبرد نمازگزاران با تزریق اطلاعات و معارف دینی در مقابل بد رفتاری‌ها، کج اندیشی‌ها، فحشا و منکرات

۱. فرانک پی ویلیامز و مالین دی مک شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، ص ۲۱۲.



واکسینه می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) نسبت به کارکرد مسجد و نماز جماعت که قبلاً نیز بخشی از آن اشاره شد، بیان می‌نمایند: "مسجد و نماز جماعت، دانش جدید... و نشانی مستحکم و پایدار در فراروی افراد قرار می‌دهد... و افراد از خلال مرادده با مساجد و نماز جماعت حرف‌هایی می‌شنوند که آنها را از بدی باز می‌دارد و به‌سوی هدایت رهنمون می‌کند."^۱

در قرآن کریم نیز مسئله هدایت بخشی نماز مورد اشاره قرار گرفته است. در سوره توبه مؤمنان را که صف بارز آنها اقامه نماز و احیا کننده حقیقی مساجد است را از هدایت‌یافتگان معرفی می‌کند. هدایت‌یافتگی مستلزم دریافت معرفت لازم برای طی راه است:

"مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند"^۲

بخش اول آیه به نقش اقامه‌کننده نماز در حفاظت از مساجد

۱. "مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ... أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ... أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى" (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۸۹).

۲. "وَإِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ"



اشاره دارد و انتهای آیه نمازگزار را مصداق هدایت یافته معرفی می‌کند. بی‌تردید نمازگزاران حقیقی از این صفات برخوردارند. در آیه "میثاق"^۱ نیز اشاره شده است که خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها خواست که زندگی مؤمنانه و متعهدانه داشته باشند و به دستورات خداوند عمل کنند. در صدر دستورات، اقامه نماز قرار دارد... و اگر چنین نکنند کافرند و در گمراهی و انحراف خواهد ماند. مفهوم مخالف این میثاق الهی این است که اگر آنها نماز برپا دارند و دیگر شرایط میثاق را رعایت کنند، هدایت‌شدگی و رهایی آنها از گمراهی و انحراف حتمی است. مقدم شدن اقامه نماز بر دیگر اعمال خواسته شده، نشان از تأثیر بالای آن در دوری از انحراف است. پس در مجموع نماز و رفتن به مساجد و اهتمام به نماز جماعت سبب می‌شود که افراد به اطلاعات جدید و دانش هدایت‌بخش دست یابند و از این رهگذر آسیب‌های فردی و اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری رو به زوال گراید.

نماز ← کسب معرفت جدید و مفید ← راه‌شناسی ← کاهش جرائم اجتماعی

۱. "و لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّوْتُمْهُمْ وَ أقرَضْتُمْ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ" (مائده: ۱۲).



۴.۱. یادآوری تعهدات اخلاقی

یکی از مکانیزم‌های کاهش جرم توسط نماز، یادآوری تعهدات اخلاقی و الهی و تقویت وجدان و نفس لوامه است. تکرار تعهدنامه‌ای به نام نماز در طول روز و اوقات مختلف، یادآور مکرر میثاق الهی به نمازگزار است. یادآوری قیامت و مالکیت خداوند بر آن، طلب یاری تنها از او، دعای مکرر برای هدایت و دوری از گمراهی و مورد غضب الهی قرار گرفتن و دیگر مفاهیم نماز، کافی است تا وجدان خفته را بیدار سازد و نفس لوامه را تقویت و احیا کند.

بدین ترتیب روشن شد که نماز با شرایط، ضوابط و زمینه‌های محیطی و اجتماعی خود از چهار راه موجب کاهش آسیب‌ها و انحرافات می‌گردد. نماز، با تقویت حیا، تعدیل غرایز، معرفت و هدایت‌بخشی و یادآوری وجدان اخلاقی، روحیه خودکنترلی را در فرد تقویت می‌کند و همین امر به کاهش و از بین رفتن آسیب‌ها و رفتارهای ناپه‌نجان اجتماعی و اخلاقی کمک می‌کند. نماز افراد را از این راه نیز هدایت و به سر منزل سعادت رهنمون می‌کند.



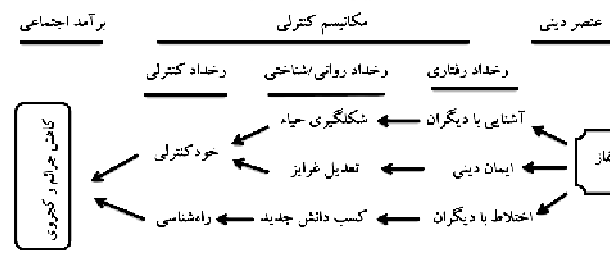
می‌خوانند و زکات می‌پردازند برادر دینی‌اند.^۱ در سوره محمد ﷺ نیز علامت یاران پیامبر ﷺ مهربانی با هم و سختگیری به دشمنان، رکوع و سجود ذکر شده است.^۲ مضمون آیه این است که دوستان پیامبر ﷺ و تمام پیروان آن حضرت اهل نماز و ارتباط با خداوند، تا جایی که با نگاهی می‌توان اثر سجده را در پیشانی‌اشان دید و همین حالت‌های عبادی در رفتار آنان نیز ظاهر می‌شود. آیه شریفه در توصیف یاران پیامبر ﷺ نماز خواندن را در کنار صفت رحمت اجتماعی قرار داده است و این بیانگر پیوند نماز و الفت با مؤمنان است. بر این اساس نمازگزاران راستین به لحاظ رفتاری و تعامل اجتماعی روابطشان در میان خودشان گرم و صمیمی و همراه با الفت و مهربانی است؛ اما از طرفی در مقابل کفار و دشمنان اسلام سختگیر و انعطاف ناپذیر ظاهر می‌شوند.

۳. بستر یافتن دوستان شایسته

هر انسانی نیاز دارد که در فرایند زندگی، دوستان خوب، قابل اعتماد و شایسته داشته باشد. امروزه بسیاری از گرفتاری‌ها و

۱. "فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ"

۲. "مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ" (محمد ﷺ: ۲۹).



الگوی نقش کتربی نماز در جلوگیری از انحرافات و کجروی

۲. تألیف قلوب و ایجاد همدلی و برادری

نزدیک شدن قلوب مسلمانان به یکدیگر و الفت و برادری در میان آنان، از برکات دیگر نماز در عرصه اجتماعی است. نماز، به لحاظ تقویت ارزش‌های دینی که اخوت و همدلی یکی از آنها است و به لحاظ همگرایی و گردهمایی در مراسم نماز، باعث الفت و برادری در میان افراد می‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ تأکید می‌نمودند که صفوف نماز باید فشرده و نزدیک به هم باشد تا با فشردگی و نزدیکی صفوف قلب‌های نمازگزاران به یکدیگر نزدیک شود.^۱ در قرآن نیز یکی از معیارهای برادری نماز ذکر شده است. در آیه ۱۱ سوره توبه اشاره شده است کسانی که نماز

۱. "استوا تستو قلوبکم و تماسوا تراحموا"؛ با یک دیگر برابر شوید تا دل‌هایتان برابر شود و با یک دیگر تماس بگیرید کنید تا بهم رحم کنید (ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۱۰).



نابهنجاری‌های افراد خصوصاً جوانان و نوجوانان از تعاملشان با دوستان ناصالح ناشی می‌شود. دوستی و مراوده‌هایی که بدون ارتباط و شناخت حقیقی و تنها از راه شنیدن صدا و دیدن تصویر افراد در اینترنت حاصل شده‌اند در فضای بیرونی نیز دامن‌گسترانده و چالش‌های زیادی به وجود آورده است. بنابر روایات، دوستی بدون مطالعه دقیق و شناخت کامل، متزلزل و ناپایدار است. در مقابل، کسانی که با مطالعه و شناخت کامل علقه دوستی می‌بندند دوستی‌شان استوار و پایدار خواهد بود.^۱ بی‌توجهی به این اصل معاشرتی موجب می‌شود که نوجوانان به دوستی اشرار و انسان‌های ناپاک تن در دهند.^۲

یکی از راه‌های یافتن دوستان سالم و هدایت یافته، شرکت در مراسم نمازجماعت و ارتباط با مساجد است. امام علی علیه السلام یکی از کارکردهای مسجد را یافتن دوست مناسب و به‌درد بخور ذکر می‌کنند.^۳ روشن است که مسجد محل نماز و پاتوق انسان‌های

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام: "مَنْ اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْاِخْتِيَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَ تَأَكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ" (عبدالواحد تمیمی درآمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۶).

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام: "مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اِخْتِيَارٍ اَلْجَاهُ الْاِضْطِرَارُ اِلَى مِرَاقَبَةِ الْاَشْرَارِ" (همان).

۳. "مَنْ اَدَامَ الْاِخْتِلَافَ اِلَى الْمَسْجِدِ اَصَابَ اِخْدَى ثَمَانِ اَيَّةٍ مُحْكَمَةٍ وَ اَخًا مُسْتَفَادًا وَ..." (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۸۹).



خود ساخته است. به لحاظ تاریخی مسجد علاوه بر اینکه عبادتگاه مؤمنین بوده، محل آموزش، مشاوره‌ها، تصمیم‌گیری‌های بزرگ، و خیزش‌ها بوده است. پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که مسجد نوعاً پاتوق افراد متدین، مذهبی و خودساخته بوده است؛ افرادی که به لحاظ آداب اجتماعی و خود ساختگی اخلاقی بهتر از دیگران ظاهر می‌گردند؛ بنابراین، مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان افراد حاضر در مسجد با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی، اجتماعی آنها را فراهم می‌کند.^۱

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بعد از بیان جدا ناپذیری قرآن و عترت، گوشزد می‌نمایند که قرآن و مسجد از هم جدا نیستند و کسانی که قرآن را دوست دارند مساجد را نیز دوست می‌دارند؛ زیرا مساجد جایگاه خاصی در اسلام دارند. مسجد به لحاظ معنوی، برکت می‌آورد. کسانی که با مسجد ارتباط دارند از بسیاری آسیب‌ها و آفت‌ها مصون هستند. حضرت صلی الله علیه و آله ایده ذکر شده را این‌گونه بیان می‌فرمایند:

"کسی که خدا را دوست دارد من را دوست دارد. کسی که

۱ عبدالله ضرابی، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، ماهنامه معرفت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، شماره ۳۳، ص ۶۲.



مرا دوست داشته باشد، عترت مرا دوست دارد. من دو چیز گرانبها در میان شما گذاشتم. قرآن و عترت؛ کسی که عترت مرا دوست داشته باشد قرآن را دوست دارد و کسی که قرآن را دوست داشته باشد، مساجد را دوست دارد. مساجد درگاه جایگاه خداوند است. خداوند اجازه داده مساجد بلند ساخته شود. او در مسجد برکت قرار داده است و اهل مسجد از [بلاها] ایمن و [از آسیبها] محفوظند.^۱

با توجه به آنچه پیامبر گرامی اسلام ﷺ یادآوری نموده‌اند، یکی از کارویژه‌های مساجد ایمن‌سازی افراد جامعه است. از حیث تربیتی این ایمن‌سازی با این سازوکار تحقق می‌یابد که مراکز مذکور، زمینه‌آشنایی با شخصیت‌های مذهبی و فعالان سیاسی - اجتماعی و نیز افراد خود ساخته اخلاقی را فراهم کنند!

۴. تسهیل روابط اجتماعی

در اسلام دیدوبازدید و جويا شدن از احوال دیگران مورد تأکید قرار گرفته است. بهترین دلیل بر اهمیت این اصل ارتباطی، تأکید فراوان اسلام بر صله رحم، عیادت از مریض، جويا شدن احوال دیگران و تعاون و همکاری است. ارتباط با دیگران ضرورت اجتماعی دارد و بدون ارتباط زندگی ناممکن و سخت

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.



می‌شود. ارتباط با دیگران و جويا شدن از احوال دیگران و بر عکس، به این اصل اجتماعی - دینی باز می‌گردد که همه در زندگی اجتماعی و مدنی خود به دیگران نیازمند هستند.^۱ دیدوبازدید صرفاً اتلاف وقت و پرکردن اوقات فراغت نیست؛ بلکه کارکردهای اجتماعی فراوانی به همراه دارد. بنا به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام) "مراوده ظرفی پر است که دو سوم آن محبت و نیکی کردن و تنها یک سوم آن بی‌توجهی است."^۲

با تمام مزایایی که معاشرت با دیگران به دنبال دارد متأسفانه در زندگی مدرن امروزی بنا به ملاحظات فراوان از جمله، کمی وقت، هزینه‌بر بودن، و روحیه فردگرایی، این مهم به‌سختی انجام می‌شود. بدین جهت مساجد و نمازهای جماعت و جمعه کم هزینه‌ترین برنامه‌ای است که می‌تواند به دیدوبازدیدها منجر

۱. امام صادق (علیه السلام) درباره ضرورت اجتماعی ارتباط با دیگران می‌فرماید: "إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعِينِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ؛ شما از زیستن با مردم ناگزیرید، به‌راستی نمی‌توان کسی را یافت که در زندگی خود از مردم بی‌نیاز باشد. مردم چاره‌ای ندارند جز اینکه با همدیگر تعامل داشته باشند (شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۵).

۲. "فَأَيُّ وَجَدْتُ جَمِيعَ مَا يَتَعَايَشُ بِهِ النَّاسُ وَ بِهِ يَتَعَاشَرُونَ مِلَّةً مَكِّيَالٍ ثَلَاثًا اشْتِخَسَانًا وَ ثَلَاثُهُ تَعَاوُلٌ" (شیخ صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷). [غفلت: عدم توجه و اشتباه. غفلت آنست که چیزی حاضر باشد ولی انسان به آن توجه نکند و آن را فراموش کند (علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۱۲).



شود؛ انسان‌ها از تنهایی و انزوای معاشرتی خارج شوند و در دنیای تعاملات صمیمی سهیم گردند. پیامبر اسلام ﷺ یکی از دو کارکرد فریضه جمعه را دیدار و ملاقات مؤمنین و نمازگزاران ذکر فرموده‌اند. امام علی علیه السلام در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که ایشان نسبت به ضرورت شرکت در نماز جمعه فرمودند:

"شرکت در نماز جمعه سبب زیارت مؤمنین می‌شود و رفتاری زیبا است"^۱

نمازهای جماعت یومیه نیز در این حکم با نماز جمعه شریک است. در هر نمازی که در جماعت برپا می‌شود، مردم منطقه و محله همدیگر را می‌بینند، از اوضاع دیگران جويا می‌شوند و نسبت به سلامت، بیماری، مشکلات و اتفاقات آنها کسب اطلاع می‌کنند. این امر می‌تواند مقدمه یاری یکدیگر نیز باشد.

۵. هنجارمندی و اهتمام به قراردادهای اجتماعی

هنجارگریزی و بی‌اعتنایی به قراردادهای و کم‌توجهی به توافقات میان‌فردی بخش انکار ناپذیر دنیای امروزی است. روزگاری نه دفتر ثبت اسناد بود، نه اعتبارات مالی نظیر سفته‌ها و چک‌ها و

۱. رسول خدا ﷺ: "الْإِيْتَانُ إِلَى الْجُمُعَةِ زِيَارَةٌ وَ جَمَالٌ" (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۱۹۷).



نه ضمانت اجرایی بیرونی. نظام رفتاری، داد و ستدها و تعهدها زبانی و شنیدنی. افراد هنجارها را ناموس اجتماعی می‌پنداشتند و اهتمام به قراردادهای را نشانهٔ مردی و جوانمردی. امروزه در اثر زندگی مدرن و ظهور پدیده‌های نوظهور اجتماعی نظیر مد و مدگرایی، سبک زندگی فردگرایانه و خود محورانه با چاشنی سودگرایی فردی، قواعد جایگزین در زندگی شده است. هنجارمندی نوعی بی‌هنجاری و اهتمام به قرارها مانع رشد و پیشرفت فردی تلقی می‌شود. در چنین شرایطی هیچ چیزی شیرین‌تر از این نیست که کابوس‌های ترسناک هنجارگریزی و ناهنجاری، بی‌اعتباری و بی‌اعتمادی به فضای اعتماد و اعتبار و حاکمیت ارزش‌ها و هنجارها بدل گردد. طبق آیات قرآن یکی از دستاوردهای مهم نماز نیکو و به تعبیر دقیق‌تر از جمله خصوصیات نمازگزاران هنجارپذیری و اهتمام به قرارداد و امانت‌ها است. در سوره معارج خصوصیات نمازگزاران حقیقی بدین شرح بیان شده است.

"انسان‌ها حریص و ناشکیبا هستند، هنگام سختی‌ها بی‌قراری می‌کنند و ناله سر می‌دهند و هنگام وفور بخل می‌ورزند. به جز نمازگزاران، کسانی که... پاکدامن هستند... و کسانی که امانت نگاه می‌دارند و بر عهدهای خود وفا می‌کنند و



بر شهادت‌های خود پایمردی می‌کنند." ^۱

چنانکه ملاحظه می‌شود در این آیه شریفه هنجارگریزان و هنجارشکنان اخلاقی تجاوزگر معرفی شده‌اند و از جمله خصوصیات نمازگزاران، پاکدامنی و احترام به هنجار و همچنین حفظ امانت‌ها و وفا کردن به قول‌ها و وعده ذکر شده است. وجه دیگر این بیان این است که نمازگزاران در آسیب‌کده بی‌هنجاری گرفتار نمی‌آیند و آنها عهدها و عقدها را محترم می‌شمارند و به چیزی که شهادت می‌دهد تا آخر استقامت و پافشاری می‌کنند.

۶. توجه به حقوق دیگران

بر اساس دستورات اسلامی و احکام شرعی نماز با تضييع حقوق دیگران تضاد ماهوی دارد. نمی‌توان نماز را با هتک حقوق دیگران و محترم نشمردن حقوق دیگران گردهم جمع کرد. از نظر اسلامی در طی فرایند انجام نماز در مراحل مختلف اعم از مقدمات، شرایط، اعمال، مکان و سایر ملحقات نماز - استفاده از مال غصبی جایز نیست و این کار سبب بطلان نماز می‌شود. ^۲

۱. " إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰) وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱) إِلَّا الْمُصَلِّينَ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ... (۳۱) وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲) وَ الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ" (معارج: ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۳۱ و ۳۲).

۲. در رساله‌های عملیه آمده است که در تمام حالات نماز و انجام مقدمات واجب نماز باید که از مال دیگران استفاده نشود. درباره وضو آمده است:

←



مضافاً در فقه اسلامی تأکید شده است که حتی در مساجد و نمازخانه‌ها اگر قبلاً کسی جایی را برای نماز تصاحب کرده باشد هرچند خود فرد در آنجا نباشد؛ ولی شیئی مثل تسبیح یا مهری به علامت بازگشت برجای گذاشته باشد دیگران حق ندارند جای او را اشغال کنند و حتی او از نظر شرعی حق دارد در قبال واگذاری جایی که تصاحب کرده است پولی را از باب مصالحه دریافت کند. ^۱

→

وضو با آب غصبی، حرام و باطل است.

وضو با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است.

باطل بودن وضو به علت اینکه از مقدمات واجب نماز است سبب باطل شدن نماز نیز می‌شود.

درباره لباس نمازگزاران تأکید شده است:

کسی که می‌داند پوشیدن لباس غصبی حرام است، اگر عمدتاً با لباس غصبی یا حتی لباسی که نخ، یا دگمه، یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخواند، نمازش باطل است.

نسبت به مکان نماز ذکر شده است:

نماز در ملک غصبی، اگر چه روی فرش، تخت و مانند آن باشد، باطل است.

نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است، بدون اجازه صاحب منفعت، باطل است. مثلاً اگر حتی مالک خانه یا هر شخص دیگری، بخواد در ملک اجاره‌ای نماز بخواند، باید از مستأجر اجازه بگیرد و نماز بدون اجازه او باطل است.

توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله علیه، مسئله‌های ۲۶۲، ۷۹۸، ۸۴۷ و ۸۴۸.

۱. در مسئله ۸۴۹ اشاره شده است: کسی که در مسجد نشسته است، اگر دیگری جای

←



پرسشنامه

۱. یکی از مکانیسم‌های اسلام برای کاهش جرم را بیان و توضیح دهید.
۲. نقش نماز در ایجاد و تقویت حیای فردی و اجتماعی را توضیح دهید.
۳. نماز چه نقشی در دوستیابی دارد؟
۴. راهکار اسلام برای هنجارپذیری نمازگزاران را توضیح دهید.



تمام موارد ذکرشده گویای این حقیقت تربیتی است که خداوند همه روزه و دست‌کم هر روز پنج مرتبه انسان را به تمرین نمودن رعایت حقوق دیگران و می‌دارد و از این راه جدی گرفتن حقوق دیگران و اهتمام به حق‌الناس را درونی می‌سازد؛ بنابراین، یکی از کارهایی که نماز می‌تواند در عرصه‌های اجتماعی ایفا کند، این است که با ممارست حق‌الناس آن را به یک فرهنگ دینی در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی تبدیل کند. فرهنگی بر پایه رعایت حقوق متقابل میان افراد جامعه و اولویت بخشیدن به احترام گذاردن به اموال و حقوق دیگران.

.....→

او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب، باید نماز خود را دوباره در محل دیگری بخواند (توضیح المسائل امام خمینی (رح) ص ۱۹۳، مسئله ۸۴۹).



فصل سوم: نماز و فرهنگ

در تعریف فرهنگ تعابیر مختلفی آمده است؛ اما آنچه مسلم و واضح است، فرهنگ هر جامعه مجموعه هنجارها و بایدها و نبایدهای آن جامعه است. نماز همچنان که خود جایگاه بالایی در فرهنگ اسلامی دارد، نقش بسزایی در فرهنگ‌سازی اسلامی نیز دارد. در ادامه به سه جنبه فرهنگ‌سازی نماز می‌پردازیم.

۱. تثبیت نظام معنایی توحیدی

اعتقادات و باورداشت افراد نسبت به نظام هستی، بخش بنیادین فرهنگ جامعه را شکل می‌بخشد. از نظر اسلام نظام تکوین و تشریح بر محور نظام معنایی توحیدی دور می‌زند. به این معنا که در نظام معنایی توحیدی تمام ساحت‌های زندگی انسانی هماهنگ و در راستای باورهای دینی با محوریت الهی نگریسته می‌شود. در این نظام همه رخدادها، پدیده‌ها و وقایع، الهی نگریسته می‌شود و پیوند طولی خداوند با سایر علل مورد توجه است. در این نگرش تمام علل مادی و انسانی در طول خداوند

۱۴۷

بخش دوم: آثار اجتماعی نماز



قرار دارند^۱ و او علت نهایی تحقق پدیده‌ها است. به عبارتی دیگر خداوند تکوینگر و تدوینگر روابط علی میان پدیده‌ها است. به تعبیر مرحوم شهید مطهری "رابطه علت و معلول و اصل علیت، پایه تفکرات عقلایی است و خداوند آفریننده نظام علت و معلول است"^۲.

یکی از راه‌های تحکیم نظام معنایی توحیدی در جامعه، نماز و مناسک دینی است. در قرآن به این خصوصیت نماز اشاره شده است. در سوره مبارکه آل عمران توضیح داده شده است که ذکر خداوند و در پی آن تأمل در هستی این اذعان را به - وجود می‌آورد که آفرینش هستی بیهوده نیست.^۳ خداوند آفریدگار و پروردگار هستی (الحمد لله رب العالمین) صاحب فرجام زندگی است (مالک يوم الدين). چیزی دیگری جز او لایق پرستش و عبودیت نیست (ایاک نعبد)^۴ و کسی دیگر جز

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۵۰.

۳. "الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ"؛ (اعراف: ۱۹۱).

۴. امیرالمؤمنین (علیه السلام) عبادت خود را به اهلیت و استحقاق خداوند نسبت می‌دهد و می‌فرماید: "إلهي ما عبدتك شوقا إلى جنتك و لا خوفا من نارك بل وجدتك أهلا للعبادة فعبدت"؛ خدایا تو را برای شوق به بهشت و ترس از جهنم عبادت می‌کنم؛ بلکه به این علت جبین برخاک آستانت می‌سایم که تو را لایق عبادت یافتم.

۱۴۸

آثار نماز



او سزاوار استمداد (ایاک نستعین). او تنها است (قل هو الله احد)، نه کسی را زاده (لم یلد) و نه از کسی زاده شده است (لم یولد) و همین امور او را منحصر به فرد و بی‌همتا ساخته است (لم یکن له کفوا احد). علاوه بر اذکار نماز صرف برگزاری نماز در مناسبات مختلف نیز در راستای تحکیم جهانبینی الهی صورت می‌گیرد. نماز آیات که یکی از نمازهای واجب است ناظر به همین بعد نماز است. وقتی رخدادهای طبیعی به وقوع می‌پیوند و ذهنیت فلسفی و جستجوگری انسان‌ها فعال می‌شود و همه در صدد علت‌یابی رخداد برمی‌آیند، خداوند نماز آیات را تشریح نمودند که ذهن انسان‌ها را از تعلیل مادی به تحلیل ماورای طبیعی هدایت کند. نماز آیات در کنار کارکرد عاطفی و روانشناختی آن همچون آرام‌سازی و احساس امنیت، به این نکته اشاره دارد که خدایی مشرف بر همه رخدادها و حوادث وجود دارد. مبدا انسان در کوران حوادث از او غفلت کند و یا بر اثر آسیب‌دیدگی و تحمل خسارت، ارتباطش با خداوند به‌سستی بگراید. هنگامی که باد، طوفان یا ساعقه سهمگین و ترس‌آور به وجود آید، خداوند نماز آیات را واجب کرده است. این توصیه سبب پناه مردم به خدا از یکسو، رفع



نگرانی و توجه به عظمت خدا از سوی دیگر می‌شود.^۱ هرچند در ابتدا درجه‌ای (هرچند ضعیف) از باورها بر اعمال و مناسک مقدم است؛ زیرا باورها است که افراد را در یک مکانی برای انجام مناسک گرد هم می‌آورد؛ اما به لحاظ کارکردی قطعاً، مناسک نیز در تحکیم و تثبیت و پویایی باورهای دینی و تقویت باور اثرگذار است. نماز که یکی از مناسک است، جلوه‌ی ظهور باورهای دینی است.

شواهد دینی نیز اثر نماز بر ظهور باورها را تأیید می‌کند. در روایت ذکر شده است که نماز جماعت برای این است که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت الهی آشکار شود و جلوه بیرونی پیدا کند.^۲

۲. فرهنگ‌پذیری حجاب

در ادبیات جامعه‌شناختی "جامعه‌پذیری" بدین معناست که فرد را صرفاً، با هنجارهای اجتماعی سازگار کند؛ اما "فرهنگ‌پذیری" فرایندی است فرد را عمیقاً و از جهات فراوان با فرهنگ جامعه هماهنگ می‌کند.^۳ از این رو، فرهنگ‌پذیری

۱. توضیح المسائل مراجع، مسأله ۱۴۹۱.

۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۲.

۳. آک برن و نیم کوف، زمینه جامعه‌شناسی، ص ۱۷۱.



عمیق‌تر و بنیادی‌تر از جامعه‌پذیری است؛ زیرا در جامعه‌پذیری ممکن است سازگاری با هنجارهای یک جامعه به دلیل کاستن فشارهای اجتماعی و تنها با هم‌رنگ ساختن فرد با سایرین صورت بگیرد در حالی که در مقوله فرهنگ‌پذیری فرهنگ جامعه به صورت عمیق در فرد درونی می‌شود و از همه جهات هماهنگی میان افراد و فرهنگ جامعه ایجاد می‌شود. این اصل جامعه‌شناختی حکم می‌کند که برای تحکیم هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تنها به هم‌رنگی افراد و هنجارها نباید اکتفا کرد؛ بلکه علاوه بر آن لازم است ارزش‌ها و هنجارها نهادینه و درونی شود.

حجاب یکی از ارزش‌های والای فرهنگ اسلامی است. آیا اسلام مکانیسمی برای درونی‌سازی و به تعبیر بهتر فرهنگ‌پذیری حجاب در نظر گرفته است؟ پاسخ این است که بلی. یکی از تأثیرگذارترین و دسترس‌پذیرترین و نیز کم‌هزینه‌ترین راهبردهای تقویت، تثبیت و تحکیم فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه اسلامی، نماز است. در تمام نمازها - چه واجب و چه مستحب - زنان و مردان ملزم‌اند پوشش خاصی را رعایت کنند. محدوده پوشش مردان زانو تا ناف و زنان تمام بدن بجز صورت



و دست و پا تا مچ دست و پا است.^۱ زنان و مردان موظف هستند پوشش واجب در نماز را در تمام نمازها، در هر زمان و مکان، حتی در جایی که بیننده‌ای وجود ندارد و یا حتی امکان حضور دیگری نیست هم رعایت نمایند. عمل صحیح به این آموزه و تکرار و ممارست آن در نماز می‌تواند رعایت حجاب را به عادت‌واره افراد و سپس در یک پروسه طولانی مدت به فرهنگ جامعه تبدیل کند.

نماز از دو جهت به فرهنگ‌پذیری حجاب در جامعه کمک می‌کند. نخست اینکه مقارنت امور عبادی - معنوی با عناصر فرهنگی - اجتماعی بدین معنا است که افراد چنانکه ناگزیرند، امور عبادی - معنوی نظیر سجده، اذکار، قرائت و نیت را رعایت

۱. در رساله‌های عملیه حد شرعی پوشش در نماز به این صورت بیان شده است:

حدّ پوشش مردان در نماز:

مرد در نماز باید عورتین خود را (حتی اگر کسی- او را نمی‌بیند) بپوشاند. بهتر است از ناف تا زانوها پوشانده شود.

حدّ پوشش زنان در نماز:

زن در نماز باید تمام بدن (حتی سر و موی) خویش را بپوشاند؛

پوشانیدن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ و پاها نیز تا مچ پا لازم نیست؛

برای این که یقین کند که مقدار واجب از بدن را در نماز پوشانده، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را نیز بپوشاند. (توضیح المسائل امام خمینی^{ره}،

مسئله‌های ۷۷۱ و ۷۷۲)



بکنند، ملزم هستند امور اجتماعی - فرهنگی نظیر رعایت حقوق دیگران و حجاب را نیز رعایت کنند. این الزام وقتی با مناسک روزانه مذهبی همراه شود و به تعبیری افراد در روز چند مرتبه یک هنجار فرهنگی را رعایت کنند، این امر زمینه درونی شدن آن هنجار فرهنگی را فراهم خواهد کرد.

جهت دیگر اینکه، رعایت حجاب در نماز انگیزش‌های روانشناختی لازم برای رعایت آن را در سطح جامعه تأمین می‌کند. با این توضیح که نماز بزرگ‌ترین ذکر الهی (لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ) است؛^۱ ذکری که باعث آرامش انسان‌ها می‌گردد. در یک نگاه جامع، نماز با همه اجزا و شرایط، آرامش و اطمینان خاطر افراد را موجب می‌شود؛ البته منظور آیه این نیست که پوشش به تنهایی سبب آرامش است؛ بلکه نماز همراه با شرایطش که یکی از آنها پوشش است، آرامش‌بخش است؛^۲ یعنی همانگونه که "لااله الا الله" در آرامش انسان نقش دارد، نیت، رو به قبله بودن، در مسجد بودن، سجده، قنوت و پوشش نیز در آرامش نقش دارد. به تعبیری دیگر آرامش برآمد مجموع اجزای و عناصر نماز

۱. اِنَّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ". (عنکبوت: ۴۵)
۲. "الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ". (رعد: ۲۸)
۳. البته آیات و دلایل تجربی دیگری دلالت بر نقش پوشش بر نوعی آرامش دارد.



است. آرامش و اطمینان نماز در سایه عبادت و رعایت اموری از جمله پوشش این باور را در افراد بوجود می‌آورد که رعایت آنها در همه حالت آرامش می‌آورد. مثلاً، پوشش تنها در نماز آرامش نمی‌آورد؛ بلکه در تمام حالات و عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی سبب آرامش می‌شود. این تحلیل با قلمرو حجاب در دستورات اسلامی در حوزه‌های عمومی اجتماعی مبنی بر اینکه زنان باید آرایش و زینت خود در معرض دید نگذارند،^۱ تقویت

۱. درآیه ۳۱ سوره مبارکه نور پوشش زنان در عرصه‌های اجتماعی اشاره شده است در این آیه شریفه آمده است:

"وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ لِيَعْلَمَنَّ مِنَ أَنْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ"؛ و به زنان با ایمان بگو چشم از نا محرمان فروبندند و پاکدامی پیشه کنند. زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیدا است. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به‌گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.



می‌شود. گویا خداوند یک هماهنگی و همسویی میان پوشش در عبادت و حضور در عرصه‌های اجتماعی قائل گردیده و پوشش در هر دو ساحت را ارزش می‌شمارد. نکته روانشناسی مسأله این است که رعایت حجاب و عفاف در نماز، همراهی با یاد خداوند دارد. تکرار این همراهی می‌تواند سبب نگاه مثبت به حجاب گردد.

۳. تبلیغ جهانی فرهنگ اسلامی

به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران نماز حقیقتاً، یک رسانه تبلیغاتی بسیار نیرومند برای تبلیغ اسلام و ارزش‌های اسلامی است. رسانه‌ای پویایی به نام نماز به جهات مختلف از جمله کیفیت، گستره، محتوا و هم به لحاظ هزینه از رسانه‌های متداول امروزی پیش‌تر است. مقام معظم رهبری در نشست ائمه جماعات به‌خوبی این نکته را روشن و شفاف بیان نموده است. ایشان راجع به برد تبلیغاتی نماز جمعه می‌فرماید:

"رسانه نماز جمعه را با وسایل مدرن روز - تلویزیون، رادیوها و سایر وسایل الکترونیکی بسیار پیشرفته‌ای که آمده است و نیز مطبوعات و مجلات مقایسه کنید و هزینه‌ها و پشتیبانی‌های آنها را با هزینه‌های سلسله امامت جماعت در سرتاسر یک جامعه بسنجید، ببینید چقدر فاصله دارد. این رسانه بسیار گسترده و برنفوذ تا اعماق جامعه... با پشتیبانی



اندک و هزینه ای کم، خون معنویت را به مویرگ‌های پیکر جامعه می‌رساند"^۱

علاوه بر سخنان، گفته‌ها و شنیده‌ها در نماز جمعه و جماعات، صرف حرکت دسته‌جمعی مردم به سمت مساجد و نماز جماعت نیز یکی از عوامل مؤثر شیوه تبلیغ برای گسترش فرهنگ توحید و اخلاص و حضور مؤثر دین در صحنه اجتماع است. در روایتی که قبلاً نیز یادآوری شده فلسفه نماز جماعت آشکار شدن توحید و اخلاص و اسلام و گسترش آن در جهان و اتمام حجت بر شرق و غرب ذکر شده است. در این روایت امام رضا علیه السلام بسیار زیبا بیان فرموده‌اند که:

"اگر پرسیده شود دلیل تشریح جماعت چیست؟ در پاسخ باید گفت که نماز جماعت به این دلیل واجب شده است که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار و مشهود شود؛ زیرا آشکار کردن عبادت حجت و دلیل برای اهل شرق و غرب است و منافقین و کسانی که آیین‌های اسلامی را سبک می‌شمارند با برگزاری جماعت به ظاهر اسلام اعتراف خواهند کرد و مراقب خودشان خواهند بود"^۲

۱ سخنانی معظم له، در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۸۱/۷/۱۵.

۲. "قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ قَبْلَ لَأَنَّ لَا يَكُونُ الْإِخْلَاصَ وَ التَّوْحِيدَ وَ الْإِسْلَامَ وَ الْعِبَادَةَ لِلَّهِ لَا إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُودًا لَأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةٌ عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ"



بنابراین روایت، نماز جماعت حجتی می‌شود برای جهانیان تا مظهر توحید، جلال و شکوه اسلام را از خلال صف‌های طویل و هماهنگ نماز ببینند و هم اتمام حجتی است بر منافقین و منکرین تا جرأت جسارت و توهین به اسلام و مسلمانان را نداشته باشند و مراقب رفتار، گفتار و اعمال خود باشند.

در عصر حاضر که دوران جنگ نرم است و روش دشمنی‌های دشمنان اسلام دگرگون و شیطنت‌های آنان ناپیدا و فریبنده شده است توجه به نقش تبلیغی نمازهای یومیه، جمعه و جماعات اهتمام بیشتری را می‌طلبد. اگر از ظرفیت‌های نمازهای جماعت به‌خوبی بهره‌برداری شود، روشن می‌شود که در بسیاری از تحولات نقش نماز و نمازهای جماعت بی‌بدیل خواهد بود.

→

جَلَّ وَحْدَهُ وَ لِيَكُونَ الْمُتَافِقُ وَ الْمُشْتَعِفُ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقَرَّ بِهِ بِظَاهِرِ الْإِسْلَامِ وَ الْمُرَاقَبَةِ" (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۲).



پرسشنامه

۱. نگاه اسلام به رخدادها، پدیده‌ها و وقایع عالم را توضیح دهید.
۲. نماز چه تأثیری بر نظام فرهنگی دارد؟
۳. تفاوت فرهنگ‌پذیری، با جامعه‌پذیری، در چیست؟
۴. آیا رعایت پوششی خاص در نماز می‌تواند بر حجاب‌پذیری زنان جامعه تأثیری داشته باشد؟



فصل چهارم: نماز و سیاست

سیاست در لغت همان حکومت و حکومت‌داری است.^۱ بنابراین هدف این فصل، بررسی نقش و اثر نماز در ساخت حکومتی و مدیریتی جامعه است. اثراتی همچون ایجاد وحدت، همدلی و بصیرت سیاسی در جامعه و اقتدار سیاسی از آنها است. در ادامه تفصیلاً به تبیین این سه نقش راهبردی می‌پردازیم.

۱. وحدت و همدلی

وحدت و انسجام یکی از کارکردهای پنهان نماز است. این اثر آنگاه تحقق خارجی می‌یابد که نمازگزاران، نماز را به صورت آیینی و به اشتراک هم انجام دهند. هرچند آنان این عمل را با قصد قربت انجام می‌دهند؛ اما بالتبع، انسجام و وحدت میان مسلمین نیز تحقق می‌یابد. نمازهای جماعت، در محلات، ادارات، سازمان‌ها، نماز جمعه، نماز آیات و نماز استسقاء از جمله

۱. فرهنگ معین، کلمه سیاست.



اعمال عبادی فردی - جمعی هستند که چنانچه با شرایط اولیه (قصد قربت و عبادت) صورت گیرد، انسجام و وحدت اجتماعی، یکدلی یا همدلی و تعاون از کارکردهای پنهان آن است. وجه انسجام بخشی نماز نیز به این است که در نماز همه با یک شعار، به یک قبله، در یک صف بدون توجه به رنگ و نژاد و زبان و بدون تبعیض به طبقه رو به درگاه حضرت حق ایستاده و در مقابل عظمت او با همدلی و خشوع و خضوع تمام قدرت-های دنیوی را نادیده می‌انگارند و فقط به خدا می‌نگرند.^۱ در معانی الاخبار حدیثی از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که در آن ابن‌سنان نقل کرده است:

"ما خدمت امام صادق نشسته بودیم شخصی از جمع گفت: یا بن رسول‌الله من از اینکه منافق باشم خوف دارم. حضرت در پاسخ فرمودند: مگر چنین نیست که وقتی روز یا شب در منزل تنها به سر می‌بری نماز می‌گزاری؟ مرد گفت: آری. حضرت ادامه دادند برای چه نماز می‌خوانی؟ مرد گفت: برای خدای تبارک و تعالی. حضرت نهایتاً فرمودند چگونه می‌شود منافق باشی در حالی که برای خدای عزوجل نماز می‌خوانی!"^۲

۱. دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، نماز و زندگی، ص ۶۰.

۲. "في معاني الاخبار حدثنا أبي رضی الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبدالله عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن عبدالله بن سنان قال: كنا جلوساً عند أبي عبدالله (عليه السلام) إذ ←



این حدیث گویا این امر است که نماز ذاتا با نفاق ناسازگار و با وحدت و همدلی سازگار است؛ بنابراین، داستان روایت یک قضیه شخصی و منحصر به فرد پرسش کننده نیست؛ بلکه حضرت در حقیقت حکمی کلی را بیان می‌کنند که: "هر کسی که نماز می‌خواند در جهت نفاق گام بر نمی‌دارد و در راستای وحدت و همدلی تلاش می‌کند".

برجسته‌ترین نماد همبستگی نماز جماعت است. اگر همه مسلمانان نمازهای یومیه خویش را در مساجد و محل کار و کسب خویش اقامه نمایند، نمادی از همبستگی در جهان اسلام به وقوع خواهد پیوست. به گونه‌ای که سبب وحشت دشمنان را فراهم خواهد نمود.^۱ نماز جماعت از این جهت که توانسته نماد اتحاد و همبستگی در میان مسلمانان باشد، از مواردی بوده است که غیر مسلمانان را به شگفتی واداشته است. حکایتی از یک شرق‌شناس این مسئله را به خوبی تأیید می‌کند. در کتاب "واعظ اجتماع"

→

قال له رجل من الجلساء: جعلت فداك يا ابن رسول الله أخاف على ان أكون منافقا فقال له: إذا خلوت في بيتك نهارا أو ليلا أليس تصلي؟ فقال: بلى، فقال: فلمن تصلي؟ فقال: لله عز وجل، فقال فكيف تكون منافقا و أنت تصلي لله عز وجل لا لغيره" (عبدعلي عروسي حويزي، تفسير نور الثقلين، ج ۱ ص ۵۶۶).

۱ حسین موسوی‌راد، نماز از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۶۴.



برداشت یک شرق‌شناس از نماز جماعت چنین روایت شده است. آخرین جمله‌ای که در آن عبادتگاه بر دفتر او نقش بست، این‌گونه بود: "تا هنگامی که این نمازها در مساجد برقرار است، به علت اتحاد و هماهنگی ناشی از آن، مسلمانان هیچ‌گاه شکست را تجربه نخواهند کرد".

در آنجا احساس غریبی می‌کرد و از این اتحاد و یکی شدن با هم و با مخلوق عالم در شگفت مانده بود. دگرگون به نظر می‌رسید و رنگی بر چهره‌اش نمانده بود. از دور او را می‌پاییدم... جلو رفتم، او مرا دید. زبان مرا می‌دانست. سلام کردم و در کنارش نشستم. گفتم: غریبه‌ای؟ گفت: آری، تازه به قاهره آمده‌ام. پس از آشنایی، داستان دگرگونی‌اش را برایم تعریف کرد و گفت: شرق‌شناسم و برای مطالعه تاریخ و آثار باستانی مصر، به قاهره آمده‌ام. پس از دیدار از چند مرکز علمی و دیگر آثار باستانی، دوست داشتم مساجد اینجا را ببینم. به اتفاق همراهانم به این مسجد رسیدیم. وقت نماز بود و مردم برای نماز جماعت، خود را آماده می‌کردند. تا اینکه آنها به صف ایستادند و نماز را پشت سر امام آغاز کردند. آنها با چه عظمت و چه شکوهی برمی‌خاستند، می‌نشستند و سر بر سجده‌گاه خدای خود می‌نهادند و عبادت می‌کردند. آرامشی که در میانشان موج می‌زد، شاید، آرام بخش‌ترین لحظات مرا در پی داشت. من با دیدن عبادت آنها



تنها به یک چیز فکر می‌کردم. این پرسش در ذهنم نقش می‌بست که آخر، چگونه انسان‌هایی با دیدگاه‌هایی گوناگون این‌گونه عاشقانه و به هم فشرده، به اتفاق، توحید را فریاد می‌کنند. از هیبتشان، تنم به لرزه در آمد. وقتی اطرافم را نگاه کردم، هیچ کدام از همراهانم آنجا نبودند. همه برای ادای نماز به صفوف جماعت پیوسته بودند و من تنها، در برابر جماعتی بس عظیم، انگشت حیرت بر دهان، مانده بودم. پس از پایان نماز، تاب نیاوردم. وارد شدم و در گوشه‌ای نشستم و تنها توانستم با کلمات، شگفتی‌ام را بر کاغذ بیاورم و دیگر هیچ. "سپس آخرین جمله‌ای را که نوشته بود، برایم خواند: "به امید پیروزی همه مسلمانان".^۱

بدین ترتیب اگر نماز به صورت هماهنگ از حیث زمانی، مکانی و مناسکی انجام شود، یقیناً، دل‌ها و فکرها را به هم نزدیک خواهد کرد و پیوند برادری و دوستی را تحکیم خواهد بخشید و باعث تقویت همسویی و همسانی و وحدت خواهد گردید. جلوگیری از اختلالات اجتماعی - سیاسی و تعمیق وحدت و همدلی سیاسی و اجتماعی از کارویژه‌های نماز به- حساب می‌رود.^۲

۱. محمدمهدی تاج لنگرودی، ص ۲۴ و ۲۵.

۲. علی‌رضا وحدت‌پناه‌نماز و جامعه شناسی، ص ۱۶۴ - ۱۶۹.



۲. تعمیق بصیرت سیاسی

بصیرت به معنای درک صحیح از دین و شرایط زمانی و مکانی است. امام علی علیه السلام در باب ضرورت بصیرت سیاسی در میان مسلمین فرموده‌اند: "نابینایی از بی‌بصیرتی بهتر است".^۱ امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

"کسی که بدون بینش و آگاهی به عملی دست یازد، مانند کسی است که در بیابانی هموار با دیدن سرابی به جستجوی آب رود. در این وضعیت هرچه سریع‌تر عمل کند زودتر از مقصد دور خواهد شد."^۲

نماز جمعه، اعیاد و نماز جماعت این کارویژه مهم را به دنبال خواهد آورد که بر اثر خطبه‌های نماز جمعه و عید و حواشی این تجمع، بینش افراد تقویت می‌شود. حضور مسلمین در نمازهای جماعت و جمعه به شرط حضور امام جمعه و جماعت آگاه به مسائل روز باعث می‌شود که از راه تشریح شرایط روز و مسائل و مشکلات مسلمین و موشکافی مسائل بین‌المللی بصیرت

۱. "ذَهَابُ الْبَصْرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ" (عبد الواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، ص ۴۱).

۲. "الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا" (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۲۱).



سیاسی نمازگزاران ارتقا یابد.^۱ نقش دیگر نماز در تعمیق بصیرت سیاسی اجتماعی این است که مؤلفه‌های اثرگذار در بینش سیاسی و اجتماعی را سامان می‌بخشد. بصیرت سیاسی و اجتماعی بیش از هر چیزی بر مؤلفه‌های همچون "بیداری"، "وقت‌شناسی"، "دشمن‌شناسی" و "موقعیت‌شناسی" استوار است که نماز در هر کدام نقش بی‌بدیل دارد.

۱.۲. نماز و غفلت‌زدایی

یکی از پیامدها و فواید نماز، بیداری و غفلت‌زدایی است. در نگرش دینی غفلت بدترین وضعیتی است که ممکن است افراد به لحاظ ارزشی و رفتاری در حوزه‌های فردی و اجتماعی دچار شوند. غفلت بار معنایی وسیعی دارد و به هرگونه بی‌خبری از خداوند، شرایط زمان، مکان و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اطلاق می‌شود. اهمیت غافل نبودن از نظر اسلام به اندازه‌ای است که خداوند متعال در شب معراج این مهم را به پیامبر ﷺ گوشزد می‌کند و تأکید می‌کند: "ای احمد هیچ‌گاه به وادی غفلت کشیده نشو. کسی که در وادی غفلت از خداوند سیر کند، خداوند به او توجه نمی‌کند که در کدام مهلکه به نابودی

۱. دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، نماز و زندگی، ص ۶۰.



کشیده می‌شود."^۱ در ادبیات قرآنی انسان‌های غافل معیشتشان حیوانی و بلکه نازل‌تر از آن قرار دارد. در آیه ۱۷۹ سوره مبارکه اعراف تصریح شده است که به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم آنها دل‌هایی [عقل‌ها] دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند] و نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند [چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند].^۲

طبق این آیه شریفه، مرز زندگی انسانی و حیوانی غفلت و بیداری است. تعبیر چهارپایان در این آیه تعبیر کنایی بسیار معناداری است. از توصیف انسان‌های غافل به چهارپایان این برداشت به دست می‌آید که انسان‌های غافل و چشم، دل و گوش بسته، همیشه دستاویز مطامع دیگران هستند. افراد غافل بدون تأمل و تدبیر در خدمت دیگران قرار می‌گیرند. برای یک زندگی انسانی که هم استقلال در آن وجود داشته باشد و هم بینایی، غفلت‌زدایی و بیداری ضرورت انکار ناپذیر خواهد داشت.

۱. حسن ابن محمد دیلمی، إرشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. " وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ " (اعراف: ۱۷۹).



امام باقر علیه السلام در بیانی اشاره می‌کنند که نمازگزاران همیشه از دام غفلت رهایی می‌یابند. ایشان راجع به بیداری و بی‌غفلتی نمازگزاران چنین می‌فرمایند:

"هر مؤمنی که حافظ نمازهای واجب باشد و آن را به موقع انجام دهند چنین فردی دیگر در زمره غافلین نخواهد بود"^۱

بنابراین یکی از خصوصیات نماز این است که سبب از بین رفتن غفلت می‌شود و به بیداری، آگاهی و معرفت انسان به خداوند، محیط اطراف، اوضاع سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود. غفلت-زدایی نماز می‌تواند تحت تأثیر مستقیم نماز باشد؛ زیرا در نماز اذکار توحیدی و استحکام‌بخش بیداری و بصیرت وجود دارد، همچون اذکار "الله اکبر"، "ایاک نعبد و ایاک نستعین" که روحیه الهی و استقلال طلبی را در فرد موجب خواهد شد. نیز ممکن است غفلت‌زدایی بر اثر مراوداتی که در طی نماز با مؤمنین و پیش نماز صورت می‌گیرد، تحقق پذیرد. ممکن است یکی از حکمت‌های انجام نماز در اول وقت نشانگر این باشد که معمولاً در اول وقت، نمازها با جماعت و در مسجد برگزار می‌شود و با بصیرت‌بخشی امام جماعت شایسته، غفلت مؤمنین

۱. "أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ حَافِظْ عَلَى الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَلَهَا فَلَئِنَّ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ" (شیخ کلینی، الکافی، جلد ۳، ص ۲۷۰).



زودده می‌شود. افزون آنکه می‌توان گفت عدم غفلت از خدا مستلزم توجه به شیاطین از جن و انس و نیفتادن در دام آنهاست. قطعاً شیادان سیاسی از جنود ابلیس هستند و در زمره شیاطین قرار دارند.

۲.۲. نماز و شناخت موقعیت

جامعه‌ای که افراد آن شناخت صحیحی از زمان و موقعیتشان داشته و به تعبیر روایت امام صادق علیه السلام "زمان‌شناس" باشد؛ تحت تأثیر پیچیدگی و آشفتگی شرایط روز قرار نمی‌گیرد.^۱ برای نسل نوجوان و جوان که از یک طرف به آرمان‌گرایی سیاسی تمایل دارند و از سوی دیگر با پیچیدگی‌های سیاسی آشنا نیستند، درک موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی و شرایط روز حیاتی به نظر می‌رسد. درک درست از موقعیت سبب می‌شود که نسل نو در دام سوءاستفاده گروه‌ها و احزاب سیاسی قرار نگیرند. نماز در شناخت‌دهی و در نتیجه بصیرت‌افزایی نقش برجسته‌ای دارد. علاوه بر تأثیر شناختی و معرفتی که معارف نماز بر نمازگزار دارد؛ اجتماعات عبادی و نمازی نیز عهده‌دار این مهم در جامعه هستند. بخصوص اینکه در شرایط نماز جمعه

۱ "الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ" (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۳۵۶).



آمده است که خطبه دوم را امام جمعه بایستی به بیان مسائل سیاسی و اجتماعی و بصیرت افزایی در این حوزه، اختصاص دهد.

علاوه بر نماز جمعه، اجتماعات عبادی نیز بستری مناسب برای مطرح شدن مسائل سیاسی و اجتماعی است. شاهد این تأثیر، اینکه در انقلاب اسلامی ایران بسیاری از حرکت‌ها از مساجد و اجتماعات نماز جماعت شکل گرفته است. امروز نیز در بسیاری از کشورهای اسلامی عمده تجمعات و راهپیمایی‌ها قبل یا بعد نمازهای جمعه شکل می‌گیرد. نمونه بارز آن راهپیمایی‌های روز قدس است که در کشورهای اسلامی بعد از آخرین نماز جمعه ماه مبارک رمضان هر سال، برگزار می‌شود.

۲.۳. نماز و شناخت دشمن

مولفه دیگری از بینش سیاسی که ممکن است از راه نماز حاصل شود، شناخت دشمن است. از نظر پیامبرگرامی اسلام ﷺ، شناخت دشمن و مبارزه با او نشانه خرد و عقلانیت افراد است. آن حضرت نسبت به ضرورت شناخت دشمن می‌فرمایند: "بدانید که خردمندترین مردمان کسی است که پروردگار خود را بشناسد و از او فرمان ببرد و دشمن خود را بشناسد و از او نافرمانی



کند." چنانکه در این روایت شریفه تصریح شده است، شناخت دشمن و سرپیچی از خواسته‌های او نشانه خرد افراد است. هر چه انسان به شناخت بهتر دشمن نائل آید گام‌های استوار عاقلانه‌تری برخواهد داشت. امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز نسبت به اهمیت شناخت دشمن و هشدار نسبت به دست‌کم گرفتن دشمن فرموده‌اند: "دشمن حتی اگر یک نفر هم باشد، زیاد است"^۱

نماز، بخصوص نماز جمعه نقش ارزشمندی در معرفی دشمنان اسلام و خنثی نمودن توطئه‌ها و برنامه‌های آنان دارد. بهترین دلیل برای نقش نماز جمعه در رویاروی با دشمنان اسلام و ارزش‌های اسلامی، جهت‌گیری خصمانه دشمنان اسلام در برابر آیین عبادی - سیاسی نماز جمعه است. مقام معظم رهبری در این خصوص توضیح بسیار ارزشمندی دارند. ایشان در خصوص دشمنی دشمنان با نماز جمعه می‌فرمایند:

"دشمنان با نماز جمعه هم مبارزه کردند... از اولی که نماز جمعه به وجود آمد و این نماز جمعه، مردم را در مسائل گوناگون، در همه شهرستان‌های کشور و بخصوص در تهران متحد کرد و دیدند که تا یک مسئله‌ای در کشور به‌وجود بیاید همه منتظر جمعه اند که ببینند درباره این مسئله در منبر نماز

۱. اخوان حکیمی، الحیة، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. "الواحد من الاعداء کثیر" (اخوان حکیمی، الحیة، جلد ۱، ص ۲۵۸).



جمعه چه موضع گیری می شود و بعد آن موضع گیری وارد فضای عمومی کشور می شود، شروع کردند به مبارزه کردن... امروز هم همچنان ادامه دارد. اگر کسی گمان کند که نماز جمعه به عنوان یک کانون اجتماع، اجتماع در فکر، اجتماع در مشی سیاسی، اجتماع در اهواء، در عواطف و محبت‌ها و اجتماع در حرکت‌های عمومی از نظر دشمنان این نظام مغفول عنه است، اشتباه کرده است.^۱

بدین ترتیب می توان گفت نماز جمعه، نقش بی بدیل در سازماندهی گردهمایی‌های سیاسی و تعمیق شعور سیاسی مردم و شناساندن دشمنان و مبارزه علیه اهداف آنها دارد.

۲.۴. نماز و شناخت حق

مهم ترین عنصر در بصیرت و بینش افراد جامعه شناخت حق و باطل و یا صلاح و فساد است. افراد بصیر کسانی هستند که در شناخت حق و باطل و صلاح و فساد توانمندند و می توانند افراد، موضع گیری‌ها و رخداد را ارزیابی کنند. امام رضا (علیه السلام) در حدیثی ضرورت خطبه‌های جمعه را یادآور می شود و اشاره می کند که فلسفه وجودی خطبه‌های نماز جمعه بیان صلاح و فساد و

۱. بیانات معظم له در نهمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور ۱۳۷۲/۶/۲۸، <http://farsi.khamenei>



حقایق است. آن حضرت در پاسخ به این سؤال که چرا برای نماز جمعه دو خطبه قرار داده شده است، می فرماید:

"خطبه‌های نماز جمعه برای آن تشریح شده است که چون روز جمعه روز حضور عمومی است؛ لذا، خطبه برای امام وسیله ای است برای موعظه و تشویق به فرمانبری و هشدار از نافرمانی خدا و آگاهی بخشی بر آنچه که مصلحت دین و دنیای مردم است؛ اطلاع رسانی از آنچه در اطراف آنها اتفاق افتاده است و از نگرانی‌هایی که می تواند برای آنان سودمند یا زیان بخش باشد... دو خطبه بودن نیز به این جهت است که یکی برای سپاسگزاری به درگاه خداوند باشد و دیگری برای بیان نیازمندی‌ها و عذرها و تذکر به بیم و امیدها و آموزش ضروری و اوامر الهی و مصالح و مفاسد."^۱

۳. ایجاد اقتدار و تحول در معادلات سیاسی

نماز تنها یک رفتار عبادی یا یک آیین مذهبی نیست؛ بلکه

۱. "فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ الْخُطْبَةُ قِيلَ لَأَنَّ الْجُمُعَةَ مَشْهُدٌ عَامٌّ فَأَرَادَ أَنْ يَكُونَ لِلْإِمَامِ سَبَبًا لِمَوْعِظَتِهِمْ وَ تَرْغِيبِهِمْ فِي الطَّاعَةِ وَ تَرْهِيْبِهِمْ عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَ تَوْقِيفِهِمْ عَلَى مَا أَرَادَ مِنْ مَصْلَحَةٍ دِينِيَّةٍ وَ دُنْيَايَةٍ وَ يُخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ مِنَ الْأَحْوَالِ الَّتِي لَيْسَ لَهُمْ فِيهَا الْمَضَرَّةُ وَ الْمَنْفَعَةُ فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ خُطْبَتَيْنِ قِيلَ لِأَنَّ تَكُونَ وَاحِدَةً لِلشَّيْءِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّنْذِيرِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْأُخْرَى لِلْحَوَائِجِ وَ الْإِعْذَارِ وَ الْإِنْدَارِ وَ الدُّعَاءِ وَ مَا يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَهُمْ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ مِمَّا فِيهِ الصَّلَاحُ وَ الْفَسَادُ" (شيخ صدوق، عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، جلد ۲، ص ۱۱۱).



ضمن جنبه‌های عبادی معنوی، برآمد سیاسی نیز دارد. نماز عید و جمعه به علت خطبه‌ها و مسائلی که طرح می‌شود، جنبه سیاسی نیز پیدا می‌کند. یکی از آثار سیاسی نماز ایجاد اقتدار جامعه اسلامی است. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

"نماز جمعه نماز اجتماع است. نماز روشنگری و آگامسازی آحاد مردم است. نماز اخبار از آفاق عالم به مؤمنین و آحاد مردم است. [بایستی] هم به جنبه معنوی و تربیت و تهذیب نفوس و آدم‌سازی و گسترش روحیه تقوی در جامعه توجه شود و هم به جنبه سیاسی."^۱

نماز عید و نمازهای جماعت یومیه نیز مانند نماز جمعه بازتاب سیاسی دارد و در اقتدار جامعه اسلامی و حکومت اسلامی تأثیر می‌گذارد. نماز جماعت و جمعه سبب شکل‌گیری انجمن‌های اجتماعی و سیاسی شود و گروهی را به وجود آورد که در عرصه‌های سیاسی فعالیت وسیع داشته باشند. طبعاً، گروه‌های سیاسی مسجد محور در معادلات سیاسی و بین‌المللی اثرگذار خواهند بود.^۲

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در نهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه در تاریخ <http://farsi.khamenei>، ۱۳۷۲/۶/۲۸

۲. ر.ک. علی‌رضا وحدت‌پناه، نماز و جامعه‌شناسی، ص ۱۳۴.



در تاریخ اسلام شواهدی وجود دارد که تأثیر نماز جماعت در معادلات سیاسی را تأیید کند. بارزترین نمونه آن اولین نماز جماعت با شکوه مسلمانان بعد از فتح مکه در مسجدالحرام است. به نقل تاریخ هیمنه مسلمانان در نماز جماعت ابوسفیان و همراهانش را به تمکین وا داشت. ابوسفیان هنگامی که دید، پیامبر ﷺ در جلو ایستاده و مسلمین پشت سر او به نماز ایستاده‌اند و با تکبیر او همه تکبیر می‌گویند و با رکوع و سجودش، همه با او هماهنگ عمل می‌کنند، مجذوب آن همه عظمت و شکوه گردید. ابوسفیان که می‌دید مسلمانان در تبعیت و پیروی از پیامبر اسلام ﷺ از یکدیگر پیشی می‌گیرند و دستوراتش را با جان و دل انجام می‌دهند، نمی‌توانست آن همه ابهت و احترام را نادیده بگیرد. لذا، همین امر باعث شد که ابوسفیان راهی جز تسلیم و هم‌رنگی با مسلمانان نبیند.^۱

۱. ابوالفضل، نبوی، درس سخنوری، ج ۳، ص ۴۰.



فصل پنجم:

نماز و اقتصاد

هر چند اقتصاد در لغت به "میان‌روی" گفته می‌شود؛ اما امروزه در اصطلاح به "دانش بررسی روش‌های کسب درآمد، مصرف کالاها و خدمات، روابط بازرگانی، و سازمان‌دهی امور مالی برای بهره‌برداری بهینه از منابع تولید ثروت" گفته می‌شود. نماز و ارتباط خداوند می‌تواند در این ساحت زندگی انسان نیز تأثیر هدایتی و تعالی بخشی داشته باشد. هرچند این ارتباط نیازمند توضیح بیشتری است؛ اما در ادامه به چند اثر نماز در این ساحت، اشاره می‌نماییم.

۱. فعال‌سازی روحیه تعاون و همیاری

در مقابل فضای فردگرایی در تمدن غرب، همکاری و همیاری از ارزش‌های والای اسلامی است. توجه به همیاری و تعاون نشانگر جامعیت اسلام است. به این معنا که اسلام در کنار

۱. فرهنگ لغت عمید، واژه اقتصاد.



پرسشنامه

۱. آیا سیاست به معنای حيله و نیرنگ است؟ معنای اصطلاحی سیاست را بیان فرمایید.
۲. دو اثر نماز را در حوزه سیاست بیان فرمایید و مختصری توضیح دهید.
۳. علت اساسی بصیرت‌بخشی نماز چیست؟
۴. ابهت نماز جماعت چگونه وسیله‌ای برای فتح مکه شد؟



برنامه‌های معنوی - عبادی و در کنار بهبود روابط انسان - خدا به رابطه انسان - انسان و یا به تعبیری ارتباط با هم‌نوعان نیز اهمیت داده است. مقارنت نماز و زکات در آیات مکرر قرآن نشانگر همین موضوع است.^۱ این مقارنت در نمازهای جماعت و اجتماع مسلمانان در مساجد و مراکز مذهبی بیش از همه به چشم می‌خورد. افراد با حضور در مساجد و نماز جماعت، یکدیگر را ملاقات می‌کنند. از وضع یکدیگر اطلاع می‌یابند. با اوضاع اجتماعی، اقتصادی و زندگی هم آشنا می‌شوند. اگر مشکلی برای شخص یا اشخاصی پیش آمده باشد از آن مطلع می‌گردند. و بر اساس روح ایمان و مسئولیتی که در خود احساس می‌نمایند، برای رفع مشکل اشخاص و اجتماع خویش، به صورت دسته‌جمعی همکاری می‌نمایند. چنانچه در طی سال‌ها از نزدیک مشاهده کرده‌ایم که اهالی مسجد در زمینه امدادهای جبهه و جنگ، تعاون برای کمک به وضع اقتصادی جامعه، همکاری برای ازدواج جوانان مستعد، و حتی همیاری برای رفع مشکلات خانوادگی گرفتاران اقدامات جدی به خرج داده‌اند.^۲

۱. بقره: ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷، ۲۷۷ و نساء: ۷۷، ۱۶۲؛ مائده: ۱۲، ۵۵؛ توبه: ۵، ۱۱، ۱۸، ۵۴، ۷۱؛ رعد: ۲۲؛ ابراهیم: ۳۱؛ حج: ۴۱، ۷۸؛ نور: ۵۹؛ نمل: ۳؛ لقمان: ۴؛ احزاب: ۱۳۳؛ مجادله: ۱۳؛ مزمل: ۲۰؛ بینه: ۵.

۲. احمد، صادقی اردستانی، جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث، ص ۳۲۶.



در منابع دینی نیز جنبه تعاون و همیاری نمازگزاران مورد تأکید قرار گرفته است. امام رضا علیه السلام نسبت به فلسفه نماز جماعت به همزیستی نماز جماعت و تعاون همکاری و احساس مسئولیت اقتصادی اشاره نموده تأکید می‌نمایند که نماز جماعت به این جهت تشریح گردید که در آن مساعدت و همکاری در جهات خیر و پرهیزگاری وجود دارد.^۱ در آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره مبارکه معارج نیز به همین نکته اشاره شده است. در آیات شریفه تأکید شده است که «نمازگزاران راستین کسانی هستند که در اموالشان حقی برای گدایان و محرومان اختصاص می‌دهند.»^۲ آیات فوق نشان می‌دهد که قبولی نماز با کمک به هم‌نوعان تهی دست و نیازمند پیوند ناگسستنی دارد. بدین رو لازم است نمازگزاران در برنامه‌های همیاری و تعاون جلوتر از سایر اقشار جامعه قرار داشته باشند و آنها پیش‌قراولان عرصه‌های کمک‌رسانی و اعانه و کمک به دیگران باشند.

۱. عن علي ابن موسي الرضا عليه السلام: "إِنْ قَالَ قَلِمٌ جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ قَيْلًا لَأَنَّ... مَعَ مَا فِيهِ مِنْ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى" (شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۹).

۲. "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿۱﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا - ﴿۲﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَاهُونَ ﴿۳﴾ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ". (معارج: ۱۹ - ۲۵)



۲. بهبود رابطه کارگر و کارفرما

نگرش صرفاً مادی و سودجویانه میان کارگر و کارفرما مشکل آفرین است. کارگر با حذف انگیزه معنوی و جایگزین کردن انگیزه مادی به جای آن، همواره بر آن می‌شود که کم‌کاری کند؛ زیرا حب نفس اقتضا می‌کند که ارزش کار خود را بیش از آنچه در بازار است بداند. از طرفی چون دستمزد حاکم در بازار را کمتر از حق خود می‌داند، از کار می‌کاهد یا آنقدر اصرار می‌ورزد تا دستمزدش افزایش پیدا کند. کارفرما نیز اگر فقط مادی‌نگر باشد می‌کوشد تا سود خود را افزایش دهد. افزایش سود یعنی کاهش هزینه و سهل‌ترین راه کاهش هزینه پرداخت دستمزد کمتر است که حاصل آن استثمار می‌شود.^۱ این کشمکش دائمی میان کارگر و کارفرما وجود دارد و هر کدام بنا به علایق سودجویانه خود به فکر سود بیشتر و اندوخته‌ای افزون‌تر و متضرر ساختن طرف دیگر است. در این شرایط با تقویت خداباوری، برجسته ساختن حقوق دیگران و التزام عملی به ارزش‌های معنوی نماز می‌تواند به بهبود رابطه کارگر و کارفرما بیانجامد. اگر آنها به قوانین شرعی، اخلاقی و حقوقی ملتزم باشند و خود را در پیشگاه خدا متعهد بدانند، سعی می‌کنند با اولویت دادن به رضایت خداوند بر

۱. عباس، عزیزی، تأثیر نماز در کار، ص ۵۸.



منافع مادی خود از هر دو جهت توافق ارزشی ایجاد شود؛ در نتیجه بهبود کاری حاصل شود. از لحاظ تجربی حکایت ذیل نقش معنویات در بهبود روابط کاری را به‌خوبی بیان می‌کند.

"شماری از کارگران ایرانی زیر نظر مهندس روسی کار می‌کردند. ظهر شده بود و آفتاب به بالای سر آمده بود. صدای اذان ظهر بلند شد. کارگران برای خواندن نماز اول وقت دست از کار کشیدند. مثل همیشه سر و صدای مهندس روسی بلند شد. او، نگران از به تأخیر افتادن کارها، با صدای بلند کارگران را از این کار باز می‌داشت. این کار برای او قابل تحمل نبود؛ چون تنها به منافعش می‌اندیشید و به سود بیشتر. او همچنان داد می‌زد، ولی بی‌فایده بود؛ چون آنان حاضر نبودند برای انجام کار از این فریضه واجب دست بردارند و نمازشان را به تأخیر بیندازند. بارها میان کارگران و مهندس گفت‌وگو صورت گرفته بود؛ تا آنجا که کارگران گفتند ما در عوض آن مقدار وقتی را که از کار تلف می‌شود با تلاش بیشتر جبران می‌کنیم. ولی بی‌نتیجه بود؛ چون هر روز هنگام نماز، باز همین مسئله مشکل‌ساز می‌شد. حرف او یکی بود و همچنان بر خواسته‌هایش پافشاری می‌کرد. سرانجام آخرین اخطار مهندس به کارگران این بود که اگر هنگام نماز کار را رها کنند، در پایان ماه از حقوقشان کسر می‌شود. این اخطار مهندس در میان کارگران آثار گوناگونی داشت. گروهی از این قضیه نگران شدند و از ترس حقوق آخر ماه،



نمازشان را به آخر وقت انداختند و گاه چه بسا نمازشان قضا می‌شد؛ ولی ایمان گروهی دیگر آن قدر زیاد بود که تهدیدهای مهندس کارساز نیفتاد و همچنان هنگام ظهر، دست از کار کشیده و با زمزمه "حي علي الصلوة"، به نماز می‌ایستادند. تا اینکه ماه به پایان رسید و کارگران هر کدام برای دریافت حقوق ماهیانه خود به صف ایستاده بودند. آنانی که منتظر آخر ماه و سود بیشتر بودند، خوشحال و شادمان با هم پیچ‌پیچ می‌کردند؛ ولی این خوشحالی چندان طول نکشید؛ چون که بر خلاف انتظار آنان نه تنها از حقوق نمازگزاران اول وقت کسر نشده بود، بلکه به حقوقشان افزوده شده بود. گروه اول به نشانه اعتراض به مهندس گفتند که چرا برخلاف قول و وعده خود عمل کرده است؟ مهندس لبخندی زد و گفت: آنها به نماز که عقیده و دینشان بود، پایبند بودند و این نشان آن است که آنها ایمان خود را به مال دنیایی نفروختند و از عقیده خود دست بر نداشتند. این گروه هرگز در کار خود نیز خیانت نمی‌کنند؛ چون به نماز و دین خود خیانت نکردند. این‌گونه بود که نماز اول وقت برای مهندس ایجاد اعتماد کرده بود. کارگران با شنیدن این مطلب از کار خود پشیمان شدند و حسرت نمازهای از دست رفته را خوردند و به فکر فرو رفتند.^{۱۱}

۱. مرتضی، بذرافشان، نماز و نوجوان، ص ۹۲.



۳. نزول برکات الهی

پیشرفت اقتصادی یک جامعه در گرو فراهم شدن منابع اولیه در طبیعت است. معادن فلزات و چاههای نفت و نزول باران و... همگی مصادیق فضل و رحمت الهی هستند که در جامعه شکل می‌گیرند. البته هر کدام از اینها اسباب مادی دارند که باعث ایجادشان می‌شود که تدبیر این اسباب بر عهده خدای متعال است. لذا جامعه‌ای که در جهت کسب رضای او حرکت کند می‌تواند از برکات بیشتری بهره‌مند شود. در روایات ذکر شده است که نماز سبب به دست آوردن روزی و ادای دیون می‌گردد و به رزق و روزی انسان برکت می‌دهد.^۱ امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

"ذکر خداوند بعد از طلوع فجر در رزق و روزی تأثیر گذارتر است از روی زمین به دنبال روزی دویدن".^۲

یکی از جلوه‌های تأثیر نماز در رزق و روزی، نماز باران است.

۱. " صلوٰة اللیل تجلب الرزق " (محمد، ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۲۲)؛ " صلاة اللیل... تقضي الدين " (شیخ صدوق، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲).
 ۲. امام ششم علیه السلام: "وَ ذَكَرَ اللَّهُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَلْبَغُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ؛ هر که بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در سجاده درنگ کند (و به تعقیب مشغول باشد) این کار از اینکه ماه‌ها در زمین به دنبال روزی بدود بهتر است (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵، ص ۱۴۷).



نماز باران یکی از دستوراتی است که هنگام قحطی باید به آن عمل کرد. این عبادت دسته‌جمعی در کنار آثار فرهنگی آن، یک اعلام عمومی عجز و فقر در مقابل خدای متعال است که سبب جلب برکات الهی به سمت جامعه می‌شود. تأثیر نماز در نزول رحمت و نزول باران و متعاقباً، فراوانی مواهب طبیعی و محصولات کشاورزی و باغات بارها در تاریخ چند صد ساله تمدن اسلامی به اثبات رسیده است. یکی از موارد آن نماز استسقای آیت الله خوانساری رحمته در سال ۱۳۳۰ است.

"در سال ۱۳۳۰ که مردم قم از خشکسالی به ستوه آمده بودند. مدت‌ها بود که ابری در آسمان شهر قم دیده نمی‌شد و زمین‌های کشاورزی از بی‌آبی، خشکیده و ترک برداشته بود. بیم آن می‌رفت که خشکسالی و قحطی جان بسیاری را بگیرد. در این میان اعتقادات مذهبی قمی‌ها اقتضا می‌کرد که بنا به دستورات پیشوایان دین نماز باران به‌جا بیاورند. سراغ علمای عصر گرفته شد، هیچ‌کدام به پیش‌نمازی باران تن ندادند. مردم با اصرار مرحوم آیت الله خوانساری رحمته را امام جماعت نماز باران معرفی و از او خواستند که در این نماز شرکت نمایند.

در روز موعود مردم گروه‌گروه با پاهای برهنه از گوشه و کنار شهر به محل تعیین شده رفتند. علما نیز در حالی که عمامه از سر برداشته بودند، پیشاپیش جمعیت حرکت



می‌کردند. موج جمعیت هر لحظه بیشتر می‌شد و فریاد "الله اکبر" و "لا اله الا الله"، همه جا طنین انداز بود. آیت الله خوانساری رحمته بعد از اذان به نماز ایستادند و نماز باران خواندند و ایشان با فاصله کمی همین نماز را با شاگردانشان در یک باغ نیز خواندند تا اینکه بعد از یکی دو روز ابرها در آسمان دیده شدند و باران شروع شد.

باران چنان گسترده و بی‌امان فرو می‌ریخت که چنین بارانی را تا آن هنگام کسی به چشم ندیده بود. قطره‌های درشت باران، چهار ساعت ادامه پیدا کرد و در رودخانه قم سیل جاری شد.^۱ این داستان و ماجرای نزول باران در پی اقامه نماز ربط مستقیمی به بعد اقتصادی جامعه ندارد؛ اما از آنجا که نماز در فعال‌سازی زمین‌های کاشت و برداشت و نیز تولید محصولات نقش پیدا می‌کند، می‌توان نماز باران را یک عامل فراوانی و رهایی از قحطی و خشکسالی دانست. شواهد فراوانی وجود دارد که نماز باران توسط امامان معصوم علیهم‌السلام و فقهای پاک‌سیرت، باران و نزول رحمت الهی را موجب شده است.

۴. تحکیم برابری و رفع اختلاف طبقاتی

یکی از چالش‌های اجتماعی - اقتصادی تضاد و نابرابری طبقاتی

۱. حسن، ایدرم، بر چشمه‌ساران حضور، ص ۶۵.



است. طبقه‌بندی اجتماعی فی‌نفسه نه مثبت است و نه منفی. این پدیده هنگامی بار مثبت و منفی پیدا می‌کند که مبنای برای توزیع ناعادلانه امکانات شود. به عبارت روشن‌تر طبقه خاصی از امکانات اقتصادی بیشتر و از موقعیت و جایگاه اجتماعی رفیع‌تری برخوردار گردند. طبق برداشت مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله اجتماعات آیینی بهترین وسیله برای رفع اختلافات طبقاتی است و کاهش پیامدهای منفی طبقه‌بندی و یا قشربندی اجتماعی است. از نظر ایشان مؤثرترین راه برای ریشه‌کن شدن اختلافات طبقاتی و از بین بردن بداندیشی و بدبینی، اجتماعات و گروه‌هایی افراد جامعه است. خصوصیت بارز عبادت‌های دسته‌جمعی و آیین‌های گروهی این است که اختلاف‌ها را کاهش می‌دهد؛ زیرا کسی که عبادت خداوند را با اخلاص انجام می‌دهد، جز با خدا، با کس دیگری سر و کار ندارد. درهای رحمت پروردگار به روی همه باز است و خزانه بی‌پایان نعمت او تمام شدنی نیست و ساحت قرب او بدون مانع و مزاحم، همه را به خود می‌پذیرد. در نتیجه انس و الفت و مهر و محبتی که به واسطه اجتماع، به هنگام عبادت در مردم پدید می‌آید، برای رفع کدورت و اختلافات بهترین وسیله است.^۱

۱. احمد، صادقی اردستانی، جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث، ص ۱۱۰.



از سوی دیگر سبک حضور مسلمانان در مراسم و برنامه‌های عبادی نیز در کاهش اختلافات و یا حتی ارتقای جایگاه اجتماعی کمک می‌کند. در میان نمازگزاران و مؤمنین ثروت مادی مزیت نیست؛ بلکه تقوی داشتن مزیت است. افراد بر اساس مکنت و دارایی مالی احترام نمی‌شوند؛ بلکه بر اساس درجات ایمان و منزلت معنوی احترام می‌شوند. این مسئله مصداق عینی جابجایی در موقعیت و جایگاه اجتماعی در نظام اجتماعی دینی به حساب می‌رود. در هر صورت، حضور هم‌رنگ و هم‌سان مسلمانان در صف‌های نماز که در آن همه بدون در نظر داشت هیچ امتیازی در کنار هم قرار می‌گیرند؛ فقیر و غنی، رئیس و مرئوس، سفید و سیاه، کوچک و بزرگ، شهری و روستایی، با سواد و بی‌سواد، معروف و گمنام و خلاصه هر قومی با هر ملیتی همه به یک قبله و در زیر یک سقف، با هم به رکوع و سجود و قیام و قعود می‌پردازند. بخشی از برابری و همسانی موقعیتی است که به برکت نماز حاصل می‌شود.



پرسشنامه

۱. مهمترین نشانگر جامعیت اسلام چیست؟
۲. آیا نماز می‌تواند در همکاری و تعاون اجتماعی تأثیری داشته باشد؟ مختصر توضیح دهید.
۳. یکی از راه‌های نزول برکات الهی را بیان و ارتباطش را با آن توضیح دهید.
۴. یکی از ظرفیت‌های اسلامی برای تحکیم برابری و بی‌توجهی به اختلاف طبقاتی چیست؟



فصل ششم:

اثر فراگیر نماز

تا اینجا آثار نماز زندگی در بخش‌های مختلف مورد بحث قرار دادیم. بدین ترتیب روشن شد که این عبادت خاص، دامنه تأثیرش چنان گسترده است که تمام ساحت‌های فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در هر بخش شواهدی از آیات و روایات مناسب همان ساحت خاص بیان شد. در کنار نگاه بخشی و ساحتی به آثار نماز، برخی روایات اثر فراگیر نماز را مورد توجه قرار داده است.

ستون و شاخص دینداری

از جمله آثار فراگیر نماز این است که در روایات آن را شاخص کلی برای شناخت میزان دینداری یا معیار سنجش قبولی و عدم قبولی سایر عبادات انسان معرفی کرده است. برای نمونه:

رسول اکرم نسبت به جایگاه نماز در اسلام می‌فرمایند:

"نماز ستون دین و اولین عملی است که در قیامت مورد حساب قرار می‌گیرد و اولین چیزی است که بعد معرفت الهی"



پرسیده می‌شود. پس اگر نماز قبول شد دیگر عبادات و اعمال نیز پذیرفته می‌شود و اگر نماز پذیرفته نشد، دیگر اعمال و عبادات نیز پذیرفته نمی‌شود.^۱

اگر نماز ستون دین است، از کیفیت نماز انسان و میزان اهتمام به آن می‌توان به کیفیت دینداری وی پی‌برد. برخی روایات تأکید دارند که نماز باید اهم امور زندگی شود.^۲ اگر نماز چنین جایگاهی در زندگی پیدا کرد، چتر تأثیر آن در جای جای فعالیت‌های فردی و اجتماعی گسترده خواهد شد. به همین جهت امام صادق (علیه السلام) تقیّد به نماز را منشأ انجام دیگر تکالیف دانسته است.^۳

نماز بخوان تا آدم شوی!

یکی از توصیه‌های مرحوم آیه الله بهجت (رحمه الله) به کسانی که از

۱. "أن الصلاة عمود الدين و أنها أول ما يحاسب عليه العبد يوم القيامة من الأعمال و أول ما يسأل عنه العبد بعد المعرفة فإن قبلت قبل ما سواها و آن ردت رد ما سواها" (مجلسی، بحار الانوار، جلد ۱۰، ص ۳۹۴).
۲. "وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالذِّينِ وَ ذَكَرِ النَّاسَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمَ الْآخِرِ (حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، ص ۲۶).
۳. "وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَتِ الْأَوْتَادُ وَ الْأَطْنَابُ وَ إِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَ انْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَ تَدَّ وَ لَا طُنْبُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۷).



ایشان درخواست نصیحت داشتند، این بود که "برو نماز را اصلاح کن، زندگی‌ات اصلاح می‌شود".

"یک از بزرگانی که در حدّ مرجعیت هم هستند می‌گفتند: در کاظمین، اولین بار در جوانی آیت الله بهجت (رحمه الله) را که دیدم. به ایشان گفتم: شما یک راهی را نشان بدهید تا آدم بشویم. گفتند: نماز اول وقت بخوانید. در دلم گفتم حاج آقا تحویلیمان نگرفتند. سال بعد، جایی دیگر دیدمشان و گفتم این بار بپرسم ببینم راهی را که می‌خواهند پیشنهاد کنند چه راهی است. رفتم جلو هنوز چیزی نگفته بودم. همین جور که داشتند حرف می‌زدند، گفتند: بعضی‌ها می‌آیند پیش من می‌گویند چه کار کنیم آدم بشویم، رشد بکنیم. سال بعد هم می‌آیند می‌گویند حاج آقا ما را تحویل نگرفته. دوباره می‌خواهند سؤال کنند؛ در حالی که همان حرف بنده را گوش نکردند. بابا جواب همان است، همیشه جواب همان است!

البته خود آن آقا می‌گفتند: آقای بهجت (رحمه الله) درست می‌فرمودند! من نماز عصرهایم را به وقت نمی‌خواندم.^۱ فراتر آنکه مرحوم علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله بهجت (رحمه الله) از علامه قاضی (رحمه الله) نقل می‌کنند که می‌فرمودند: اگر کسی نماز

۱. مرکز تخصصی نماز، منبر و محراب، ص ۶۱.



واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعن کند! از روایات و سخنان ذکر شده استفاده می‌شود که هر اندازه در بهبود نماز خود و ارتقای کیفیت آن تلاش کنیم، به تدریج اثرات آن را در دیگر عرصه‌های زندگی مشاهده خواهیم کرد. علت نقش نماز در اصلاح رفتار این است که ارتقای کیفیت نماز نیز بدون پاک‌سازی رفتار از خطا حاصل نمی‌شود و این دو رابطه متقابل دارند. بهبود نماز به اصلاح رفتار و بهبود رفتار به ارتقای و اصلاح نماز می‌انجامد.

آیت الله بهجت رحمته الله علیه در توصیه به کسانی که خواستار بالابردن میزان توجه خود در نماز بودند، فرمود: "حال و رفتار خود در بیرون نماز را اصلاح کنید."



پرسشنامه

۱. منظور از آثار فراگیر نماز چیست؟
۲. چند اثر فراگیر نماز را بیان فرمایید.
۳. علت نقش اصلاحی نماز در رفتار انسان چیست؟



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. سید رضی، محمد، نهج البلاغه، ج اول، مؤسسه نهج البلاغه، ایران، قم، ۱۴۱۴ق.
۳. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.
۴. اتکنسون ریتا. ال و دیگران، زمینه روانشناسی هلیگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، ج دوم، تهران، رشد، ۱۳۸۵.
۵. آک برن و نیم کوف، زمینه جامعه‌شناسی، اقتباس ا.ح. آریانپور، ج دوم، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۸.
۶. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، ج چهارم، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۷. ایدرم، حسن، سید محمدتقی خوانساری، بر چشمه ساران حضور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۳.
۸. بذرافشان، مرتضی، نماز و نوجوان، ج اول، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.



۹. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۳۰.
۱۰. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه، ج چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۱۱. بی ویلیامز، فرانک، مالین دی مک شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، دکتر حمیدرضا ملک محمدی، ج اول، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
۱۲. تاج لنگرودی، محمدمهدی، واعظ اجتماع، تهران، دفتر نشر ممتاز، ۱۳۷۴.
۱۳. ترکمن، م. نماز و دانشجو، قم، نشر دفتر معارف، اول، ۱۳۸۲.
۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج اول، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۶. تنکابنی، محمدبن سلیمان، قصص العلماء، ج سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۷. تی دیوید، ایوانز، بررسی مجدد رابطه دین و جرم، ترجمه علی سلیمی، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۷۹.
۱۸. حجازی، سیدمهدی، سیدعلی رضاحجازی و محمدعیدی خسروشاهی، درر الأخبار، قم، ۱۴۱۹ق.
۱۹. حسینی عامل، محسن الامین، عیان الشیعه، بیتاه.
۲۰. حسینی، نعمت الله، مردان علم در میدان علم، قم، انتشارات اسلامی.



۲۱. حکیمی، اخوان، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، ج ۱، چ مکرر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۲. علامه حلی، الالفین، دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۳. موسوی خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی مقام معظم رهبری، در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۸۱/۷/۱۵، سخنرانی معظم له در نهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۲۸، پیام به اجلاس سالانه نماز ۱۳۹۲/۶/۱۱، ۱۳۷۲/۶/۱۶، <http://farsi.khamenei>، ۱۳۷۵/۶/۳۱.
۲۴. خمینی قدس، روح الله، سرالصلوة، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس.
۲۵. پالس، دانیل، هفت نظریه در باب دین، ترجمه و نقد محمدعزیز بختیاری، چ دوم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس، ۱۳۸۵.
۲۶. دبیر خانه ستاد مرکزی اقامه نماز، فصلنامه نیایش، شماره ۵ بهار ۱۳۸۰.
۲۷. دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، نماز و زندگی، مقالات برگزیده هشتمین اجلاس سراسری نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.
۲۸. دیلمی، حسن ابن محمد، إرشادالقلوب إلی الصواب، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۲.
۲۹. دیلمی، حسین، هزار و یک نکته درباره نماز، چ سیزدهم، قم، علوی، ۱۳۸۹.



۳۰. رادنی استارک، ویلیام سیمز بن بریج، دین کج روی و کنترل اجتماعی، ترجمه و تلخیص علی سلیمی، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۲.
۳۱. راشد لطیفی، توضیح المسائل مراجع (نه مرجع)، تهران، پیام عدالت، ۱۳۸۵.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چ اول، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۳۳. ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، شانزدهم، ۱۳۸۵.
۳۴. سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه شناسی کج روی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چهارم، ۱۳۸۷.
۳۵. شجاعی، علی، سلامت روان در پرتو نماز، قم، سابقون، ۱۳۸۲.
۳۶. شهید ثانی، التنبیهاث العلیه علی الوظائف الصلوة القلییه، مشهد، به نشر، ۱۳۷۱.
۳۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چ اول، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰.
۳۸. شیخ صدوق، الأمالی، چ پنجم، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۳۹. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالرضی، ۱۴۰۶ق.
۴۰. علل الشرائع، چ اول، قم، انتشارات داوری، بیتا.
۴۱. عیون أخبار الرضا (علیهم السلام)، تهران، چ اول، نشر جهان، ۱۳۷۸.



۴۲. _____ من لا يحضره الفقيه، ج دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۴۳. _____ خصال، سیداحمد فهري زنجاني، ج اول، تهران، علمیه اسلامیه، بی‌تا.
۴۴. شیخ طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۴۵. _____ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۴۶. شیخ کلینی، اصول کافی، تهران، الاسلامیه، ج دوم، ۱۳۶۲ ش.
۴۷. شیخ مفید، الأملی المفید، کنگره شیخ مفید، ج اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. صادقی اردستانی، احمد، جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث، کوشانپور، تهران، ۱۳۸۲.
۴۹. ضرابی، عبدالله، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، ماهنامه معرفت، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، شماره ۳۳.
۵۰. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۵۱. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.
۵۳. عروسی حویزی، عبدعلی، تفسیر نور التقلین، ج چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.



۵۴. عزیزی، عباس، تأثیر نماز در کار، ج اول، تهران، انتشارات صلاة، ۱۳۸۸.
۵۵. _____ نماز و عبادت امام علی (علیه السلام)، تهران، بوستان قرآن، ۱۳۸۸.
۵۶. عضدان لو، حمید، آشنایی با مفاهیم جامعه شناسی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۴.
۵۷. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، تهران، اسلامیه، بی‌تا.
۵۸. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱.
۵۹. قمی، عباس، منتهی الآمال، ج چهارم تهران، آدینه سبز، ۱۳۹۰.
۶۰. کارگر محمد یاری، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان دنیا، ج سوم، قم ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.
۶۱. وحدت پناه، علیرضا، نماز و جامعه‌شناسی، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۹.
۶۲. کارنگی، دیل، آیین زندگی، مترجم معصومه کریمی بخش، تهران، بهزاد، ۱۳۸۵.
۶۳. کفائی، عبدالحسین، مرگی در نور، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۵۹.
۶۴. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، ج اول، تهران، نشرنی، ۱۳۸۶.
۶۵. محمد بن محمد الشعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، ج اول، قم، رضی، ۱۴۰۵ ق.



۶۶. محمدی ری شپری، محمد، *میزان الحکمه*، چاپ ششم، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۱.
۶۷. مرکز تخصصی نماز، منبر و محراب، ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.
۶۸. مشکینی، علی، *تحریر المواعظ العددیه*، چ هشتم، قم، الهادی، ۱۴۲۴ ق.
۶۹. مصباح الشریعہ، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۷۹.
۷۰. مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، چ پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
۷۱. _____، *تعلیم و تربیت در اسلام*، در کتاب مجموعه آثار شهید مطهری، جلد ۲۲.
۷۲. _____، *ده گفتار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۶.
۷۳. ریدرز دایجست، معجزه‌های دعا و نیایش، ترجمه امیر دیوانی - کیهان، ۲۳ مرداد ۱۳۸۲.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۷۵. موسوی راد، حسین *نماز از دیدگاه قرآن و حدیث*، چ شانزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۷۶. وحدت پناه، علی‌رضا، *نماز و جامعه‌شناسی*، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹.
۷۷. نبوی، ابوالفضل، *درس سخنوری*، تهران، دارالعلم، ۱۳۷۹.
۷۸. *نقش نماز در روان درمانی*، مجله تربیت، دی‌ماه ۱۳۷۵، ش ۱۱۴.



۷۹. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
۸۰. همپلتون، ملکم، *جامعه شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، چ سوم، تهران، موسسه نهادگذاری مطالعات علمی و پژوهشی گویا، ۱۳۸۹.